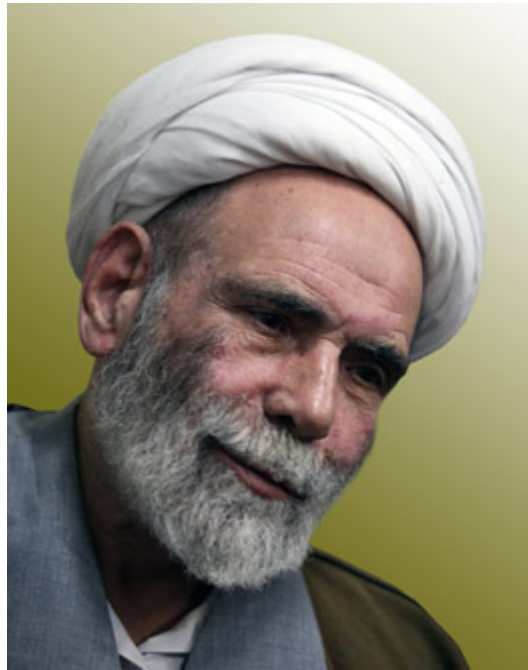


همه چیز درباره دعا

آیه الله مجتبی تهرانی



ماه رمضان سال ۱۳۸۹ برابر با رمضان المبارک ۱۴۳۱
(جلد دوم)

منبع :

پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی

تبدیل به کتاب الکترونیکی توسط :

وبلاگ افسر جنگ نرم

<http://alialiali.persiangig.com>

- جلسه ۱۶ - دو قبضه کردن دعا!..... ۲
- جلسه ۱۷ - تأثیر متقابل نماز و دعا..... ۶
- جلسه ۱۸ - شب قدر است و من قدری ندارم!..... ۹
- جلسه ۱۹ - سرّ تأکید بر «استغفار» در ماه مبارک رمضان..... ۱۴
- جلسه ۲۰ - در شب قدر چگونه دعا کنیم؟..... ۱۹
- جلسه ۲۱ - آیا شبی در اندازه شب قدر هست؟..... ۲۴
- جلسه ۲۲ - جلب نظر الهی با ذکر «یا أرحم الراحمین»..... ۲۸
- جلسه ۲۳ - شب‌های دعا..... ۳۲
- جلسه ۲۴ - مکان‌های مؤثر در اجابت دعا..... ۳۶
- جلسه ۲۵ - کجا دعا کنیم تا مستجاب شود؟..... ۴۰
- جلسه ۲۶ - در ادعیه مأثور دست نبرید!..... ۴۵
- جلسه ۲۷ - تقسیمات سه‌گانه بندگان..... ۵۱
- جلسه ۲۸ - خداحافظ ای ماه بزرگ خدا!..... ۵۶
- جلسه ۲۹ - آیا ما هم بخشیده شده‌ایم؟..... ۶۱

جلسه ۱۶ - دو قبضه کردن دعا!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

مروری بر مباحث گذشته



بحث ما راجع به ماه مبارک رمضان بود که عرض کردم این ماه، ماهی است که عبد قرآن را که کلام رب است، بازگو می کند و ماه دعا یعنی سخن گفتن عبد با رب است که آن هم دارای آداب و شرایطی است. دو نوع دعا داریم: ادعیه مأثوره و غیرمأثوره و بحث ما در ادعیه غیرمأثوره بود. این مسأله را مطرح کردیم که دعا به خودی خود مؤثر است، اما عواملی وجود دارند که بر روی اجابت دعا تأثیرگذار هستند؛ هم برخی از اعمال مؤثر را مطرح کردیم، از قبیل روزه، وضو، نماز و ... هم زمان هایی را در باب شبانه روز بحث کردیم و بعد هم در بین ایام هفته روز خاص و شب خاص را گفتیم.

تأثیر «زمان نماز» و «عمل آن»

حالا یک بحثی در دعا مطرح است که ما در روایاتمان داریم و من اینها را به دو دسته تقسیم می کنم. با بررسی ای روایات می بینیم که در اینها چند احتمال مطرح است. یکی اینکه احتمال دارد در این روایات «زمان خاص» برای اینکه در اجابت دعا مؤثر است، هدفگیری شده باشد، یا «عمل خاص» و یا هر دوی اینها که من اینها را توضیح خواهم داد. در یک روایتی است از پیغمبر اکرم دارد، حضرت فرمود: «إِذَا أُذِّنَ بِالْأَذَانِ فَتَحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَاسْتَجِيبَ الدُّعَاءُ» آنگاه که اذان گفته می شود درب های آسمان، باز می شود و دعا به اجابت می رسد.

احتمالات سه گانه

در اینجا من سه تا احتمال را مطرح می کنم؛ یک، این که ممکن است نظر روایت، به عامل زمان باشد. یعنی می خواهد عامل زمان را مطرح کند. اذان در زمانی گفته می شود که مردم باید نمازهای فریضه را انجام دهند و اوقات فرائض هم، اوقات خاصی است. یعنی زمانی که انسان می خواهد نمازهای واجب را بخواند، با اذان اعلام می شود که وقت خواندن نمازها فرا رسیده است. و وقت نمازها هم مشخص است؛ طلوع فجر، زوال شمس، مابین ظهر و عصر و هنگام غروب. در جلسات گذشته همه اینها را تقریباً بررسی کردیم؛ هم طلوع فجر را گفتیم، هم زوال شمس را. ممکن است که این مطلب مورد نظر روایات باشد که آنچه به عنوان عامل تأثیرگذار مطرح است، عامل زمان - این زمانها - باشد.

احتمال دیگر این است «نفس عمل اذان» در اجابت دعا مؤثر باشد. همانگونه که در باب روزه و وضو و دیگر اعمال قربی و خیرات گفتیم که اینها روی دعا مؤثر است، ممکن است اذان گفتن هم - خودش - مؤثر باشد. این هم احتمال دوم؛ اما احتمال سوم این است که هر دوی اینها، این مجموعه «زمان و عمل» بر روی دعا مؤثر باشد. هیچ مشکلی هم پیش نمی آید که مسأله اینطور باشد. چون ما در روایات دیدیم که هم بر روی زمان تأکید شده است و هم بر روی عمل.

روایت دوم دوباره از پیغمبر اکرم است که: «قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إذا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ أَذْبَرَ الشَّيْطَانَ فِي مَا بَيْنَ الزَّوْحَاءِ حَتَّى لَا يَسْمَعَ صَوْتَ التَّأْذِينِ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَاسْتَجِيبَ الدُّعَاءُ» حضرت فرمود: وقتی که صدا به نماز بلند می‌شود - که این ندای به نماز، همان اذان است - شیطان از آن شخص فرار می‌کند و فاصله می‌گیرد، فاصله‌ش هم تا «زوحاء» است؛ یک محلی بین مکه و مدینه است و فاصله‌اش هم ده‌ها کیلومتر است، تا صوت اذان را نشنود، «حَتَّى لَا يَسْمَعَ صَوْتَ التَّأْذِينِ». بعد حضرت فرمودند: در این هنگام درب‌های آسمان و بهشت باز می‌شود و دعا هم مستجاب است.

باز شدن درب‌های آسمان هنگام اذان

روایت دیگر، «إِذَا كَانَ عِنْدَ الْأَذَانِ فَتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَاسْتَجِيبَ الدُّعَاءُ وَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْإِقَامَةِ لَمْ تُرَدَّ دَعْوَةٌ» دارد پیغمبر اکرم فرمود: هنگام اذان که می‌شود همان تعبیر، درب‌های آسمان باز می‌شود، دعا مستجاب. و «عند الإقامة» دعا رد نمی‌شود، اینجا اقامه اضافه شد. من یک نکته‌ای است البته این نکته ادبی است می‌گویم برای آن کسانی که اهلش هستند. این دو روایت چون درش‌گذاری زمانیه به کار رفته چه بسا ظهورش در زمان بیشتر باشد، «إِذَا كَانَ» هر دوتای آنها، آنجا هم «إِذَا نُودِيَ» تعبیر شده است.

روایت دیگر، از پیغمبر اکرم است که فردی از ایشان سؤال کرد: «إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ الْمُؤَدِّينَ يَفْضُلُونَا؟» آیا کسانی که اذان می‌گویند، بر ما برتری دارند؟ حضرت فرمودند «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ قُلْ كَمَا يَقُولُونَ» تو هم همان چیزهایی که آن‌ها می‌گویند را بگو! اذان را حکایت کن! «فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلِّ تَعْطُهَا» وقتی که تمام شد از خدا درخواست کن که به تو عطا می‌کند. این روایت، خود اذان را مؤثر دانسته است. بحث، بحث زمان نیست بلکه عمل اذان گفتن مطرح است. در آخر بحث من می‌خواهم جمع‌بندی کرده و بعد هم یک توصیه کنم.

دعای بین اذان و اقامه رد نمی‌شود

در روایاتی از پیغمبر اکرم آمده است که حضرت فرمود: «لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ» وقتی انسان اذان گفت، اگر بین اذان و اقامه‌اش دعا کند، دعایش رد نمی‌شود. در یک روایت دیگر که خیلی روشن‌تر است، اینطور آمده است که «الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ مُسْتَجَابٌ فَادْعُوا». دعا در بین اذان و اقامه مستجاب است پس دعا کنید! البته به شما بگویم که من از میان روایات، چند روایت را به صورت نمونه انتخاب کرده‌ام.

از این مجموعه به دست می‌آید که اولاً «زمان» خودش در باب تأثیر گذاری بر روی دعا، مدخلیت دارد، ثانیاً این دو عمل - اذان و اقامه - هم مدخلیت دارند. حتی در این دو روایت آخر که به دعا کردن بین این دو عمل سفارش فرموده بود، روی عمل تکیه می‌کند. یعنی وقتی می‌فرماید: بین این دو عمل اگر دعا کنی، دعا مستجاب است؛ دیگر بحث زمان مطرح نیست و آنچه اثر دارد عمل است.

تذکر؛ بحث راجع به دعای غیر مأثور است.

من یک تذکر بدهم یک وقت اشتباه نکنند، آن‌هایی که اهلش هستند، من «دعای مأثور» را بحث نمی‌کنم. دعاهای وارد شده در باب مسأله اذان و اقامه گفتن و اینکه بین آنها چه بگو، این‌ها هیچکدام مورد بحث من نیست. بحث من «دعاهای غیرمأثور» است. اشتباه نکنید! می‌گوید: دعا کن! نمی‌گوید چه بگو. دعای مأثور معنایش این است که او به تو می‌گوید این را بگو! خواسته‌ات این باشد.

مثلاً در باب وضو داریم که وقتی آب را روی صورتت می‌ریزی، بگو: «اللهم بِيضٌ وَجْهِي...» آب را که روی دست راست می‌ریزی، بگو: «اللهمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي...» دست چپ را که می‌شوری، بگو: «اللهمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِيسَارِي...» آن‌ها دعای مأثور است. من در مورد آنها بحث نمی‌کنم. این‌ها بحث جدایی دارد و من بحثم دعاهای غیرمأثور است، یعنی حاجت‌هایی را که خودم دارم، از خدا بخواهم. بحث ما این‌ها است. یک وقت اشتباه نکنید!

از این فرصت‌ها استفاده کن!

این روایات این‌ها همه نگرششان به همین دعاهای غیرمأثور و حاجاتی است که بنده دارد. می‌گویند هم از نظر زمانی، هم از نظر عملی، از این فرصت‌ها استفاده کن! تو که داری اذان می‌گویی، حاجتت را هم از خدا بخواه! تو که اذانت را گفتی و بعد می‌خواهی اقامه بگویی و نمازت را بخوانی، بین اذان و اقامه یک حاجت بخواه! مطلب را خیلی ساده کردم.

رحمت واسعه حق تعالی یک مداری را برای اجابت دعای بندگان باز می‌کند که هم مرتبط با زمان است و هم مرتبط با عمل است. نگاه کنید! این «فتحت»‌ها را خوب توجه کنید! من این‌ها را از خودم نمی‌گویم. همه این مطالب در روایات است که درب‌های رحمت و فضل خدا در این زمان‌ها و با این کارها باز می‌شود. وقتی که شما در این زمان‌ها قرار می‌گیرید یا این اعمال را برای خدا انجام می‌دهید، از این موقعیت پیش آمده استفاده کنید! بهره‌گیری کنید! از آن‌هایی نباشید که غفلت دارند! غفلت نکنید و از این موقعیت‌ها استفاده کنید! این روایات دارد موقعیت‌هایی را بیان می‌کند که در آن‌ها، فضل و رحمت واسعه حق تعالی بر بندگانش، گسترش پیدا می‌کند. هم زمانی آن را می‌گوید و هم عملی‌اش را.

توسعه دایره رحمت حق، برای اینکه تو دعا کنی!

موقعی که شما این کارها را می‌کنید، برای خدا انجام می‌دهید دیگر؟! اذان که می‌گویی که برای شیطان که نمی‌گویی؟ چون شیطان فرار می‌کند؛ اینطور که در روایت گفته در روایت بود، شیطان فرار می‌کند و فاصله‌اش هم با آدم، ده‌ها کیلومتر است. تو این اذان را برای خدا می‌گویی؛ خدا هم درب فضل و رحمتش را بر تو باز می‌کند؛ از این موقعیت استفاده کن! لذا از نظر موازین معرفتی ما هیچ مانعی نیست که هر دو عامل - چه زمانی‌اش باشد، چه عملی‌اش باشد - بر دعا مؤثر باشد. قبل از عمل، بعد از عمل، وسط عمل و در این زمانها دعا کردن وارد شده است. بین کجاها را گرفته است. این قدر توسعه‌اش داده است که تو از او حاجتت را بخواهی. این موجب می‌شود که خدا دعایت را به اجابت برساند.

اوقات نماز بهترین ساعات است

این‌ها یک دسته از روایات هستند ولی یک دسته دیگر از روایات داریم که این‌ها را می‌شود دو چهره‌ای تعبیر کرد. «قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): وَ ارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ» در اوقات نمازهایتان، دست‌هاتان را به دعا کردن و درخواست کردن، به سوی خداوند بلند کنید. اینجا اشاره به اوقات نمازهای فریضه است. حضرت در ادامه ویژگی اوقات را بیان می‌کند. «يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَ يُلَبِّيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَ يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ» خواسته‌هایشان را می‌دهد چه به طریق مناجات باشد، چه به طریق ندا باشد، چه دعا باشد. این روایت در عامل زمانی ظهور دارد.

دعا در «وقت نماز» و دعا «قبل و بعد از نماز»

روایتی از امام باقر (علیه السلام) است که: «الْمَسْأَلَةُ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَ بَعْدَهَا مُسْتَجَابَةٌ» دعای پیش از نماز و بعد از نماز مستجاب است. در اینجا حضرت، «عمل» را مطرح کرده‌اند. می‌خواهی از خدا درخواست کنی؟ چه وقت دعا کنی بهتر است؟ قبل از نماز و بعد از

نماز بهترین زمان است. همان وقتی که ایستاده‌ای و می‌خواهی نماز بخوانی، زود دعا کن! فرصت طلب باش! بیا از این فرصت استفاده کن! فرصت طلبی همین را اقتضا می‌کند، آدم عاقل و کسی که به خدا اعتقاد دارد اینطور است.

امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ فَإِنَّهُ مُسْتَجَابٌ» بعد از نماز. بر شما باد که دعا کنید و مستجاب است. نگاه کنید! من این دو روایت را به ترتیب خواندم؛ اولی بحث زمان بود و دومی بحث عمل. روایت سوم را که می‌خوانم هم در مورد زمان است، هم در مورد عمل. این روایت از امام صادق (علیه‌السلام) است که: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّكَمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ فَعَلَيْكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ» همانا خداوند نمازهای پنجگانه را در بهترین ساعات بر شما واجب گردانیده است، پس بر شما باد به دعا کردن بعد از نمازها.

سفارش دو قبضه

بخش اول روایت اشاره به زمان دارد که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّكَمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ» خداوند، نمازهای پنج‌گانه را در بهترین اوقات، بر شما واجب کرد. پس معلوم می‌شود «زمان» خودش فضیلت دارد. در بخش دوم که داشت: «فَعَلَيْكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ» بحث «عمل» را پیش کشید. گویی این روایت یک سفارش دو قبضه است. «بهترین ساعات» عامل زمانی است و «بهترین عمل» - نماز - عامل عملی است. پس از این موقعیت استفاده کن! وقتی اول وقت به نماز ایستادی، زمان اجابت دعا است. نمازت که تمام شد هم، هنوز وقت، وقت اجابت دعا است. نماز خودش عامل دیگری است که دعایت مستجاب شود. هر عامل به تنهایی بر دعای تو اثر می‌گذارد، چه رسد به اینکه دو عامل در کنار هم باشد! ببین اگر اینها با هم جمع شوند، چقدر اثر می‌گذارد. من دیگر نمی‌رسم همه روایات را بخوانم، چون روایات خیلی زیاد است، شاید من از این روایات بین ده تا بیست روایت دیدم.

حال داعی در این زمان‌ها متوجه به خداست

اما آن چیزی که در همه این‌ها سر بیان دارد و مشترک است، بحث «حالت داعی» است. موقعی که اذان می‌گوید، برای شیطان که - نعوذ بالله - اذان نمی‌گوید، برای خدا می‌گوید؛ آن حال توجه مؤذن به خدا است که او را برای دعا کردن مهیا کرده و دعایش را تقویت می‌کند که به هدف اجابت برسد. مابین اذان و اقامه باز حال توجه، به خدا است. بعد از اذان و اقامه حال توجه، به خدا است. قبل از صلوة، و موقع تکبیر «الله اکبر» توجه به خدا است. نمازت که تمام شد، هنوز منقطع نشده‌ای و به این زودی، توجهت به خدا گرفته نشده است؛ شیطان به این زودی نمی‌تواند توجه به خدا را از تو بگیرد.

با خدا درد دل کن و گره‌هایت را به او بگو!

در تمام این حالات یک چیز دارد و او حال داعی است و آنچه که در دعا اثر اساسی دارد نیز همین توجه تام داعی به خداوند است. یعنی دعا که لقلقه زبان نیست، یک حالت اتصال به معبود است. می‌گوید همین که سیم متصل شد، از این فرصت استفاده کن! از همان حال خودت بهره بگیر! از این حالت خوبت که متوجه خدا شده‌ای، استفاده کن! همانجا درد دل‌ها و گره‌هایت را با خدا در میان بگذار. ببین چطور جواب می‌دهد! اگر مؤثر نبود؟! آنچه که در تمام این موارد مشترک است این است که تمام عمل‌هایی را که مطرح می‌کند، برای یک حالت توجه به معبود را ایجاد می‌کند.

جلسه ۱۷ - تأثیر متقابل نماز و دعا

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ».[۱]

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ، یعنی «قرائت قرآن» و ماه سخن گفتن عبد با ربّ، یعنی «دعا کردن» است. دعا هم بر دو گونه است؛ مأثور و غیرمأثور که دارای آداب و شرایطی است. در جلسات گذشته هم گفته شد که بعضی از امور بر دعا مؤثر هستند. یعنی دعا خودش قطعاً کارایی دارد، اما بر طبق آنچه که در معارف ما وارد شده است، اموری هستند که روی دعا اثر می‌گذارند و تأثیرشان به سه نحو است؛ به این نحو که یا تشدید مقتضی می‌کنند، یا مقتضی را به فعلیت می‌رسانند، یا اینکه تسریع در اجابت می‌کنند. این‌ها بحث‌هایی است که در جلسات گذشته داشتیم.

ادامه بحث تأثیر نماز بر دعا

دعا در نماز عشاء

بحث ما به اموری رسید که بر اجابت دعاء مؤثرند. جلسه گذشته من یک دسته از اعمال و یک سری زمان‌هایی را که بر دعا مؤثرند، مطرح کردم. بحث ما به اینجا رسید که در باب اعمال مؤثر، ما می‌بینیم که در روایات مسأله نمازهای پنج‌گانه مطرح شده و تصویراتی هم برای دعا کردن به هنگام نماز، قبل و بعد و در بین آن وجود دارد که من آنها را در جلسه گذشته عرض کردم. روایاتی راجع به نمازهای صبح و ظهر و مغرب خواندم و الآن روایتی راجع به نماز عشاء می‌خوانم که بحث از نظر روایات مرتبط با نمازها تکمیل شده باشد.

ما در یک روایت داریم که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «مَنْ كَانَ طَالِبًا إِلَى اللَّهِ حَاجَةً فِي أَمْرٍ دُنْيَا وَ آخِرَتِهِ فَلْيَطْلُبْهَا فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا صَلَاةٌ لَمْ يُصَلِّهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَمِ قَبْلُكُمْ».[۲] اگر کسی حاجتی دارد، چه دنیوی و چه اخروی، آن را در نماز عشاء آخر یعنی همین نماز عشاء می‌خواند که ما داریم، از خداوند بخواهد که این نماز عشا را امت‌های گذشته نداشته‌اند. من این روایت را برای تکمیل مباحث گذشته خواندم.

دعای مستجاب بعد از نماز واجب

روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) است که حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْهِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ حَوَائِجِكُمْ عَقِيبَ قِرْآنِكُمْ».[۳] همانا خداوند نمازها را در دوست داشتنی‌ترین ساعات بر شما واجب گردانیده است؛ پس بعد از نمازهای واجب، حاجاتتان را از خدا بخواهید. در اینجا بحث دعای بعد از نماز و تعقیب را مطرح فرموده است. حالا من روی این نکته، نظر دارم و بحث خواهیم کرد.

چند روایت با یک مضمون است؛ هم از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و هم از امام صادق (علیه‌السلام) روایاتی داریم که من یکی از آنها را می‌خوانم: «مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِي أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ».[۴] هر کس نماز واجبی را به‌جا آورد، در پی او دعای مستجابی دارد. در یک روایت دیگر دارد: «قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ وَ دُبْرَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ».[۵] از حضرت سؤال کردند کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ مراد از «أسمع» شاید این باشد که کدام دعا زودتر مستجاب می‌شود. حضرت در پاسخ فرمودند که از نظر زمانی، دعا در آخر شب و از نظر عملی، دعا بعد از نمازهای واجب.

تأثیر دعا بر نماز

مطالبی که تا اینجا گفتیم همه نسبت به اثرگذاری نماز بر روی دعا بود. حالا می‌خواهم یک چیز تازه عرض کنم و آن عکس این مطلبی است که مطرح کردم و شاید شما هم این را نشنیده باشید؛ اثرگذاری دعا بر روی نماز. می‌خواهم اهمیت دعا را عرض کنم. همه این مطالب تا اینجا این بود که انسان وقتی نماز می‌خواند، قبل و وسط و بعد از نماز، این بر روی دعای او تأثیر می‌گذارد و کاربرد دعا را زیاد می‌کند. روایاتی داشتیم که این‌ها روی دعا، اثر می‌گذارد و کاربرد دعا را بالا می‌برد. اما از این طرف هم داریم که دعا روی نماز اثر می‌گذارد. این یعنی چه؟ یعنی روی قبولی نماز تأثیر دارد.

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که: «قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ»؛ حضرت از پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌فرمایند که ایشان در ذیل این آیه: «فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» می‌فرمود: «إِذَا قَضَيْتَ

الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ»، بعد از اینکه نماز را خواندی و سلام دادی، «وَأَنْتَ جَالِسٌ»، در حالی که نشسته‌ای و هنوز بلند نشده‌ای، «فَأَنْصَبَ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ در دعا کردن برای امور دنیا و آخرت بکوش! «فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَأَرْعَبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ».[۶] و وقتی که از دعا فارغ شدی، مُلتمسانه از خدا بخواه که نمازت را از تو بپذیرد! عَجَب! پس این دعای بعد از نماز، باعث می‌شود که خدا نمازت را قبول کند. توجه داشته باشید که ضمیر «هَا» در «أَنْ يَتَقَبَّلَهَا» به «الصَّلَاة» برمی‌گردد؛ یعنی اثر دعا بر نماز را مطرح فرموده‌اند.

نمازش را به صورتش بزیند!

حالا این روایت لحن نرمی داشت؛ اما روایتی داریم که نسبت به کسانی که نماز می‌خوانند، ولی بعد از آن دعا نمی‌کنند، لحن تندتری دارد. «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ إِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَةً يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ «يَغْمِرُ أَكْرَمَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود آنگاه که بنده از نماز فارغ می‌شود و حاجتی از خدا نمی‌خواهد، خدا به فرشته‌هایش می‌گوید: «أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي»؛ به این بنده من نگاه کنید! «فَقَدْ أَدَّى فَرِيضَتِي»، نماز واجبش را خواند، «وَلَمْ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ مِنِّي»؛ اما از من درخواستی نکرد؛ «كَأَنَّهُ قَدْ اسْتَعْنَى عَنِّي»؛ مثل اینکه او خودش را از من بی‌نیاز می‌داند که چیزی از من نمی‌خواهد. چون اگر خودش را نیازمند می‌دیدید، الآن که به حسب ظاهر، بالاترین عملی را که عبودیت و بندگی در آن جلوه می‌کند یعنی نماز را به جا آورده است، از من درخواست می‌کرد. «كَأَنَّهُ قَدْ اسْتَعْنَى عَنِّي»؛ مثل اینکه خودش را از من بی‌نیاز می‌بیند. «خُذُوا صَلَاتَهُ»، نمازش را بگیرید، «فَأَضْرِبُوا بِهَا وَجْهَهُ».[۷] نمازش را به صورتش بزیند! این کنایه از عدم قبولی نماز است. خدا می‌گوید این نماز خواندنت را من نمی‌پذیرم.[۸]

دعا یا نماز مستحبی؟

در سنوات گذشته، من یک بحث کلی را مطرح کردم که خودش یک بحث مستقل است و آن اینکه در مقایسه بین دعا و نماز مستحب، از نظر فضیلت و محبوبیت عندالله تعالی، کدام یک افضل است؟ دعا کنم یا نماز مستحبی بخوانم؟ کدام را خدا بیشتر دوست دارد؟[۹] در آنجا من عرض کردم که دعا افضل است. حالا من در این رابطه که نماز مستحبی بخوانم یا دعا کنم، فقط یک روایت می‌خوانم که اشاره کرده باشم و رد می‌شوم. روایت از امام باقر(علیه السلام) است که: «الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَتَفَلَّأُ».[۱۰] [دعای بعد از نماز واجب بهتر از نماز مستحبی است. روایت «نص» است و دیگر هیچ احتمال مخالفی در آن مطرح نیست. این روایت اشاره به دعای بعد از نماز دارد.

نماز کال و ناقص

ما حتی درباره «دعای بین نماز» هم روایت داریم که نمازی که وسطش دعا نباشد «ناقص» یا «کال و نارس» است. میوه باید رسیده باشد تا قابل اکل شود. نماز هم باید قابل پذیرش باشد، تا به کار آید. روایتی است از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) که حضرت فرمودند: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُدْعَى فِيهَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِيهَا خِدَاجٌ».[۱۱] نماز بدون دعا برای مؤمنین و مؤمنات ناقص و نارس است.

می‌خواستم این را عرض کنم که آنچه ما در مجموعه ده‌ها روایت در باب دعا هنگام نماز داریم، این است که قبل از نماز، در نماز و بعد از نماز به خصوص نمازهای واجب دعا کردن وارد شده و این دعا هم بر نماز اثر می‌گذارد و هم نماز بر روی آن اثر دارد. این دو بر روی یکدیگر اثر متقابل دارند و هم نماز روی دعا اثر می‌گذارد که یا مقتضی‌اش را تشدید می‌کند، یا آن را به فعلیت می‌رساند و یا تسریع در اجابت می‌کند؛ و هم دعا روی نماز اثر می‌گذارد و باعث می‌شود نمازت قبول شود و به نمازت مقبولیت می‌دهد. من مطالب و مجموعه روایاتی که در این باب داریم را خلاصه کردم. این‌ها همه، اهمیت دعا را می‌رساند که من دیگر نمی‌خواهم وارد شوم؛ چون قبلاً این موضوع را بحث کرده بودم، می‌گذرم.

تأثیر قرآن بر دعا

عامل دیگری که باز به عنوان عامل اثرگذار بر روی دعا مطرح است، مسأله قرائت قرآن است. من این را که می‌گویم به خاطر اینام ماه مبارک رمضان است و می‌خواهم یک مقدار به شما راه کار بدهم و مقید هم هستم که بحث‌هاییم به گونه‌ای باشد که کارایی داشته باشد. ما دو دسته روایت داریم که من آن را خلاصه می‌کنم. در یک دسته از روایات این طور آمده که بعد از ختم قرآن، دعا مستجاب است. انسان اگر یک بار قرآن را ختم کند و بعد از آن دعا کند، دعایش مستجاب است. این‌ها یک دسته از روایاتند. یک دسته دیگر از روایات را داریم که می‌فرماید یک ختم قرآن لازم نیست، بلکه صد آیه از هر کجای قرآن که بخوانی و بعد از آن دعا کنی، این دعایت مستجاب است. البته این‌ها هیچ کدام با هم منافات ندارد. من حالا به عنوان نمونه به بعضی از این روایات اشاره می‌کنم.

دعا بعد از ختم قرآن

یک روایت از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که حضرت فرمودند: «مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ». [۱۲] هر کسی که قرآن را ختم کند، دعای او پس از تلاوت قرآن مستجاب است. یک تعبیر دیگر به همین مضمون است که: «إِنْ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ عِنْدَ كُلِّ خَتْمَةٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ». [۱۳] برای هر صاحب قرآنی، در هر بار ختم کردن قرآن، یک دعای مستجاب هست.

دعا بعد از تلاوت صد آیه

دسته دوم روایات را که گفتیم، مربوط به «صد آیه خواندن» است. عبدالله بن مسعود ایستاده بود و داشت نماز می خواند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم آنجا تشریف داشتند. عبدالله بن مسعود در نمازش سوره نساء را می خواند؛ تا به آیه صَدُمُ رَسِيدٍ پیغمبر وسط نماز به او رو کرد و فرمود زود حاجتت را بخواه! «كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَائِمًا يُصَلِّي فَلَمَّا بَلَغَ الْمَاءَ مِنَ النَّسَاءِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ سَلْ تُعْطَى». درخواست کن که الآن به تو می دهند.

یک روایت از علی (علیه السلام) داریم که حضرت فرمود: «مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ أَيِّ الْقُرْآنِ شَاءَ ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ»؛ هر کس صد آیه از قرآن را بخواند از هر کجای قرآن، هر سوره ای و هر جزئی که باشد و بعد از آن هفت مرتبه بگوید «یا الله»، «فَلَوْ دَعَا عَلَى الصَّخْرَةِ لَقَلَعَهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». [۱۴] اگر دعا کند، در صورتی که خدا بخواهد، کوه را از جا خواهد کند. یعنی اگر نفرین کند، به خواست خدا کوه را از جا می کند. [۱۵] یعنی این دعا این قدر بُرد دارد. حالا من بحث را خلاصه کردم؛ چون فقط می خواستم یک تذکر بدهم.

لااقل سوداگر باشید!

عرض کردم که ماه مبارک رمضان، هم ماه تلاوت قرآن و بازگو کردن کلام ربّ است و هم ماه سخن گفتن عبد با ربّ است؛ آن هم این همه آثار بر آن مترتب است که ما هم مفصل اینها را بحث کردیم. می خواهیم اینها را با هم تلفیق کنیم. قرآن که می خوانید حواستان جمع باشد. لااقل سوداگر باشید! البته این «لااقل» است که می گویم. لااقل سوداگر باشید! لااقل حسابگر باشید! از فرصت هایتان استفاده کنید! هم از فرصت زمانی بهره بگیرید که این فرصت عبارت از ماه مبارک رمضان است و ما بعداً وارد بحث خاص آن می شویم؛ هم از فرصت هایی که از ناحیه اعمال به دست شما می رسد، برای اینکه دعا هایتان به اجابت برسد، از این فرصت ها استفاده کنید. چه از نمازهای واجب، چه از قرآن هایی که می خوانید، از همه این فرصت ها کمال بهره برداری را بکنید. من می خواستم این را توصیه کنم که دعا کنید؛ به خصوص برای دیگران که اگر برای غیر دعا کنید، نفعش برای شما بیشتر است، این شاء الله!

ذکر مصیبت عصر روز یازدهم محرم

اما بروم سراغ توسلتمان به حسین (علیه السلام) همین طور گام به گام کشیده شدیم به روز عاشورا که با آن حوادث سخت و ناگوارش گذشت؛ اما خدا می داند چه گذشت! این طور که من در مقاتل و روایات دیده ام، عمر سعد (لعنة الله عليه)، آن اجساد کثیف لشکریانش را دفن کرد. اما این پیکرهای مقدّس و مطهّر را روی زمین گذاشت. تا عصر روز یازدهم هم آنجا بودند و بعد دستور داد که حرکت کنند. خاندان حسین (علیه السلام) را به اسارت گرفته بود. مرکب های بی جهازی را آوردند که اینها را سوار کنند. سوار شدن بر مرکب های بدون محمل خیلی مشکل است. این طور که نقل می کنند، حضرت زینب (سلام الله علیها) خودش متکفل شد که این بی بی ها و کودکان را سوار کند.

اما من یک مطلبی را نقل کنم؛ شما می دانید، روزی که زینب (سلام الله علیها) از مکه خواست حرکت کند، چگونه حرکت کرد آمد؟ حالا مقایسه کنید، روز یازدهم چگونه می خواهد برود؟ در آنجا می نویسند وقتی حسین (علیه السلام) تصمیم گرفت که حرکت کند، آن کجاوه ها و آن محمل ها را آماده کردند؛ اصحاب و خیلی افراد دیگر آمده بودند و صف کشیده بودند. همه کاروان آمدند و سوار شدند. در این هنگام زینب (سلام الله علیها) خواست بیاید و سوار شود. ببینید دختر علی چگونه سوار شد؛ در تاریخ می نویسند ابوالفضل (علیه السلام) میان جمعیت آمد و گفت: «عَضُوا أَبْصَارَكُمْ»؛ چشم ها را ببندید! «وَارْتَعُوا رُؤُوسَكُمْ»؛ سرها را پایین بیندازید! او عصمه الله است. زینب (سلام الله علیها) آمد؛ قاسم دوید یک کرسی آورد و پای محمل گذاشت؛ علی اکبر آمد این پرده محمل را بالا زد؛ ابوالفضل آمد زانویش را خم کرد که خواهر پایش را روی زانوی او بگذارد و بالا برود. حسین (علیه السلام) هم زیر بغل های زینب (سلام الله علیها) را گرفت و او را سوار کرد.

این سوار شدن زینب در مکه بود، اما حالا که از کربلا می خواهد برود، ببینید چه وضعی است؛ خدا می داند چگونه این بی بی ها و بچه ها را سوار کرد. نگذاشت کسی به آنها دست بزند. خوب، حالا نوبت خودش شده است. خودش چگونه سوار شود؟ نمی دانم چگونه سوار شد، اما چشمش افتاد به چهره برادرزاده اش، زین العابدین (علیه السلام) یک نگاه کرد، دید او دارد قالب تهی می کند.

گفت: «مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ». [۱۶] چه شده برادرزاده؟ چرا با جانت داری بازی می‌کنی؟ زین العابدین (علیه السلام) گفت مگر نمی‌بینی پیکر حجت خدا روی زمین...؟

-
- [۱]. بحار الأنوار ۹۱ ۹۶
[۲]. کنز العمال ۲ ۱۰۹
[۳]. بحار الأنوار ۸۲ ۳۲۴
[۴]. بحار الأنوار ۹۰ ۳۴۷
[۵]. شرح رياض الصالحين ۱ ۱۷۲۳
[۶]. وسائل الشيعة ۶ ۴۳۱
[۷]. مستدرک الوسائل ۵ ۲۹
[۸]. یک وقت اشتباه نکنید! بطلان نماز مطرح نیست؛ بلکه کنایه از عدم قبولی نماز دارد.
[۹]. من حالا دقیقاً یادم نیست که چه زمانی این بحث را کردم. چون سال چهارم من است که دارم درباره دعا بحث می‌کنم. این را گفته‌ام و بحث کرده‌ام و بحث نسبتاً مفصلی بود. یکی از موضوعات بحث من در گذشته همین بود.
[۱۰]. الکافی ۳ ۳۴۲
[۱۱]. کنز العمال ۲ ۱۰۹
[۱۲]. الدر المنثور ۱۰ ۴۰۶
[۱۳]. جامع الاحادیث (عامه) ۹ ۱۵۳
[۱۴]. وسائل الشيعة ۷ ۶۵
[۱۵]. حضرت تعبیر فرمودند به «دعا علیه»؛ این نحو دعا را تعبیر به «نفرین» می‌کنند. من یک وقت در مباحث اخلاقی این‌ها را بحث کرده‌ام؛ اما اینجا جای آن بحث‌ها نیست.
[۱۶]. بحار الأنوار ۲۸ ۵۵
-

جلسه ۱۸ - شب قدر است و من قدری ندارم!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد که ماه مبارک رمضان، ماهی است که عبد کلام ربّش را بازگو می‌کند؛ یعنی ماه تلاوت قرآن است و ماهی است که عبد با ربّ خود سخن می‌گوید که از آن به دعا تعبیر می‌کنیم. دعا هم دو نوع مأثور و غیرمأثور دارد که دارای آداب و شرایطی است و ما بحثمان در گذشته مربوط به همین معنا بود. گفته شد عواملی هستند که بر روی دعا اثر می‌گذارند. یعنی هر چند که دعا خودش کاربرد دارد، ولی عواملی هستند که در سه رابطه بر روی دعا اثر می‌گذارند؛ اول تشدید مقتضی، دوم به فعلیت رساندن مقتضی، سوم تسریع در اجابت. اموری که در این سه رابطه بر روی دعا اثر می‌گذارد، یک بخش از آنها «اعمال» هستند، یک دسته «زمان‌ها» هستند و یک دسته هم «حالات» هستند. از آنجا که من نسبت به عامل اول که همان «اعمال» است، بحث کرده‌ام،

فعالاً به آن کاری ندارم؛ بحث من نسبت به زمان‌هایی بود که بر روی اجابت دعا اثر می‌گذارد؛ چه در شبانه‌روز، چه نسبت به روز خاص در ایام هفته.

سائل ماه مبارک، محروم نمی‌شود

یکی از زمان‌هایی که در این سه رابطه بر روی دعا اثر می‌گذارد، ماه مبارک رمضان است. یعنی این ماه و این زمان، روی اجابت دعا اثر می‌گذارد. ما در روایات بسیار این معنا را داریم که این زمان بر دعا مؤثر است. مثلاً در روایتی از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که حضرت فرمودند: «ذَكَرُ اللهُ فِي رَمَضَانَ مَغْفُورٌ لَهُ وَ سَأَلَ اللهُ فِيهِ لِإِخِيْبٍ». [۲] به یادآورنده خدا در این ماه آمرزیده است و سؤال کننده در این ماه، محروم نمی‌شود.

خداوند هر شب سه مرتبه صدا می‌زند...

در یک روایت دیگر آمده است که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «يَقُولُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ». [۳] خداوند در هر شب از ماه مبارک رمضان سه مرتبه این جملات را می‌فرماید: آیا درخواست کننده‌ای هست، تا من درخواستش را به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که توبه کند، تا من توبه او را بپذیرم؟ آیا کسی هست که از من طلب آمرزش کند، تا من او را بیامرزم؟

درب‌های آسمان باز است...

ما در روایات متعدد داریم که از ناحیه خداوند تمام درب‌های علوی و سماوی باز است و حتی در روایتی چنین آمده است که در این ماه خداوند، دربانی برای خودش قرار نداده است. همه درب‌ها باز است و دربانی ندارد. «أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ، فَرَضَ اللهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ». [۴] ماه رمضان به سوی شما آمده است و ماهی پر برکت است که خداوند روزه آن را بر شما واجب گردانیده و درب‌های آسمان در آن باز شده است.

اگر خدا توفیقی عنایت کند و حیاتی باقی باشد، من متناسب با سه شب قدر مطالبی را آماده کرده‌ام که هر شب یک مطلب را در ربط با دعا مطرح می‌کنم. من مجموعه‌ای از آیات و روایاتی که مرتبط با بحث است را به طور فهرست‌وار عرض می‌کنم.

شب تقدیر ارزاق، عمرها و نزول فرشتگان

ماه مبارک رمضان ماهی است که خودش بر روی دعای عبد اثر می‌گذارد و در این ماه هم، شب‌های قدر وجود دارد که در آنها به‌طور خاص و ویژه این تاثیرگذاری تشدید می‌شود. به این معنا که اثر گذاری آن‌ها بر روی دعا خیلی زیاد است؛ به نحوی که هیچ‌یک از زمان‌های سال، این اثر را بر روی «اجابت دعا» ندارد. [۵]

از مجموعه روایات راجع به شب قدر که من به آنها مراجعه کرده‌ام، این به دست می‌آید که شب‌های قدر، شب‌هایی هستند که در آن ارزاق و عمرها و سایر امور خیر و شر سال آینده تقدیر می‌شود. شبی است که در هر سال، قرآن بر قلب مقدس ولی‌الله‌الاعظم نازل می‌شود. شبی است که عبادت در آن، بهتر از عبادت هزار ماه است. [۶] شبی است که فرشتگان نازل شده و پراکنده می‌شوند؛ به مجالس مؤمنین می‌روند - که امیدواریم این‌شاء‌الله این مجلس ما هم محفوف به این فرشتگان باشد - و بر آن‌ها سلام می‌کنند؛ یعنی به آن‌ها و دعا‌هایشان تا طلوع فجر ایمنی می‌بخشند.

شب سجده، نماز، تسبیح، تلاوت قرآن و دعا

شب‌ی است که درب‌های آسمان‌ها در آن شب باز است و بر روی هیچ‌کس بسته نیست که من هم روایات آن را خوانده‌ام. شب‌ی است که هر سجده در آن، اثرش این است که درختی در بهشت برای سجده‌کننده غرس می‌شود. شب‌ی است که هر رکعت نماز در آن شب، موجب می‌شود خانه‌ای در بهشت از یاقوت و زبرجد و لؤلؤ برای آن شخصی که نماز خوانده است، تهیه شود. به ازای هر آیه‌ای که تلاوت می‌شود، تاجی از تاج‌های بهشتی به قاری آن داده می‌شود. شب‌ی است که هر تسبیح برای گوینده‌اش پرنده و طائری در بهشت می‌شود. شب‌ی است که هر چه در آن برای سال آینده تقدیر شود، تبدیل نمی‌شود مگر به مشیت حق تعالی. شب‌ی است که دعای احدی در آن شب رد نمی‌شود. [۷]

دعا برای تمام سال آینده

آنچه که مورد نظر همه ما است، که برای آن می‌آییم و در این مجلس شرکت می‌کنیم، این است که ما دل‌نگران سال آینده‌مان هستیم و در این لیالی قدر، می‌خواهیم از خدا تقاضا کنیم که سال آینده‌مان، چه از نظر معنوی چه از نظر مادی، از هر دو جهت برای ما سال خوبی باشد. فکر می‌کنم همه برای رفع گرفتاری‌های معنوی و مادی‌مان، اینجا آمده‌ایم. بعید می‌دانم که «غیرگرفتار» در این جلسات حضور داشته باشد. همین گرفتاری‌های ما است که موجب می‌شود ما به این مجالس رو بیاوریم و از این فرصت‌ها استفاده کنیم.

شب تقدیر امور سال آینده

من سال‌های گذشته مطلبی را تذکر می‌دادم و امسال هم این را عرض می‌کنم که بر اساس روایات، هر سه شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم، از لیالی قدر است. به حسب روایات، شب نوزدهم شب‌ی است که در آن امور سال آینده تقدیر می‌شود که تقدیر یعنی اندازه‌گیری کردن؛ به این معنا که در این شب برای هر موجودی، از جمله انسان‌ها، تمام امورشان بررسی می‌شود. درباره شب بیست و یکم در روایات دو تعبیر آمده است؛ امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ»؛ یعنی در شب نوزدهم ماه مبارک، همه امور تقدیر می‌شود. «وَفِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ الْقَضَاءُ» [۸] و شب بیست و یکم ترسیم می‌شود. در بعضی از روایات «الإبرام» آمده است؛ یعنی در این شب تقدیرها ثبت و ضبط می‌شود. فرشتگان و کارگزاران عالم در شب نوزدهم همه امور را بررسی می‌کنند و در شب بیست و یکم ثبت و ضبط می‌کنند و همه تقدیرات ثبت شده، در شب بیست و سوم امضا می‌شود. تعبیر بعضی از روایات نسبت به شب بیست و سوم «الإمضاء» است، یعنی این امور تقدیر شده، توشیح می‌شود و به امضاء ولی‌الله الأعظم می‌رسد.

دعا، مدعو و داعی

امشب مثل شب‌های گذشته، بحث من در مورد دعا است؛ من در نظر داشتیم که در این سه شب یک بحث منسجم، راجع به دعا داشته باشیم. همان‌طور که گفته بودم، دعا صدا زدن است و وقتی که عبد ریش را صدا می‌زند، از او یک درخواست و تقاضایی دارد. لذا در اینجا ما می‌بینیم که سه چیز وجود دارد؛ یکی «داعی» است؛ یعنی کسی که دعا می‌کند. دوم «دعا» است؛ یعنی همان چیزی که عبد تقاضا می‌کند. سوم «مدعو» است که همان خداوند است. در هر دعا و درخواستی همین‌طور است که درخواست‌کننده‌ای هست و درخواستی و درخواست‌شونده‌ای.

بررسی سابقه، پیش از درخواست

در این جلسه من می‌خواهم راجع به داعی صحبت کنم؛ یعنی در مورد خودمان که آمده‌ایم و می‌خواهیم دعا کنیم. در اینجا با توجه به این روایاتی که می‌فرمایند شب نوزدهم شب بررسی است، ما هم باید وضعیت خودمان را بررسی کنیم. من یک مثال ساده بزنم تا مطلب روشن شود. فرض کنید کسی که می‌خواهد از دیگری تقاضایی کند؛ تقاضا شونده در ابتدای کار، پیش از آنکه حاجت او را برآورد چه کار می‌کند؟ اول سوابق درخواست‌کننده را بررسی کرده و امور درخواست‌کننده را خوب مطالعه می‌کنند که

او چه سوابقی داشته است. در امور استخدای، این مطلب خیلی روشن است که پیش از استخدام، اول به سوابق فرد رسیدگی می-کنند. لذا آدم پیش از آنکه درخواستی کند، باید بداند که وضعیت او بررسی می-شود. سوابق بنده و شما را پیش می-کشند و امشب همه-اش را بررسی می-کنند.

چه رابطه-ای با او داشته-ای که الان درخواست داری؟

از شما سؤال می-کنم؛ آیا ما خودمان می-توانیم بررسی کنیم که سال گذشته چه کار کرده-ایم؟ هرکسی از شما، خودش پیش خودش، منصفانه بگوید که سال گذشته چه کار کرده است؟ در ربط با آنکه می-خواهی از او تقاضا کنی، نه در ربط با دیگران، چه کار کرده-ای که الان از او چیزی می-خواهی؟ در گذشته رابطه-ات با آن کسی که می-خواهی از او تقاضا کنی، چه رابطه-ای بوده است؟ آیا می-توانید جواب بدهید؟ آیا جوابی دارید؟ بعید می-دانم یک نفر باشد که بگوید من می-توانم بگویم سال گذشته در ربط با خدا چه کرده-ام.

او از هیچ چیز غافل نبوده است!

این را هم بدان که طرف مقابلت که امور تو را بررسی می-کند کیست. او همانی است که «وَلَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» [۹] هیچ کوچک و بزرگی نیست، مگر آن که به آن رسیدگی می-کند و به شمارش می-آورد. من و تو آن قدر خطا کرده-ایم که چه بسا فراموش کرده و غفلت کرده باشیم؛ اما خدا غفلت نکرده است. در آنجا غفلت راه ندارد. همه چیز نزد او ثبت و ضبط است. امشب، ما با این وضع روبه‌رو هستیم. اول باید خودمان را و وضعمان را بررسی کنیم، بعد دعا کنیم.

اما من می-گویم «من که رو ندارم کلمه-ای بگویم»؛ تعارف هم نداریم! من می-خواهم خیلی ساده و خودمانی صحبت کنم. الان من چه کار کنم؟ من با سوابقی که در گذشته داشته-ام، رو ندارم چیزی از او بخواهم یا تقاضایی کنم. من که زبانم بسته می-شود و هیچ چیزی نمی-توانم بگویم. ما باید بنشینیم و فکر کنیم که چه باید بکنیم.

خودش گفته اگر بیایی، تو را رد نمی-کنم!

حالا ما که رو نداریم، پس چرا اینجا آمده-ایم و جمع شده-ایم؟ بحث در این است که چه چیز می-تواند زبان ما را به دعا باز کند؟ من به دو عامل اشاره می-کنم. یکی عامل «زمان» است. یعنی وقتی من می-نشینم و با خودم فکر می-کنم که من امشب با چه رویی در خانه- خدا بروم، می-بینم خود او به من گفته است که اگر در این موقعیت بیایی تو را رد نمی-کنم. دلیل را از خودش می-گیرم. خود خدا گفته است که اگر در این موقعیت بیایی، من تو را رد نمی-کنم. در روایات آمده بود که در ماه رمضان و لیالی قدر، خدا کسی را رد نمی-کند. من چند روایت را نسبت به همین معنا خواندم. صحبت در این است که چون خودش گفته است بیا، من هم آمده-ام.

حال داعی؛ زاری، بیچارگی و سرافکندگی

حالا بحث اینجا است که اکنون که من به خاطر گفته او آمده-ام، با چه حالتی بیایم؟ زمان، اثر خودش را در دعا کردن و درخواست من گذاشت، اما من چه حالتی باید داشته باشم؟ عامل دیگر «حالت داعی» است، یعنی حالت کسی که می-خواهد از خدا درخواست کند. من جملاتی را از ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل می-کنم و بعد هم یک آیه از قرآن را می-خوانم. روایت از امام صادق (صلوات الله علیه) است که حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ» [۱۰] حضرت در همان اول دعایش عرضه می-دارد: خدایا من از تو مانند یک فقیر بیچاره درخواست می-کنم. من از خدا درخواست می-کنم اما می-دانی با چه حالتی؟ با حالت کسی که زمین-گیر شده است. استکانه به معنای زمین-گیری است. خدایا زمین-گیر شده‌ام، درمانده‌ام، دیگر راه به جایی ندارم، من با این حال آمده‌ام. دیگر هیچ پناه و پناه‌گاهی جز تو ندارم که مشکلاتم را حل کند.

سر دلت پائین باشد!

اما آیه شریفه قرآن چه می‌گوید؟ می‌فرماید: «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً» [۱۱] پروردگارت را بخوان، دعا کن، اما با چه حالتی؟ با حالت تَضَرُّع و زاری؛ بعد هم دارد «خُفْيَةً» یعنی نهانی. خدا بهتر آگاه است که در دل تو چه حالتی است. آیا سر دل تو رو به پائین است یا نه؟ شرمنده هستی یا نه؟ آن خواری و خاکساری در قلب تو هست یا نه؟ علی (علیه‌السلام) فرمود: «نِعْمَ عَوْنُ الدُّعَاءِ الْخُشُوعِ» [۱۲] حالت خشوع برای دعا، نیکو یآوری است.

هر چه کردی نشد؟! حالا بیا!

امشب باید با این حالت به در خانه خدا برویم؛ یعنی باید سربزه‌زیر باشیم. در این لیالی قدر ما باید با این حالت پیش خدا برویم. خدایا ما درمانده-ایم؛ سال گذشته به هر وسیله-ای که به ذهنمان می-رسید برای رفع مشکلاتمان متوسل شدیم، اما نتوانستیم؛ هر چه تدبیر کردیم کاری از پیش نبردیم؛ حالا جمع شده-ایم و به سراغ تو آمدیم که کلید گشایش تمام گرفتاری-ها به دست قدرت تو است. خدا به ما وعده کرده است که بیا، من جوابت را می-دهم. در آن روایت بود که خدا امشب می-گوید: «هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟» آیا کسی هست که از من بخواهد، تا من به او بدهم؟ خودش اجازه داده است که بیاییم و با خواری و خاکساری از او درخواست کنیم. بد کرده-ای؟ بیا و توبه کن! «هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ؟» من توبه-ات را قبول می-کنم. «هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ؟» آیا کسی هست که بیاید از من پوزش بطلبد تا من او را بیامرزم؟

با «شفیع و وسیله» بیا!

بله، یک عامل دیگر هم ما داریم و در این شبهه-ای نیست و آن عامل، این است که خود خدا گفته است حالا که سابقه-ات خراب است و رویت نمی-شود پیش من بیایی، حالا که شرمنده هستی، بیا یک کاری کن؛ «وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» [۱۳] آن کسی که پیش من آبرو دارد را همراه خودت بیاور. ما هم همین-طور هستیم که اگر یک کاری داشته باشیم و به کسی که از او درخواست داریم بد کرده باشیم و رو نداشته- باشیم که پیش او برویم، پیش یک آبرو-مند می-رویم و می-گوییم تو بیا و دست ما را بگیر تا نزد او برویم! بیا و این مشکل ما را تو حل کن! بهترین وسیله برای پیش خدا رفتن، علی (علیه‌السلام) است.

ذکر توسل به امیر المؤمنین (علیه‌السلام)

التماس دعا داریم؛ در روایت دارد علی (علیه‌السلام) در این شب-های ماه مبارک رمضان، هر شب به منزل یکی از فرزندانش می-رفت. شب نوزدهم منزل ام-کلثوم بود. روایت را ام-کلثوم نقل می-کند. می-گوید پدر آمد، اذان مغرب به نماز ایستاد. من برای او افطار مَهْيًا کردم. در یک طَبَق، دو قرص نان جو گذاشتم، یک کاسه شیر و یک مقداری هم نمک سوده. پدر نمازش تمام شد، نگاهی به این طَبَق کرد و شروع کرد های‌های گریه کردن. رو کرد به من گفت ای دختر، تو برای من دو خُورشت مَهْيًا کرده-ای؟ تو مگر نمی-دانی که من از پسر عمویم، پیغمبر اکرم متابعت می‌کنم؟ ای دختر، بدان که هر کس در دنیا خوراک و پوشاکش نیکوتر باشد، در قیامت ایستادنش نزد خداوند بیشتر است. ای دختر، در حلال دنیا حساب است و در حرام دنیا عقاب است... شروع کرد به نصیحت کردن. بعد هم گفت به خدا قسم اگر یکی از این خُورشت-ها را بر نداری، من افطار نمی-کنم.

ام-کلثوم می-گوید من کاسه شیر را برداشتم. پدرم چند لقمه نان جو با نمک سوده تناول کرد و سپس حمد و ثنای الهی را به جا آورد. دوباره به نماز ایستاد و شروع کرد به رکوع و سجود. اما دیدم از بیت خارج شد و به صحن خانه آمد. سرش را به سمت آسمان بلند می-کرد و به اطراف آسمان نگاه می-کرد. این جملات را می‌گفت: «وَاللَّهِ مَا كَذَّبْتُ وَلَا كَذَّبْتُ وَإِنَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي وَعِدْتُ». به خدا قسم دروغ نمی-گوییم و به من دروغ گفته نشده است؛ امشب همان شبی است که به من وعده کرده‌اند. گاهی هم می-گفت: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ»؛ خدایا! مرگ را بر علی مبارک فرما.

هنگام سحر شد؛ پدر به سوی مسجد حرکت کرد. وارد صحن خانه شد. پرندهگان دور او را گرفتند؛ زبان حالشان این است که علی کجا می‌روی؟ ام‌کلثوم می‌گوید ما آمدیم پرنده‌ها را دور کنیم، پدر فرمود: «دَعُوهُنَّ»، اینها را رها کنید، «فَإِنَّهُنَّ نَوَائِحٌ»، این شیون‌ها و صیحه‌ها بعدش گریه‌ها دارد. آمد به درب خانه رسید. قلاب درب خانه، به کمر بند علی گیر کرد؛ کمر بند باز شد؛ جمادات هم اظهار محبت می‌کنند و زبان حالشان این است که علی کجا می‌خواهی بروی؟

رفت وارد مسجد کوفه شد. چند رکعت نماز خواند. بالای مسجد رفت که اذان بگوید، چشمش به افق افتاد؛ خطاب به افق کرد که نَشُدْ ای سییده-دم تو بدمی و چشم علی خواب باشد. اذان گفت و پائین آمد. وارد مسجد شد. خفتگان را بیدار کرد. به آن ملعون ازل و ابد رسید که به رو خوابیده بود؛ به او سفارش کرد که چگونه بخواب. بعد به او فرمود قصدی به خاطر داری که از آن می‌خواهد آسمان‌ها فرو ریزد، زمین چاک شود، کوهساران نگون گردند. به خدا قسم اگر بخوایم بگویم چه در زیر جامه داری می‌توانم به تو بگویم....

وارد محراب شد، به نماز ایستاد؛ نمی‌گویم چه شد؛ فقط یک جمله می‌گویم که منادی ندا داد: «تَهَدَّمَتْ وَ اللَّهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ أَنْطَمَسَتْ وَ اللَّهُ نُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ التَّقَى وَ انْفَصَمَتْ وَ اللَّهُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى قَتَلَ ابْنُ عَمٍّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى قَتَلَ الْوَصِيَّ الْمُجْتَبَى قَتَلَ عَلِيَّ الْمُرْتَضَى قَتَلَ وَ اللَّهُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ» [۱۴]....

- [۱]. بحار الأنوار ۹۱ ۹۶
 [۲]. كنز العمال ۸ ۴۶۴
 [۳]. بحار الانوار ۹۳ ۳۳۷
 [۴]. جامع الاصول ۹ ۲۵۸
 [۵]. و البته اثر این شب‌ها، تنها بر روی دعا نیست.
 [۶]. توجه داشته باشید که اینها همه برگرفته از آیات و روایات ما است.
 [۷]. البته چند استثنا هم دارد؛ کسی که عاق والدین است، قاطع رحم است، شارب خمر است یا عداوت و کینه مؤمنی را در دل دارد، دعایش مستجاب نمی‌شود.
 [۸]. وسائل الشیعه ۱۰ ۳۵۷
 [۹]. سوره كهف، آیه ۴۹
 [۱۰]. بحار الأنوار ۸۷ ۸۷
 [۱۱]. سوره اعراف، آیه ۵۵
 [۱۲]. غرر الحکم ۱۹۳
 [۱۳]. سوره مائده، آیه ۳۵
 [۱۴]. بحار الأنوار ۴۲ ۲۸۰

جلسه ۱۹ - سر تأکید بر «استغفار» در ماه مبارک رمضان

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

گفتیم ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ یعنی تلاوت قرآن و ماه سخن گفتن عبد با ربّ یعنی دعا است. دعا هم مأثور و غیرمأثور دارد و هر کدام دارای شرایط و آدابی است که ما اینها را در جلسات گذشته بحث کرده‌ایم. بحث ما به اینجا رسید که عواملی هستند که در به اجابت رسیدن دعا مؤثرند. گاهی اعمال، گاهی زمان و گاهی حالات این تأثیر را بر دعا دارند. جلسه گذشته به حالات مؤثر بر دعا اشاره کردیم و در باب زمان‌ها نیز طی چند جلسه گذشته بحث و بررسی داشتیم که به طور اختصار مباحث ساعات خاص شبانه‌روز، روز خاص هفته و بالاخره ماه خاص را بیان کردیم و به اینجا رسیدیم که در بین ماه‌های سال، ماه مبارک رمضان در باب اجابت دعا خصوصیت دارد. در این جلسه من راجع به خصوصیت ماه مبارک رمضان نسبت به اجابت دعا مطالبی را عرض کنم که این ماه همه‌اش چنین اثری را دارد؛ گرچه شب‌های قدر، اثر خاص خودش را دارد و در این ماه دارای ویژگی خاصی است.

ماه مبارک رمضان در جنبه‌های گوناگون تأثیر دارد؛ اما چون بحث ما در ارتباط با اثرگذاری این زمان بر دعا است، راجع به این بُعد از آن صحبت می‌کنیم. ما در روایاتمان می‌بینیم که این مطلب آمده است و من هم قبلاً به آنها اشاره کرده‌ام. ولی مطلبی را که در این جلسه می‌خواهم عرض کنم، این است که ما در این باب، دو دسته روایت داریم که آنها را مطرح خواهیم کرد.

خطبه نبوی درباره ماه اجابت دعا

در روایتی از علی (علیه‌السلام) آمده است که: «لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ:» می‌فرماید وقتی ماه رمضان وارد شد، پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ایستاد و خطبه خواند. «فَحَمِدَ اللَّهَ وَآتَى عَلَيْهِ»؛ اول حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بعد فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ كَفَاكُمْ اللَّهُ عَذَابًا مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ»؛ ای مردم، خداوند شر دشمنان شما را از جن و انس برگرداند؛ «وَوَقَالَ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ این آیه شریفه در سوره غافر است. حضرت گفتند که خداوند فرموده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ بعد حضرت فرمود: «وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ» [۲] خداوند به شما وعده اجابت داده است.

از این روایت که در آن پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این آیه را استخدام می‌کند، معلوم می‌شود که «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» [۳] یک گبرای کلی است. خدا خطاب به بندگان می‌گوید از من درخواست کنید و این را هم بدانید که من جوابگوی درخواست‌های شما هستم. این یک مطلب کلی است که در آن هیچ قید زمانی و مکانی یا غیر آن مطرح نیست. ولی پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این آیه را در این خطبه که مربوط به ماه مبارک رمضان است استخدام می‌کند. یعنی حالا که ماه رمضان وارد شده است، شما دعا کنید؛ چون خداوند وعده اجابت فرموده است. «وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ».

از این که حضرت به یک مصداق بارز برای اجابت دعا، در ربط با زمان اشاره کرده و می‌فرماید خداوند شر دشمنان را از جن و انس را از شما برگرداند، بعد هم این آیه را استخدام می‌کنند که «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، و بعد هم خبر می‌دهند که خداوند وعده اجابت داده است، «وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ»، معلوم می‌شود که اجابت دعا در این ماه نسبت به ماه‌های دیگر قوی‌تر است. از استخدام و طرح این آیه در این خطبه فهمیده می‌شود که دعا در این ماه به هدف اجابت نزدیک‌تر است.

ماه صیام، ماه قرآن و ماه دعا

من آیاتی را در همین ارتباط می‌خوانم، بعد می‌خواهم نتیجه‌گیری کنم. در سوره بقره، در آیاتی که برای تشریح «روزه» وارد شده است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [۴] خداوند خطاب به مؤمنین می‌فرماید روزه بر شما مانند امت‌های گذشته واجب شده است، شاید که با تقوی شوید. با یک آیه فاصله می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» [۵] یکی از خصوصیات ماه رمضان را که ماه صیام است

بیان می‌کند و آن عبارت است از اینکه در این ماه قرآن نازل شده است. بلافاصله در آیه بعد از آن می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ».[۶] اگر بندگان من از تو درباره من سؤال کردند، من نزدیکم و جواب‌گوی خواسته‌های آنها هستم و اگر آنها دعا کرده و درخواست کنند، من جواب می‌دهم.

از اولین جلسه‌ای که من بحث دعا را شروع کردم، چهار سال می‌گذرد؛ من در هر جلسه در ابتدای بحث، دو مطلب را می‌گویم؛ یکی اینکه ماه رمضان، ماهی است که خداوند با بنده‌هایش صحبت کرده است، لذا سفارش کرده که بندگان در این ماه سخنان او را بازگو کنند. این همان «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» است. ماه سخن گفتن است. ماهی است که پروردگار با بندگان سخن گفته است. مطلب دوم اینکه ماه مبارک رمضان، ماهی است که بنده با ربّش صحبت و گفتگو می‌کند، که به آن دعا می‌گوییم. این هم همان آیه دوم است که «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ». این دو آیه پشت سر هم است و اشاره به همین مطلب دارد.

خصوصیت سخن گفتن با ربّ در این ماه

طلبه‌ها و آنهایی که اهل علم هستند، خوب گوش کنند. اول سخن ربّ است با عبدش؛ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» و دوم سخن گفتن عبد است با ربّش؛ «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ». حالا غرض من این بود که خود این آیات همه در ذیل بحث ماه رمضان است و از همین تناسب معلوم می‌شود که این ماه، ماه سخن گفتن عبد با ربّ است. دعا کردن و با خدا حرف زدن در این ماه، خصوصیت دارد. به چپ‌نش و توالی آیات نگاه کنید که چقدر زیبا پشت سر هم آمده‌اند؛ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»، بلافاصله می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ». آیه مربوط به همین ماه رمضان است که در ذیل آیات مربوط به ماه رمضان آمده و می‌خواهد بگوید که این زمان و این ماه بر روی استجاب دعا اثرگذار است. لذا می‌فرماید: «أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي».

ماه نزدیک‌ترین حالات بندگان به ربّ

در اینجا مطالبی در ربط با دعا هست که می‌توان آنها را مطرح کرد. مثلاً اینکه در آیه شریفه دارد که خداوند در این ماه قریب و نزدیک است. یعنی این زمان در بین زمان‌ها اقرب زمان‌هایی است که عبد نسبت به ربّ خود نزدیک می‌شود. «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»؛ چه بسا به این هم اشعار داشته باشد که این ماه، ماهی است که بندگان در آن به خدایشان نزدیک‌تر می‌شوند. یعنی «قُرْبٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بندگان» بیشتر می‌شود. این مطلب هم در تعبیر آیه شریفه نهفته است. «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ».[۷] بحث این است که این زمان، روی اجابت دعا اثر دارد.

«استغفار» دعای مؤکد ماه مبارک رمضان

در باب دعا کردن در این ماه، ما دو دسته روایت داریم؛ یک دسته از روایات مثل روایت قبل— به‌طور کلی این معنا را مطرح می‌فرماید که در ماه مبارک رمضان، دعاهای انسان به اجابت نزدیک‌تر بوده و این زمان روی اجابت دعا اثر دارد؛ «وَ وَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ». در روایات متعدد این معنا آمده و من اینها را قبلاً گفته‌ام و دیگر تکرار نمی‌کنم. پس یک دسته از روایات است که فقط این معنا را مطرح می‌کند که در این ماه، دعا مستجاب می‌شود.[۸]

مهم دسته دوم است که در آنها می‌بینیم بر روی یک دعای خاصی تأکید شده است، آن هم به دو نحو؛ گاهی به شکل ذکر «خاص قبل از عام» و گاهی به شکل ذکر «خاص بعد از عام». حالا یک مقداری من بحث طلبگی کنم و این را برای شما توضیح دهم تا معلوم شود که این دعای خاص در این ماه مورد نظر بوده است.

من به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌کنم؛ روایت اول از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است که فرمودند: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْاسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ وَ أَمَّا الْاسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ». [۹] بر شما باد به زیاد استغفار کردن و زیاد دعا کردن در ماه مبارک رمضان؛ چرا که دعا از شما دفع بلا می‌کند و با استغفار هم گناهانتان پاک می‌شود. در اینجا علی (علیه‌السلام) اول می‌گوید در ماه رمضان، زیاد استغفار کنید؛ «عَلَيْكُمْ بِكَثْرَةِ الْاسْتِغْفَارِ»؛ بعد می‌گوید زیاد دعا کنید؛ «وَ الدُّعَاءِ». حال آنکه «استغفار» خودش یک دعا است.

آوردن «استغفار» در کنار «دعا» نشانه خصوصیت آن است

من این مطالب را قبلاً بحث کرده‌ام که صلوات هم دعا است؛ استغفار هم دعا است. «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» خودش یک دعا است. چون از خدا تقاضای مغفرت می‌کنیم. دعا چیست؟ دعا همین است که از خدا تقاضا کنیم و او را صدا کنیم. بیش از این که نیست! حضرت اول می‌فرماید بر شما باد در ماه رمضان به کثرت استغفار؛ یعنی این دعا را زیاد بخوانید! این دعا، یک «دعای خاص» است. بعد می‌فرماید زیاد دعا کنید! «وَ الدُّعَاءِ»؛ با اینکه استغفار هم خودش دعا است. از اینکه استغفار که یک دعای «خاص» است، قبل از دعا که یک مطلب «عام» است ذکر شده، معلوم می‌شود که در ماه رمضان، روی این دعای خاص، اثر خاصی مترتب است. این که بحث استغفار را پیش می‌کشد، ما می‌گوییم «ذکر خاص، قبل از عام» فرموده است و این بر خلاف روش متعارفی است که ما طلبه‌ها در مدرسه می‌گوییم «ذکر خاص بعد از عام». معارفمان را ببینید که چگونه است؛ من اینها را می‌گویم تا شما بفهمید که در این لیالی قدر باید چه کار کنید. إن شاء الله.

در یک روایت دیگر از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که حضرت فرمودند: «يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»؛ خداوند در هر شب از ماه رمضان سه مرتبه می‌فرماید: «هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ سُؤْلَهُ»؛ آیا درخواست کننده‌ای هست که از من درخواست کند و درخواستش را بگیرد؟ بعد می‌گوید: «هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ». [۱۰] آیا کسی هست که توبه کند، تا من به او روی آورم؟ آیا کسی هست که طلب مغفرت داشته باشد، تا من او را ببخشم؟ در اینجا اول درخواست کردن را مطرح کرد، بعد یک درخواست خاص که عبارت است از استغفار و توبه. اینجا خاص بعد از عام ذکر شده است. اول به درخواست کننده، یعنی دعا کننده اشاره فرمود؛ مفاد دعا و درخواستش هر چه می‌خواهد باشد. بعد می‌آید سراغ مسأله توبه و استغفار و آنها را به عنوان یک دعای خاص مطرح می‌کند. این روایت، عکس آن صورت قبلی است که خاص قبل از عام ذکر شده بود؛ اما اینجا خاص بعد از عام آمده است. [۱۱]

سر تأکید بر «استغفار» در این ماه

حالا مسأله مهم و آنچه که جنبه کاربردی دارد این است که با توجه به این روایات، ما می‌فهمیم که روی این دعای خاص در ماه مبارک رمضان، خیلی سفارش شده است و آن مسأله درخواست عفو الهی نسبت به گناهان است. جهت آن را هم من قبلاً گفته‌ام و اینجا فقط یک اشاره می‌کنم که این یک بحث عقلی است که «دفع ضرر» اولی از «جلب منفعت» است. «دفع ضرر» یعنی کاری کنی که ضرری متوجه تو نشود، اولی و مقدم است بر اینکه «جلب منفعت» کنی، یعنی آنچه را که به درد می‌خورد تحصیل کنی. اگر ضرری متوجه من شده است، ولی گرفتار به آن نشده‌ام این یک بحث دیگر است؛ «دفع» ضرر نیست؛ «رفع» آن است. یکوقت می‌گویی مراعات کنم که مریض نشوم؛ تو اینجا «مرض» را از خودت دفع کرده‌ای. یکوقت مریض شده‌ای، می‌گویی بروم و بیماری‌ام را علاج کنم. دومی خیلی بالاتر است. این رفع ضرر است.

دعا موجب دفع بلا است، استغفار رفع آن

لذا علی (علیه‌السلام) در آن روایت می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِكَثْرَةِ الْاسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ»؛ اول استغفار، بعد دعا! بعد هم که می‌خواهد دلیلش را بفرماید، می‌فرماید: «فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ»؛ یعنی اگر شما دعا کردید، نفس دعا جلوی بلا را می‌گیرد. ممکن است برای یک چیز خاصی دعا کنید؛ مثلاً ممکن است در مورد وسعت رزق یا سلامتی و یا هر چیز دیگر دعا کرده باشید؛ اما با همین دعا اگر بنا بود

بلایی متوجه شما شود، به واسطه این درخواست، خداوند جلوی آن بلا را می‌گیرد و آن را دفع می‌فرماید. این اثر برای دعا هست. اما برای استغفار اثر بالاتری را می‌گوید. می‌گوید استغفار گناهانت را محو می‌کند. اثر دعا «دفع» بود ولی اثر این دعای خاص «رفع» است. رفع مقدم و اولی است یا دفع؟ مسلماً رفع اولی است. اینکه روایات ما به دو لسان «ذکر خاص بعد از عام» و «ذکر خاص قبل از عام» وارد شده است، سرش این است. چون این دعای خاص، نسبت به تمام دعاها دیگر اولویت دارد. این کاشف از این است که بالاترین و شدیدترین اثری را که این زمان ماه مبارک رمضان - بر روی دعاها دارد، روی این دعای خاص است. یعنی در ماه مبارک رمضان اگر کسی طلب غفران کند، استغفار کند و توبه کند، اثرش برای اجابت قوی‌تر است؛ هم نسبت به همه دعاها و هم نسبت به همه زمان‌ها. [۱۲]

لذا ما باید قدر این اوقاتمان را در ماه مبارک رمضان بدانیم و بهترین بهره‌برداری را داشته باشیم. بالاترین بهره‌برداری همین توبه و استغفار است. مریضی که بیماری دارد چه باید بکند؟ اول باید خودش را علاج کند. البته این هیچ منافات ندارد با آن که هم رفع موانع را از خدا بخواهیم و هم دفع آنها را بخواهیم. این شاء الله در جلسه آینده عرض می‌کنم که در باب دعا چه مجموعه‌ای را باید با خدا مطرح کنیم.

ذکر مصیبت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بروم سراغ توسلم؛ در روایات دارد علی (علیه السلام) صبح روز نوزدهم ماه مبارک رمضان که به مسجد تشریف بردند و آن حادثه رخ داد، حضرت علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) را به جای خودش قرار دادند که نماز را تمام کند. خود حضرت هم بقیه نماز را نشسته خواندند. من در روایت دیدم علی (علیه السلام) مدام به سمت راست و چپ متمایل می‌شد و به خود می‌پیچید. «يَتَمَلَّمُ» یعنی از شدت این ضربه به خود می‌پیچید. نماز امام حسن (علیه السلام) که تمام شد، سر پدر را به دامن گرفت. جملاتی می‌گوید که یک جمله‌اش این است: «ای پدر کمر مرا شکستی»... و شروع می‌کند به گریه کردن. علی (علیه السلام) در جواب پسرش می‌گوید: «بی‌تابی نکن پسر، دیگر از این به بعد برای پدرت رنج و المی نیست». یعنی من راحت شدم. الآن جد بزرگوارت پیش من آمده است؛ جدّهات خدیجه (سلام الله علیها)، مادرت زهرا (سلام الله علیها) الآن آمده‌اند؛ حوری‌های بهشتی آمده‌اند و به من می‌گویند ما در انتظار تو هستیم؛ تو ناراحت نباش...

می‌نویسند سر علی (علیه السلام) را با پارچه‌ای بستند. حضرت را آوردند در صحن مسجد کوفه، اما خون از زیر این پارچه سرازیر بود. امام حسن (علیه السلام) فرمود علی (علیه السلام) وقتی به صحن مسجد رسید، نگاهی به آسمان کرد و این جملات را گفت: «إِلٰهِي أَسْأَلُكَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ الْمَأْوِي»؛ حضرت می‌گوید یک وقت دیدم پدرم بی‌هوش شد. من گریه می‌کردم و اشک‌های من به صورت پدرم می‌ریخت. پدرم چشمش را باز کرد؛ دید که من دارم گریه می‌کنم. گفت پسر، گریه نکن؛ از گریه تو ملائک آسمان‌ها گریه می‌کنند. ای پسر، بدان که بعد از من تو را به سم شهید خواهند کرد و برادرت حسین را با شمشیر شهید می‌کنند.

من در این فکرم که علی (علیه السلام) چه چیزی را دیده بود که این جملات را به امام حسن (علیه السلام) می‌گفت؛ آیا آن حالت امام حسن (علیه السلام) را دیده بود که طشت در مقابلش بود و لخته‌های خون از دهانش درون طشت می‌ریخت؟... آیا آن لحظه حسین (علیه السلام) را دیده بود که می‌نویسند: «وَ الشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِهِ»؟...

[۱]. بحار الأنوار ۹۱ ۹۶

[۲]. من لا يحضره الفقيه ۲ ۹۸

[۳]. سوره غافر، آیه ۶۰

[۴]. سوره بقره، آیه ۱۸۳

[۵]. سوره بقره، آیه ۱۸۵

[۶]. سوره بقره، آیه ۱۸۶

[۷]. من نمی‌خواهم بیش از این وارد بحث آیه شوم چون نمی‌خواهم تفسیر بگویم.
[۸]. که در آن خطبه‌ای که از پیغمبر اکرم نقل شده است در آخر ماه شعبان ایشان خوانده‌اند در آن خطبه بوده من چون قبلاً اینها را گفتم، تمام تکه تکه‌های این روایت را، مراجعه کنید.

[۹]. الکافی ۴ ۸۸

[۱۰]. بحار الانوار ۹۳ ۳۳۷

[۱۱]. البته از نظر ادبی در آن روایت اول علی (علیه السلام) فرمود: «بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ» بعد می‌گوید: «فَأَمَّا الدُّعَاءُ» اول اثر دعا می‌گوید، بعد اثر استغفار را بیان می‌فرماید؛ حضرت «لف و نشر مشوش» درست می‌کند. که اینجا جای این حرف‌ها نیست.
[۱۲]. من در جلسه دیشب (اشاره به مراسم شب قدر در مسجد جامع بازار تهران) فقط اشاره کردم و گذشتم. این حرف‌ها را آنجا نمی‌توانم بگویم، اینجا جلسه هر شب ما است. خواستم این را بگویم که اینها برگرفته از آیات ما است. دیدید که دو آیه شریفه را در ربط با همین بحث خواندم و تکرار نمی‌کنم. تمام اینها برگرفته از آیات ما است، اینها عین معارف ما است.

جلسه ۲۰ - در شب قدر چگونه دعا کنیم؟

ویژه مراسم شب قدر (شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد که ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ، یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن عبد با ربّ خود است که عبد خواسته‌هایش را با خداوند مطرح می‌کند و از آن تعبیر به دعا می‌شود. در باب ادعیه هم مأثور و غیرمأثور داریم که آداب و شرایطی دارد. بحث ما در این بود که اموری هستند که اینها بر روی اجابت دعا اثر می‌گذارند؛ یکی از آن عوامل، عامل «زمان» است و در بین زمان‌ها، «ماه مبارک رمضان» است که در روایات متعدد و بلکه در ذیل آیه شریفه‌ای که صوم را تشریح می‌کند هم همین مطلب را داریم. یعنی هم مسأله نزول قرآن را و هم مسأله اینکه عبد در این ماه با ربّ خود سخن می‌گوید و از او درخواست می‌کند.

شب قدر؛ قلب رمضان

در بین ایام و لیالی ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر آن از نظر اجابت دعا مورد تأکید خاص قرار گرفته است. حتی تعبیری داریم که در روایتی امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ». [۲] یعنی آن شبی که از نظر آثار در پذیرش درخواست‌های عبد توسط ربّ برجسته‌ترین شب‌ها است، شب قدر است. لذا می‌بینیم در روایات متعدد بر این مطلب و آثار آن سفارش شده است که: «مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ». [۳] یعنی هر که شب قدر را احیا بدارد، گناهان او آمرزیده شده است.

شب قدر کدام شب است؟

در بین این سه شب، یعنی شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم، روی دو شب بیشتر تکیه شده است؛ یکی شب بیست و یکم و دیگری شب بیست و سوم. در روایات متعددی داریم که نسبت به شب قدر از حضرات معصومین (علیهم السلام) سؤال می‌کنند. یکی مؤتقه زراره است که می‌گوید: «سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ هِيَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ»؛ از امام باقر (علیه السلام) سؤال کردم شب قدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند یا شب بیست و یکم است و یا شب بیست و سوم؛ «قُلْتُ أَلَيْسَ إِنَّمَا هِيَ لَيْلَةٌ؟» به حضرت عرض کردم مگر شب قدر یک شب نیست؟ «قَالَ بَلَى»؛ حضرت فرمودند بله، یک شب است. «قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي بِهَا»؛ عرض کردم پس شما بفرمایید کدام یک از آن‌ها است؛ چرا می‌فرمایید یا این یا آن؟! «قَالَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا فِي لَيْلَتَيْنِ». [۴]

در یک روایت دیگر که راوی اش شخص دیگری است، او هم همین سؤال را می‌کند. می‌گوید من به حضرت عرض کردم شب قدر چه وقت است؟ ایشان فرمودند شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم؛ گفتیم: «أَفَرِّدْ لِي إِحْدَاهُمَا»؛ یعنی مشخص کنید که کدام یک از این دو شب است؛ حضرت فرمودند: «وَمَا عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي لَيْلَتَيْنِ هِيَ إِحْدَاهُمَا». [۵] چه می‌شود که تو در دو شب اعمالی را که وارد شده است انجام دهی و در آن دو شب دعا کنی؟!

درجه بندی شب‌های قدر از نظر اهمیّت

این‌هایی را که گفتیم، برای روشن شدن اهمیت شب‌های قدر بود. شب بیست و یکم اهمیتش بیشتر از شب نوزدهم است و شب بیست و سوم اهمیتش از شب بیست و یکم بیشتر است. با توجه به آن روایتی که شب نوزدهم عرض کردم که می‌فرمایند شب نوزدهم، شبی است که بررسی می‌کنند و شب تقدیر و اندازه‌گیری کردن امور نسبت به سال آینده است. اما این‌طور نیست که این بررسی بدون توجه به مسائل گذشته باشد؛ چون بحث این است که وقتی خداوند بخواهد امر فرماید که امور را تقدیر و ترسیم و اندازه‌گیری کند و بعد هم ثبت و ضبط کنند، با توجه به سابقه رابطه‌ای است که عبد با مولایش داشته است. پس شب نوزدهم، شب بررسی سوابق است. شب بیست و یکم، شبی است که بعد از آنکه امور و سوابق آن بررسی شد، در آن شب ثبت و ضبط می‌شود؛ یعنی امور سال آینده را می‌نگارند. شب بیست و سوم هم شب توشیح است که جلسه گذشته عرض کردم.

در شب قدر چگونه دعا کنیم؟

چون بحث ما راجع به دعا است، عرض کردم که در دعا سه چیز مطرح است؛ یکی «داعی» یعنی درخواست‌کننده و کسی که صدا می‌کند دیگری را و تقاضا می‌کند، دوم خود «دعا» و درخواست است، سوم هم «مدعو» یا درخواست‌شونده است که طرف مقابل است. این جلسه می‌خواهم بروم سراغ «درخواست». جلسه گذشته گفتیم که وقتی وضع «درخواست‌کننده» را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم وضع خراب است. یعنی رابطه بین درخواست‌کننده و درخواست‌شونده سال گذشته رابطه خوبی نبوده است. این جلسه ما می‌خواهیم وارد شویم در اینکه حالا چه می‌خواهی بگویی و از خدا چه می‌خواهی؟ پس این جلسه دنبال خواسته‌هایمان هستیم.

من یک مسأله عرفی را مطرح می‌کنم و بعد می‌روم سراغ روایاتی که روش دعا کردن را به ما می‌آموزند. سؤال من که عرفی هم هست، این است که اگر من با کسی رابطه‌ای داشتیم و رابطه‌ام هم یک چنین رابطه‌ای بود که او به من محبت می‌کرد و من در ازای محبت‌هایش به او بد می‌کردم و هرچه روش او دوستانه بود، روش من -نعوذبالله- دشمنانه بود، حالا اگر بخواهم از او درخواستی کنم، باید چه کار کنم؟ [۶] کارمان هم گیر کرده و سروکارمان هم با همان شخص است. حالا چه کار کنیم؟ [۷]

اول به بدی‌هایت اعتراف کن!

حالا فرض کنید من می‌روم پیش او؛ شرمنده و سرافکننده هم هستیم. وقتی می‌روم آنجا، اولین چیزی که به او می‌گویم چیست؟ اولین حرفی که به او می‌زنم چیست؟ خودتان پیش خودتان جواب این سؤال را بدهید؛ چه کار می‌کنید؟ غیر از این است که اولین حرفی که به او می‌زنم، این است که می‌گویم «فلانی، من به تو بد کردم»؟ با این سوابق سوئی که پیش او دارم، اولین حرفم باید

همین باشد دیگر؛ باید به او بگویم من بد کردم؛ اما تو بیا ما را ببخش و ندیده بگیر. باید این اعتراف و عذرخواهی را بکنم تا بعد از آن رو داشته باشم که آن چیزهایی را که می‌خواهم با او مطرح کنم و تقاضاهایم را از او درخواست کنم.

راه دعا را گم نکنی!

حالا می‌رویم سراغ روایات؛ این‌ها معارف ما است. روایات متعددی داریم که این بحث را مطرح کرده‌اند. کسی می‌آید خدمت امام صادق (علیه‌السلام) و می‌گوید آقا، من دعا می‌کنم ولی دعاهایم به اجابت نمی‌رسد؛ چه کار کنم؟ مگر خدا نگفته است «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؟ خودش این حرف را گفته است. این همه آیات قرآنی در این باب وارد شده است؛ پس چرا با این حال، وقتی ما خواستیم به ما نمی‌دهد؟ حضرت نکته‌ای را به او می‌فرماید و آن این است که به او می‌گوید تو باید از جهت دعا وارد شوی و دعا کنی؛ می‌گوید: «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ»؛ یعنی تو راه دعا را گم کرده‌ای؛ دعا راه دارد. «وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ». اگر از خدا تقاضا کنی، اما از همان راه دعا، اگرچه گناهکار هم باشی، جوابت را به تو می‌دهد.

توبه کن و پوزش بطلب!

بعد حضرت به او دستور العمل می‌دهد؛ ابتدا مسأله حمد و ثنای الهی را مطرح می‌فرماید که خودش بحث جداگانه دارد و بعد این جمله را دارد: «ثُمَّ تَعْتَرِفُ بِذُنُوبِكَ ذَنْبٌ ذَنْبٌ»؛ یعنی پیش خدا که رفتی، به یکایک گناهانت اعتراف کن و بگو بد کردم. «وَوَقِّرْ بِهَا»؛ یعنی اقرار کن. بعد دارد: «أَوْ بِمَا ذَكَرْتَ مِنْهَا»؛ یعنی مگر تو می‌توانی خطاهایت را بشماری؟ نمی‌توانی! پس همان مقدار که یادت می‌آید چه کردی را اقرار کن. بعد می‌فرماید: «وَوَقِّرْ بِمَا خَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا»؛ یعنی آن چیزهایی که بر تو پوشیده است را اجمالاً اعتراف کن؛ یعنی همان جمله‌ای که من مکرر گفته‌ام؛ این شب‌ها، شب‌هایی است که انسان برود در خانه خدا و بگوید خدایا، بد کردم؛ خیلی هم بد کردم. بدی‌هایم را هم نمی‌توانم بشمرم. اما اجمالاً اعتراف می‌کنم. «فَتَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ»؛ بعد آنجا عذرخواهی کن و بگو حالا از ما چشم‌پوشی کن. این یک نکته بود که امام صادق (علیه‌السلام) اشاره فرمودند.

در دلت تصمیم بگیر که دیگر گناه نکنی!

اما نکته دوم این است که حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَأَنْتَ تَتَوَى أَلَّا تَعُودَ»؛ یعنی عذرخواهی کن و پوزش بطلب؛ بعد هم در دلت، نه زبانت، واقعاً بنا بگذار که دیگر این کارها را نکنی. «وَوَقِّرْ بِمَا خَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا بِدَامَةٍ وَصِدْقٍ نَيْتٍ وَخَوْفٍ وَرَجَاءٍ»؛ یعنی پوزش هم که می‌طلبی، با حالت پشیمانی و صدق نیت و با خوف و رجا باشد. در بهترین ایام و بهترین موقعیت‌ها که دعا به اجابت می‌رسد، آن هم در حالی که خودش مرا دعوت کرده و گفته بیا و من هم آمده‌ام و سرافکنده هم هستم، اعتراف هم می‌کنم به اینکه من بد کرده‌ام، تصمیم هم می‌گیرم که دیگر بد نکنم؛ این‌ها همه مقدمه این است که بتوانم از خدا درخواست کنم.

از خدا کمک بخواه که مطیع او شوی!

آن وقت، حضرت این را در یک قالب می‌ریزند و می‌فرمایند: «وَوَيْكُنْ مِنْ قَوْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ»؛ یعنی حالا که می‌خواهی با خدا حرف بزنی، بگو خدایا من معذرت می‌خواهم از گناهانم؛ من از تو می‌خواهم که از من بگذری و توبه‌ام را بپذیری. اما تنها خواسته‌ات این نباشد؛ از خدا فقط نخواه که از گناهانت بگذرد؛ بلکه در دعاهایی که این شب‌ها می‌کنید، از خدا بخواهید که خدا کمکتان کند که سال آینده مطیع خدا باشید. «فَاعْنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَفَّقْنِي لِمَا أُوجِبَتْ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ». [۸] از خدا این‌ها را بخواه. مغفرت بخواه، تصمیم هم بگیر که دیگر دستت را به آن خطاها آلوده نکنی، بعد هم بگو ای خدا، حالا کمکم کن که سال آینده من دیگر این‌طور گناه نکنم.

یک توجه، فقط یک توجه کافی است!

آن وقت مطمئن هم باش که او می‌گذرد. من یقین دارم؛ اصلاً اعتقاد این است که آن‌هایی که امشب «یک توجه» به خدا کرده‌اند، همه آن‌ها آمرزیده هستند. «یک توجه»، بیشتر هم نه! همین یک توجه به اینکه «خدایا ما بد کردیم»، همه چیز تمام می‌شود؛ او هم کار را تمام می‌کند. پس اوّل معذرت‌خواهی کن؛ بعد هم طلب کمک کن که سال آینده دیگر من این‌طور عمل نکنم و بگو خدایا، تو خودت دستم را بگیر. این روند دعا را به ما یاد داده‌اند. چون من بحثم امشب همین بود که درخواست کننده، درخواستش در این شب‌ها چه باشد، گفتم که اوّل مغفرت، اما با اعتراف به گناهان؛ بعد هم طلب کمک از خدا برای اینکه سال آینده من آلوده به گناه نشوم و مطیع او باشم.

حالا دعا کن!

این تازه مقدمه درخواست‌های بعدی ما است. اینجا است که خطاب می‌رسد حالا چه می‌خواهی؟ درخواستت چیست؟ در عرف خودمان هم همین‌طور هستیم که اگر طرف مقابلمان یک انسان کریم باشد، وقتی برویم پیش او و بگوییم آقا، ما معذرت می‌خواهیم، ما به شما بد کردیم، ولی کارمان گیر کرده، او چه جواب می‌دهد؟ می‌گوید: «سَلْ حَاجَتَكَ!»؛ حالا حاجت‌هایت را از من بخواه! بگو ببینم از من چه می‌خواهی؟ این عین تعبیری است که در روایات ما هست. خدا خطاب می‌کند بگو؛ سؤال کن؛ بخواه؛ چه دنیوی، چه اخروی. حالا من چه بخواهم؟

در اینجا یک مطلبی را عرض کنم. ما چون مخلوقیم، همه ما تنگ‌نظریم. یعنی چون محدودیم، نعوذبالله. خدا را هم مثل خودمان فرض می‌کنیم. اما این تصور اشتباه است. در معارف ما این هست که آنچه را که به ذهنت می‌آید از خدا بخواه، اما به این بسنده نکن. بگو خدایا، این‌هایی که به ذهن من می‌رسد، همین است؛ اما سال آینده ما نمی‌دانیم چه گرفتاری‌هایی ممکن است برای ما پیش بیاید. یک چیزهایی هست که ما به آن‌ها محتاج می‌شویم و الآن به فکرمان هم نمی‌آید. لذا بسنده کردن و اکتفا کردن به این گرفتاری‌هایی که در ذهنمان هست یا احتیاجات فعلیه‌ای که الآن داریم، اشتباه است.

فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

روایت از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که حضرت فرمود: «إِنَّ الرِّزْقَ لَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عَدَدِ قَطْرِ الْمَطَرِ»؛ یعنی روزی‌ها از جهت علوی به عدد قطره‌های باران به سوی بندگان می‌آید؛ این عنایت الهی است. «إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ لَهَا»؛ به سوی هر انسانی به همان اندازه‌ای که برای او تقدیر شده نازل می‌شود. فرض بفرمایید امشب از خدا می‌خواهیم که مقدرات سال آینده ما را از هر جهت خوب رقم بزند. ولی این را هم بدان: «وَلَكِنَّ لِلَّهِ فَضْلٌ»؛ خیال نکنی که فقط همین است و به همین اندازه مقدر می‌توانی از او بخواهی؛ نخیر، خدا زیادتی دارد که من و تو آن زیادتی را اصلاً نمی‌توانیم درک کنیم. «فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» [۹] از خدا نسبت به اضافه‌هایش و زیادتی‌هایش درخواست کن. برو سراغ اضافه‌هایش؛ نه تنها آنچه را که برای هر کس مقدر کرده است.

برای دیگران هم دعا کن!

آن وقت اینجا می‌خواهیم یک نکته را هم عرض کنم؛ ما در روایات بسیار داریم که برای دیگران خواستن و در حق دیگران دعا کردن، موجب می‌شود که برای من هم فزونی پیدا کند و خدا برای من را هم بیافزاید. یکی از عواملی که در زیادتی نسبت به حاجات مؤثر است، همین دعا کردن برای غیر است. پس اوّل ما در خواسته‌های مربوط به خودمان نباید نظرتنگی کنیم؛ از آن طرف هم اکتفا و بسنده نکنیم به خودمان؛ بلکه باید برای دیگران هم دعا کنیم.

من برای شما مثال می‌زنم؛ بسیاری از گرفتاری‌ها هست که من ندارم، ولی مسلماً افرادی هستند که مبتلا به آن گرفتاری‌ها هستند. عکس آن هم همین‌طور است. اگر من برای همه دعا کنم، اثرش این است که اوّل آن گرفتاری‌ها از او برطرف می‌شود و ثانیاً دیگر به سراغ من نمی‌آید. این‌ها همه معارف ما است. اینکه ما در روایاتمان داریم که لیالی قدر، اطراف این مجالس را

فرشتگان الهی گرفته‌اند و نازل شده‌اند و برای ما دعا می‌کنند، چه بسا اشاره به همین باشد. چه بسا این داعی خودش به آنچه که محتاج است، اصلاً توجه ندارد تا درخواست کند؛ اینجا اگر ما برای دیگران دعا کنیم، آن فرشته‌ها که از احتیاجات ما آگاهند، برای ما دعا می‌کنند. این‌ها را می‌گوییم تا بفهمید که از خدا چه بخواهید و از این موقعیت بهترین استفاده را بکنید.

اصلاً روی نماز و روزه‌ها حساب نکن!

موقعی که این روایات را می‌دیدم، گفتم نسبت به گناهانمان که شبهه‌ای نیست؛ سراپای ما را خطا گرفته است. اما بالأخره ما در عرض این یک سال گذشته، طاعات و عبادات ظاهری هم انجام داده‌ایم. فرض کنید در این ماه رمضان به حسب ظاهر روزه هم گرفته‌ایم و کارهایی را که صورت طاعت داشت، انجام داده‌ایم. ولی این را به شما بگویم که این طاعت‌ها اصلاً قابل ارائه نیست تا مثلاً بخواهی بگویی خدایا، من برای تو یک چنین کاری را هم کرده‌ام. آن قدر این طاعات ما آفات دارد که کار به اینجا نمی‌رسد که بتوانیم یک چنین حرفی را هم بزنیم. من این‌ها را می‌گویم برای اینکه یک وقت کسی پیش خودش فکر نکند ما این همه نماز خواندیم، روزه گرفتیم، کذا و کذا و کذا...! بگو ببینم، کدام یک از این اعمال خالصاً مخلصاً لوجه‌الله بود؟! می‌توانی بگویی؟! من که نمی‌توانم بگویم! نور به قبرش بیارد، استاد ما -رضوان الله تعالی علیه- [۱۰] را که فرمود: «من دو رکعت نماز برای خدا نخوانده‌ام». وقتی او چنین می‌گوید، ما چه می‌توانیم بگوییم؟! البته فرمایش ایشان در یک سطح بالای معرفتی بود؛ در سطح ما اصلاً کار به آنجا نمی‌کشد!

حُبَّ عَلِيٍّ (علیه‌السلام) به طاعات جان می‌بخشد

اما روایتی از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که دل گرمی ما به همان روایت و امثال این روایت است. حضرت فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبْلَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ وَ قِيَامُهُ وَ اسْتِجَابَ دُعَائِهِ». [۱۱] یعنی اگر کسی علی (علیه‌السلام) را دوست بدارد، نفرمود شیعه علی باشد؛ بلکه فرمود همین که علی (علیه‌السلام) را دوست داشته باشد. این محبت علی (علیه‌السلام) به اعمال و طاعاتش جان می‌بخشد و اسکت اعمال ظاهری‌اش را زنده می‌کند؛ خدا نمازهایش را قبول می‌کند؛ روزه‌هایی که گرفته است را خدا از او قبول می‌کند؛ عبادت‌هایی را که کرده است، همه را می‌پذیرد. بعد هم دارد: «وَ اسْتِجَابَ دُعَائِهِ»؛ عجب! پس معلوم می‌شود یکی از عوامل اجابت دعا، حُبَّ عَلِيٍّ (علیه‌السلام) است. این جزء معارف ما است.

من که خودم را نگاه کردم، دیدم من علی را دوست دارم؛ خدا که از دل من آگاه است. من بعید می‌دانم در این جمع ما کسی باشد که علی را دوست نداشته باشد. مگر می‌شود؟! بدانید که معصیت‌ها با یک توجه و یک معذرت‌خواهی تمام است و بخشوده می‌شود؛ از آن طرف، اطاعت‌های دست‌وپا شکسته ما را هم حُبَّ عَلِيٍّ (علیه‌السلام) جان می‌بخشد و روح می‌دهد و آنها را زنده می‌کند. خدا هم این‌ها را قبول می‌کند.

امشب در خانه علی (علیه‌السلام) چه خبر است؟

التماس دعا داریم؛ برویم خانه علی (علیه‌السلام). برویم آنجایی که همه چیزمان را از آنجا داریم. در روایات می‌نویسند علی (علیه‌السلام) امشب در بستر بود. اطراف بستر علی (علیه‌السلام) فرزندان او بودند. حضرت ابتدا رو کرد به پسر بزرگترشان امام حسن (علیه‌السلام) و با او شروع کرد صحبت کردن و وصیت‌هایی به فرزندش کرد؛ بعد خطاب کرد به همه فرزندان او؛ یعنی امام حسن، امام حسین، ابوالفضل (علیه‌السلام)؛ همه نشستند؛ حتی دخترها از جمله زینب (سلام‌الله‌علیها) هم نشسته‌اند. به آن‌ها فرمود بعد از من فتنه‌ها از هر طرف به سمت شما می‌آید. اینجا شخص خاصی را جدا نکرد؛ همه بچه‌ها را گفت. یعنی یا حسن، یا حسین، یا ابوالفضل، یا زینب این را بدانید که فتنه‌ها از هر طرف به سوی شما می‌آید و منافقین این امت کینه دیرینه خود را از شما طلب می‌کنند و می‌خواهند انتقام بکشند؛ بر شما باد به صبر!

یک وقت دیدند علی (علیه السلام) صورتش را کرد سمت حسین (علیه السلام) و گفت در خصوص شما، ای حسین، فتنه‌ها از هر سو و از هر جانب به سمت تو می‌آید؛ بر شما باد به صبر! تا اینجا باز هم کلی فرمود؛ اما در روایت دارد حضرت دو مرتبه رویش را کرد به حسین (علیه السلام) و گفت: یا ابا عبدالله، این امت تو را شهید می‌کنند؛ بر شما باد به تقوا و صبر! در اینجا می‌نویسند وقتی علی (علیه السلام) این جمله را گفت بی‌هوش شد. چه شد که علی (علیه السلام) بی‌هوش شد؟ من می‌گویم صحنه روز عاشورا نزد علی (علیه السلام) تمثیل پیدا کرده بود؛ اما کدام صحنه از عاشورا؟ صحنه شهادت حسین (علیه السلام). آن صحنه چه موقعی بود؟ «و الشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِهِ»؛ آن موقعی که شمر روی سینه حسین (علیه السلام) نشسته بود... ولی آن موقع شهادت حاصل نشد؛ می‌دانید شهادت در چه موقعی حاصل شد؟ می‌نویسند آن خبیث یک جسارتی کرد؛ حسین (علیه السلام) را برگرداند... صورت حسین (علیه السلام) به زمین آمد....

در روایت دارد علی (علیه السلام) به هوش آمد؛ نگاهی به فرزندانش کرد و شروع کرد این جملات را گفتن: «اینک رسول خدا آمده است؛ عمویم حمزه آمده است؛ برادرم جعفر آمده است؛ به من می‌گویند علی بشتاب! ما منتظر تو هستیم». علی (علیه السلام) چهره‌اش را برگرداند به طرف تمام فرزندانش و گفت شما را به خدا می‌سپارم؛ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ؛ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ». در روایت دارد عرق به چهره علی (علیه السلام) نشست؛ دیدگانش را روی هم گذاشت؛ پاها را به سوی قبله کشید؛ این جملات را می‌گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ...»

[۱]. بحار الأنوار ۹۱ ۹۶

[۲]. بحار الأنوار ۵۵ ۳۷۶

[۳]. بحار الأنوار ۹۵ ۱۴۶

[۴]. وسائل الشیعة ۱۰ ۳۵۹

[۵]. وسائل الشیعة ۱۰ ۳۶۰

[۶]. این‌هایی را که دارم می‌گویم تمام مفاد روایات است.

[۷]. دقت کنید که در این تمثیلی که کردم، خدا را تنزل دادم و نعوذ بالله خدا را در حد مرتبه یک مخلوق پایین آوردم.

[۸]. بحار الأنوار ۹۰ ۳۱۹

[۹]. بحار الأنوار ۵ ۱۴۵

[۱۰]. امام خمینی (رحمة الله علیه)

[۱۱]. بحار الأنوار ۲۷ ۱۲۰

جلسه ۲۱ - آیا شبی در اندازه شب قدر هست؟

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در این رابطه بود که ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام رب، یعنی تلاوت قرآن و ماه سخن گفتن با رب، یعنی دعا است. در باب دعا عرض کردم که دعای مأثور و غیرمأثور داریم که دارای آداب و شرایطی است. همچنین عواملی هستند که روی

اجابت دعا تأثیر گذارند؛ از اعمال گرفته تا مکان‌ها، زمان‌ها و حالات. ما در گذشته بعضی از این‌ها مسائل را مطرح کردیم و بحث ما به «تأثیر زمان بر روی اجابت دعا» رسید و مطالبی را نسبت به شبانه‌روز یا شب و روز خاص در ایام هفته و ماه توضیح دادیم. گفته شد در بین ماه‌ها، ماه مبارک رمضان به حسب آنچه که در معارف ما است روی اجابت دعا بیشترین اثر را دارد و در بین روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان هم یک زمان مخصوصی است که تأثیر گذاری اش بیشتر است که عبارت از لیالی قدر است.

در روایتی این معنا را راجع به ماه مبارک رمضان داریم که امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) درباره این ماه و این شب‌ها اینگونه تعبیر کردند که: «فَعَرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ»؛ برجسته‌ترین ماه‌ها، ماه رمضان است؛ «وَ قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ» [۲] این همان تعبیری است که من عرض کردم؛ یعنی در بین ماه‌ها، برجسته‌ترینش ماه رمضان است و در خود ماه رمضان هم، بالاترین اوقاتش، لیله قدر است.

ماه رجب در مرتبه متأخره ماه مبارک رمضان

روایات ما در مرتبه متأخره از ماه رمضان در بین ماه‌ها، ماه رجب را مطرح می‌کنند که از نظر ارزشی و تأثیر گذاری روی دعا، از دیگر ماه‌ها با ارزش‌تر است. در روایتی از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي»؛ یعنی خداوند در آسمان هفتم فرشته‌ای را نصب کرده است که به آن ملک «داعی» می‌گویند؛ «فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ»؛ وقتی که ماه رجب فرا می‌رسد، او در هر شب این ماه تا صبح ندا می‌کند؛ «طُوبَى لِلدَّاعِيينَ طُوبَى لِلطَّائِعِينَ»؛ خوشا به حال کسانی که به یاد خدا هستند و او را اطاعت می‌کنند. «وَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي»؛ فرشته می‌گوید که خداوند می‌فرماید من هم‌نشین کسی هستم که با من بنشیند؛ «وَ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَ غَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي»؛ من مطیع کسی هستم که از من فرمان برد و من کسی را که از من طلب آمرزش کند، می‌آمرزم؛ «الشَّهْرُ شَهْرِي»؛ ماه، ماه من است؛ «وَ الْعَبْدُ عَبْدِي»؛ بنده، بنده من است؛ «وَ الرَّحْمَةُ رَحْمَتِي» رحمت هم رحمت من است.

بعد در ادامه می‌فرماید که فرشته از قول خداوند متعال می‌گوید: «فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ»؛ هر کسی که مرا در این ماه بخواند، من جوابش را می‌گویم. این خواندن همان دعا کردن است. پس معلوم می‌شود ماه رجب، روی دعا اثر دارد؛ آن هم روی اجابت دعا. محل استشهاده من در روایت، این جمله بود که حضرت فرمودند فرشته هر شب می‌گوید: «فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ وَ مَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ مَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ وَ جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ» [۳] هر که مرا بخواند جوابش را می‌دهم و اگر از من درخواست کند به او می‌بخشم، و هر که از من طلب هدایت و راهنمایی کند، هدایتش می‌کنم. من این ماه را ریسمانی میان خود و بندگام قرار دادم که هر که به آن درآویزد، به من خواهد رسید.

البته این روایت، روایتی است که مسائل زیادی در خود دارد ولی آنچه که مورد استشهاد من بود، این است که در بین ماه‌ها، ماهی که بر روی اجابت دعا مؤثر است، اول ماه مبارک رمضان است و در مرتبه متأخر از آن، ماه رجب است.

وحدت مضمون در تمامی دعاهای ماه رجب

لذا شما اگر دعاهایی که در ماه رجب وارد شده است را نگاه کنید، می‌بینید مضامین همه آنها همین است که عبد چیزی را از ربّش درخواست کند و ربّ هم به او ببخشد؛ مثلاً می‌گوید: «يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ» [۴] این‌ها همه گویای این است که عبد چیزی را از ربّش بخواهد و خدا هم به او عنایت کند. یا در دعای دیگر آن تعبیر را دارد که: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُلْمُونَ إِلَّا بِكَ» [۵] یعنی کسی که به غیر تو امید بست ناکام ماند و یا این دعا که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ» [۶] خدایا من صبر شکرگزاران درگاهت را از تو درخواست می‌کنم.

من قبلاً هم عرض کردم که «استغفار» خودش دعا است و از اعمال هر روزه ماه رجب است. قبل از ظهر و بعد از ظهر، هفتاد مرتبه وارد شده است که انسان بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و بعد دستانش را بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبِّ عَلَيَّ». [۷] از تمام این روایاتی که وارد شده، انسان می‌فهمد که این ماه بر روی استجاب دعا تأثیر دارد که این قدر هم به دعا کردن سفارش شده است. در آن روایت صراحتاً گفته بود که در بین ماه‌های سال، ماه رمضان در رتبه اول است که مؤثر است؛ پس در رتبه دوم، ماه رجب است.

آیا شبی در اندازه شب قدر هست؟

ما در روایت داشتیم که ماه رمضان در بین ماه‌ها، غره شهور و برجسته‌ترین آنها است. بعد هم قلب شهر رمضان، ليله قدر است. من این دو ماه را مقابل یکدیگر قرار می‌دهم و می‌خواهم به مطلبی اشاره کنم. در ماه رجب این‌طور است که خودش بعد از ماه مبارک رمضان سرآمد شهور است، اما از نظر اینکه در ماه رجب شبی وجود داشته باشد که در مرتبه متأخره از ليله القدر باشد، ما روایتی در معارفمان نداریم. یعنی نسبت به ماه رجب چنین چیزی نداریم.

لذا یک وقت ما به سراغ ماه‌ها می‌رویم؛ در اینجا اول ماه رمضان است و در مرتبه متأخره از آن، ماه رجب است. اما راجع به ليله قدر چطور؟ آیا در بین لیالی و شب‌های طول سال، شبی وجود دارد که برای اجابت دعا در مرتبه متأخره ليله القدر باشد؟ در ماه رجب، ما چنین شبی را نداریم که در معارفمان آمده باشد؛ [۸] اما یک شب هست که در مرتبه متأخره از ليله القدر است و در روایات هم به آن اشاره شده است که آن، شب نیمه شعبان است.

شب نیمه شعبان در مرتبه متأخره شب قدر

ما در این رابطه روایات متعددی داریم که من فقط آن روایتی را مطرح می‌کنم که در ارتباط با بحث است. روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) است که حضرت فرمودند: «سُئِلَ الْبَاقِرُ (علیه‌السلام) عَنْ فَضْلِ لَيْلَةِ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ» از پدر بزرگوارشان، امام باقر (علیه‌السلام) پرسیده شد که شب نیمه شعبان چه فضیلتی دارد؟ «فَقَالَ هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ حضرت خیلی روشن و شفاف پاسخ دادند، به نحوی که دیگر در آن هیچ ابهامی نیست که آدم بخواهد تأمل کند. حضرت فرمودند فضیلت نیمه شعبان این‌طور است که در بین تمام لیالی، بعد از ليله قدر، افضل است.

در ادامه می‌فرمایند: «فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِمَنِّهِ»؛ خداوند در شب نیمه شعبان، فضل خویش را به بندگان می‌بخشد. «وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِمَنِّهِ»؛ و به لطف خودش آن‌ها را مورد آمرزش و مغفرت قرار می‌دهد. «فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا»؛ پس کوشش کنید که در این شب خود را به خداوند نزدیک کنید. «فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ أَلَى اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرُدَّ سَأَلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً»؛ خداوند با خود پیمان بسته است که در این شب، هیچ درخواست کننده‌ای را رد نکند، اما به شرط اینکه از خدا معصیت نخواهد. محل استشهاد من این جمله بود. این تعبیر که در اینجا فرمود هر دعایی را اجابت می‌کنم، یعنی این شب، بعد از شب قدر، بیشترین تأثیر را بر اجابت دعای بندگان دارد.

بعد در ادامه دارد: «وَ إِنَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِزَاءِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّنَا»؛ یعنی خداوند نیمه شعبان را برای ما اهل بیت به‌یزای ليله قدری که برای پیغمبر ما قرار داده است، مقرر فرمود. [۹] بعد در آخر روایت آمده است که حضرت فرمودند: «فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ التَّنَائِ عَلى اللَّهِ». [۱۰] حضرت این جمله را که می‌فرماید، گویا می‌خواهند اجمالاً به این معنا اشاره فرمایند که هر چه از برکات و خصوصیات برای شب قدر است، برای این شب هم هست. یعنی شب نیمه شعبان هم مثل شب قدر است و در آن هم، دعا مستجاب است و هم مسائل دیگری است که الآن آنها را مطرح نمی‌کنم. [۱۱] وقتی حضرت می‌فرماید خدا این شب را برای ما قرار داد به‌یزای شب قدری که برای پیغمبر قرار داده است، قهراً این به ذهن می‌آید که این شب تمام خصوصیات شب قدر را دارد. پس این خصوصیت شب قدر که شب سرنوشت نسبت به سال آینده است و امور سال آینده در شب قدر تقدیر می‌شود، آیا برای شب نیمه شعبان هم هست یا نه؟

تقدیر امور سال آینده مخصوص شب قدر است

اینکه من می‌گویم به ذهن می‌آید، نه تنها به ذهن من می‌آید، بلکه آن‌هایی هم که خدمت حضرات ائمه (علیهم‌السلام) می‌رسیدند هم این مطلب به ذهنشان می‌آمد. حسن بن علی بن فضال خدمت امام هشتم (علیه‌السلام) می‌رود و از حضرت راجع به فضیلت نیمه شعبان می‌پرسد. من نمی‌خواهم تمام روایت را بخوانم، چون روایت مفصل است؛ فقط یک بخش آن را که مربوط به همین بحث است عرض می‌کنم. می‌گوید من به امام هشتم (علیه‌السلام) عرض کردم: «إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّهَا لَيْلَةُ الصَّكَاكِ»؛ مردم می‌گویند این شب -شب نیمه شعبان- شب دیوان است.

مرادش از «إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ» عامه است؛ یعنی اهل سنت. می‌گوید عامه می‌گویند شب نیمه شعبان، شب دیوان است. «الصَّكَاكِ» یعنی شب ثبت اعمال سال آینده است. آن‌ها یک چنین حرفی می‌زنند. این همان حرفی است که ما نسبت به شب قدر معتقدیم. حضرت فرمودند: «تِلْكَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ». [۱۲] این خصوصیت برای لیله قدری است که در ماه رمضان است؛ این خصوصیت در شب نیمه شعبان نیست. درست است که خداوند نیمه شعبان را برای ما قرار داد به [زای شب قدری که برای پیغمبر قرار داده است، اما بدان که این خصوصیت فقط مربوط به لیله قدر است. یعنی مسأله ثبت و ضبط اعمال و خصوصیات سال آینده تنها در شب قدر اتفاق می‌افتد.

من این روایت را خواندم که یک تذکر هم بدهم و آن این است که ما باید خیلی مراقب باشیم که از این لیالی قدر بهره‌برداری کنیم. ما از این شب‌ها به شب سرنوشت تعبیر می‌کنیم و بین لیالی قدر که وارد شده است، روی شب بیست‌ویکم و بیست‌وسوم زیاد سفارش شده است. این را تذکر دادم که بدانید که این شب‌ها به خصوص شب بیست‌وسوم، دیگر بدل ندارد.

ذکر مصیبت تدفین امیرالمؤمنین (علیه السلام)

التماس دعا؛ می‌روم سراغ توسلم. ما در روایات داریم که علی (علیه‌السلام) در وصیت‌هایی که به امام حسن (علیه‌السلام) فرمودند، یکی از آن‌ها این بود که من را شب غسل بده؛ من را شب تجهیز کن. واقعاً مسأله عجیبی است! خلیفه مسلمین را شب غسل دهند؟! چرا؟ قضیه چه بوده است که حضرت وصیت کرد، من را شب غسل بده و من را شب تجهیز کن و من را شب دفن کن؟ چرا محل دفن را هم مخفی نگه داشتند؟ می‌دانید که محل دفن علی (علیه‌السلام) یعنی همین جایی که الآن در نجف است، بیش از یک قرن مخفی بود و کسی نمی‌دانست که حضرت کجا دفن هستند. چه خصوصیتی بوده که این تشابه بین این دو همسر بوده است؟ چرا زهر (سلام‌الله‌علیها) و علی (علیه‌السلام) هر دو اینگونه وصیت کردند؟

محمد حنفیه برادر امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام)، نقل می‌کند که در دل شب بود؛ دیدم دو برادر امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) برای تجهیز بدن علی (علیه‌السلام) آماده شدند. امام حسین آب می‌ریخت و امام حسن شست‌وشو می‌کرد و من هم ایستاده بودم و نگاه می‌کردم. می‌گویند دیدم که این بدن مبارک، خودش به سمت راست و چپ حرکت می‌کند و نیازی نیست که حضرات بدن را حرکت دهند. بوی مشکمی هم آنجا بلند شده بود که تمام فضا را معطر کرده بود. می‌گویند وقتی که غسل تمام شد، برادر امام حسن خواهرش زینب را صدا کرد و به او فرمود برو و آن کافور و حنوطی که جبرائیل از بهشت آورده و سهم پدر است را بیاور؛ او هم رفت و آنها را آورد. پدر را حنوط کردند و در پنج جامه کفن کردند.

سپس این بدن مقدس را بر طبق وصیت علی (علیه‌السلام) در تابوتی گذاشتند؛ حسنین (علیهما‌السلام) جلوی تابوت را نگرفتند، بلکه در روایت آمده که جبرائیل و میکائیل آمدند و جلوی تابوت را گرفتند و حرکت دادند. عقب تابوت را حسنین (علیهما‌السلام) گرفته بودند. این تابوت بلند شد و حرکت کردند. می‌گویند ما از کوفه بیرون آمدیم و همین‌طور راه می‌رفتیم. محمد حنفیه قسم می‌خورد و می‌گوید این جنازه به هر دیوار و درختی که می‌رسید، همه خضوع می‌کردند، همه خشوع می‌کردند، همه خم می‌شدند، تا آمدیم و به محل دفن حضرت در نجف رسیدیم.

تابوت روی زمین آمد. برادر امام حسن ایستاد و با هفت تکبیر نماز خواند. وقتی آن محل مخصوص را باز کردند، دیدیم که قبری آماده و مهیا است. جنازه پدر را در قبر گذاشتند؛ اما امام حسن بعد از آن ایستاد و دو رکعت نماز خواند. نمازش که تمام شد، دیدیم پرده‌ای از سُندُس، روی جنازه را گرفته است. برادر امام حسن سمت سر علی(علیه‌السلام) را وقتی کنار زد، دیدیم که آدم صفی الله، ابراهیم خلیل الله و پیغمبر اکرم آمده‌اند و دارند با علی(علیه‌السلام) سخن می‌گویند. امام حسین پرده سمت پای علی(علیه‌السلام) را کنار زد، دیدیم حوا، مریم، آسیه و زهرا(سلام‌الله‌علیها) آمده‌اند. اما این‌ها چه کار می‌کنند؟ این‌ها همه نوحه می‌کنند و گریه می‌کنند...

[۱]. بحار الأنوار ۹۱ ۹۶

[۲]. الکافی ۴ ۶۵

[۳]. بحار الأنوار ۹۵ ۳۷۷

[۴]. «بحار الأنوار ۸۳ ۵۸

[۵]. بحار الأنوار ۹۵ ۳۸۹

[۶]. همان

[۷]. وسائل الشیعة ۱۰ ۴۸۴

[۸]. من هرچه را که مطرح می‌کنم مربوط به آن چیزی است که در روایات وارد شده است.

[۹]. در این عبارت خیلی حرف است که اینجا جای این حرف‌ها نیست. این روایت خیلی بالا است.

[۱۰]. وسائل الشیعة ۸ ۱۰۶

[۱۱]. در شب نیمه شعبان، اتصال ولی الله الأعظم به مبدأ عالم وجود اتفاق می‌افتد، همان‌گونه که در شب قدر آن عقل اول، یعنی حقیقت حقّه‌ی محمدیه(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اتصال به مبدأ عالم وجود پیدا کرد و نزول وحی شد. در این جمله خیلی حرف هست که اینجا جای آن نیست.

[۱۲]. وسائل الشیعة ۸ ۵۹

جلسه ۲۲ - جلب نظر الهی با ذکر «یا ارحم الراحمین»

ویژه مراسم شب قدر (شب بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام رب یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن عبد با ربش یعنی ماه دعا است. دعا هم مأثور و غیرمأثور دارد که دارای آداب و شرایطی است. در جلسات گذشته گفتیم اموری هستند که در اجابت دعا مؤثرند؛ از جمله مسأله زمان‌ها اینگونه است. در روایات بسیار داریم که در بین ماه‌ها، ماه مبارک رمضان بیشترین تأثیر را در اجابت دعا دارد و در ماه مبارک رمضان هم، لیالی قدر دارای خصوصیت بوده و برای همین هم نسبت به دعا کردن در این شب‌ها، به طور خاص سفارش شده است.

روایتی از امام صادق (صلوات الله علیه) نسبت به ماه رمضان و لیله‌ی قدر، آمده است که حضرت می‌فرماید: «فَعَرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ». برجسته‌ترین ماه در بین ماه‌ها، ماه مبارک رمضان است و در بین این ماه هم لیله‌ی قدر،

قلب لیالی ماه رمضان است. بعد جهت آن را هم در یک روایت دیگری، خود امام صادق (علیه السلام) بیان می فرمایند، که تعبیرشان این است: «رَأْسُ السَّنَةِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُكْتَبُ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ»؛ ایشان می فرماید اول سال، شب قدر است. جهت آن را هم این طور بیان می فرماید که: «يُكْتَبُ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ». چون در این شب امور سال آینده نگاشته می شود؛ یعنی اموری که از لیلۀ قدر امسال تا لیلۀ قدر سال آینده، پیش خواهد آمد در این شب نوشته می شود. لذا ایشان می فرماید اول سال، شب قدر است.

چگونگی مشخص شدن امور سال آینده

من این دو روایت را خواندم و جهت آن را هم عرض می کنم. در آن روایاتی که ما نسبت به لیالی قدر داشتیم، گفتیم که شب نوزدهم، شب بررسی امور است و لیلۀ التقدير است. شب بیست و یکم، شبی است که امور سال آینده هر کس، نگاشته می شود و در روایت از آن، به لیلۀ القضاء تعبیر می شود و شب بیست و سوم هم، شب توشیح و لیلۀ الإمضاء است که در روایت آمده است در این شب، هر چه که برای سال آینده ثبت و ضبط شده است، باید این به توشیح ولی الله الأعظم برسد تا تثبیت شود. مثل همین روشی که ما در کارهای اداری خودمان داریم و در روند تصمیم گیری کارها، به همین شکل عمل می کنیم. اول موضوع را بررسی می کنیم، بعد آن را می نویسیم و بعد هم جهت تأیید نهایی، به مسئول بالاتر، ارائه می کنیم.

مقدرات ثبت شده در شب بیست و سوم، به صاحب العصر و صاحب الزمان عرضه می شود که او اینها را امضاء کند. این روند کارها است. لذا اینکه می بینیم در بین روایات، نسبت به شب بیست و سوم بسیار سفارش شده است، برای این جهت است. پس این فرصت، یک فرصت بسیار مغتنم است و امشب، شب سرنوشت همه ما، نسبت به سال آینده مان، است. شب سرنوشت ساز، امشب است.

مروری بر موارد سه گانه دعا

من قبلاً عرض کردم که در باب دعا، سه مورد مطرح است: یک؛ داعی، یعنی درخواست کننده و آن کسی که دیگری را صدا می زند، دو؛ درخواست، که به آن دعا می گوئیم و سه؛ مدعو، یعنی درخواست شونده. من در شب نوزدهم که لیلۀ التقدير است، مطالب مختصری را پیرامون «داعی» عرض کردم؛ یعنی خودمان که دعا می کنیم، که وضعمان چگونه است. گفتم که باید وضع سال گذشته مان را در این شب بررسی کنیم و بعد از آن دعا کنیم. در شب بیست و یکم، کمی راجع به دعا صحبت کردم که باید درخواست، چه باشد و چگونه بیان شود. روش دعا کردن، چه روشی است که آن را ائمه (علیهم السلام) به ما آموخته اند. در روایت از روش دعا کردن، به جهت و راه دعا کردن تعبیر شده بود که باید اول حمد و ثنای الهی را به جا آورد، بعد به درگاه او استغفار و توبه نمود و سپس درخواست را مطرح کرد.

تناسب «دعا» با «شناخت نسبت به مدعو»

اما امشب، بحثمان راجع به مدعو یعنی درخواست شونده است. حال که ما، بندگان خدا، می خواهیم از خدا درخواست کنیم، به طور متعارف باید شناختی نسبت به درخواست شونده داشته باشیم. چرا که شناخت نسبت به درخواست شونده، روی درخواست، مؤثر است. مثلاً ما پیش هر کسی نمی رویم، هر چیزی را بخواهیم. یعنی وضع، روحیه و... طرف مقابلمان را بررسی می کنیم و توانش را در نظر می گیریم، بعد به سراغ او رفته و از او درخواست می کنیم.

پس درخواست، متناسب با شناخت ما از درخواست شونده است. لذا باید درخواست های ما، بر محور شناخت ما از خدا باشد. حال سؤال اینجا است که شما که الآن به اینجا آمده اید تا از او درخواست داشته باشید، خدا را چگونه می شناسید؟ اول باید به این سؤال پاسخ دهیم، بعد در مورد اینکه از او چه بخواهیم توضیح می دهیم.

من به عنوان مقدمه چند نکته را تذکر می دهم و بعد سراغ مطلبی می روم که گویا تا به حال در هیچ یک از لیالی قدر آن را مطرح نکرده ام. شاید اولین بار باشد که می خواهیم بن مطلب را مطرح کنم.

نکته اول؛ خوشحالی خداوند از توبه بنده‌اش

نکته اول؛ ما در باب توبه، روایات متعددی داریم که من اینجا، یک روایت که سندش تمام است را می‌خوانم. ابو عبیده خذاء می‌گوید: «سَمِعْتُ ابَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ» شنیدم امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَأْسَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظُلْمًا فَوَجَدَهَا»؛ خداوند تبارک و تعالی وقتی بنده‌اش توبه می‌کند، خوشحالی، فرح و شادی‌اش از آن کسی که مرکب و توشه‌اش را در بیابان تاریک، تک و تنها، گم کرده و سپس آنها را می‌یابد، خیلی شدیدتر است. کسی که زاد و توشه‌اش را در وسط بیابان گم کرده، شب هم فرا رسیده و او راه به هیچ جا ندارد، اگر مرکب و زاد و توشه‌اش را پیدا کند، چقدر خوشحال می‌شود؟ خوشحالی خداند، از توبه عبد، یعنی رو آوردن عبد به خدا، بیشتر از آن شخص است. «فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَأْسِهِ حِينَ وَجَدَهَا».

من این سؤال را مطرح می‌کنم و شاید به ذهن شما هم بیاید که چرا خداوند اینقدر خوشحال می‌شود؟ هر کس باشد در چنین شرایطی می‌گوید او به من، بد کرده است. من هرچه به او خوبی کردم، او نعوذ بالله- به من بد کرد. هرچه من خواستم او را با محبت کردن‌هایم، به سمت خود بکشیم، او کاری می‌کرد که موجبات غضب و خشم من را فراهم می‌آورد. آیا حالا که او به خدا رو کرده است، خدا این قدر خوشحال می‌شود؟ خدا آن قدر خوشحال می‌شود که خوشحالی‌اش از آن شخصی که در وسط بیابان تاریک، مرکب، راحله و زادش را گم کرده بود و الآن آنها را پیدا کرده، بیشتر است!

نکته دوم؛ رحمت و غفران بی‌پایان الهی

ما نسبت به زمان‌های خاص ماه مبارک رمضان، مثل هنگام افطار روایات متواتری داریم که خداوند هزاران هزار کس را از آتش نجات می‌دهد، ولو اینکه این‌ها مستحق آتش باشند؛ یا درباره شب جمعه ماه مبارک رمضان این هست که خداوند در هر ساعت، هزار هزار نفر از کسانی که مستحق آتشند نجات می‌دهد و در قرآن هم داریم که خداوند به پیغمبر می‌گوید: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ». درباره ليله قدر هم آمده است که خدا در ب‌های آسمان را باز می‌کند، فرشتگان می‌آیند و بساطی است، وصف نشدنی. آخر چرا این طور است؟ در آیات، از من سؤال کردند، من به آنها نزدیک هستم، من جواب کسی را که من را بخواند، می‌دهم. یا در جای دیگری امر می‌کند که از من بخواهید! «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ امر هم می‌کند. ما در این رابطه، آیات و روایات بسیاری داریم که من نمی‌توانم این‌ها را، بخوانم. سؤال اینجا است که چرا اینگونه است؟ من برای خاطر اینکه این چرا را روشن کنم می‌روم سراغ مسأله روش دعا کردنی را که در روایات ما داریم.

نکته سوم؛ روش خاص دعا کردن

درباره روش دعا کردن روایات این طور به ما این را آموخته‌اند که اول باید حمد و ثنای الهی را به جا آوریم. حمد و ثنای الهی کردن، دلیلش خیلی روشن است. ما هم خودمان وقتی که می‌خواهیم پیش موجود کریمی برویم اول حمد و ثنایش می‌کنیم، بعد از او تقاضا می‌کنیم. می‌گوییم: شما خوب و بزرگی ولی ما بد کردیم! سرمان را پایین می‌اندازیم و معذرت‌خواهی می‌کنیم و می‌گوییم که شما بزرگید! کریمید! شما ما را ببخشید! روایات زیادی داریم که اول حمد و ثنای الهی کنید، بعد سراغ تقاضایتان بروید! اولین تقاضا هم معذرت‌خواهی، پوزش‌طلبی و استغفار است.

من در روایاتی که مسأله حمد و ثنای الهی را پیش از دعا، مطرح کرده بود، دقت کردم که بینم ائمه (علیهم‌السلام) روی کدام یک از صفات خدا بیشتر تکیه می‌کنند. کدام صفت را بیشتر می‌آورند که داعی در ابتدای دعایش، آن را بگوید. جود؟ کرم؟ غفاریت؟ یا امثال این‌ها؟ مثلاً چون ما که گناه کرده‌ایم، اول بگوییم «یا غفار الذنوب». دیدم روی یک صفت این‌ها زیاد تکیه می‌کنند که اول آن را بگو!

جلب نظر خدا به وسیله «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

حالا من یکی، دو روایت را در این رابطه می‌خوانم. در روایتی آمده است: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِرَجُلٍ يَقُولُ؛ پیغمبر به مردی برخورد کردند که داشت می‌گفت: «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! فَقَالَ لَهُ سَلْ فَقَدْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْكَ». حضرت به او فرمودند دیگر بس است! تقاضا کن! خدا نظرش را به تو انداخت. تو می‌خواستی نظر خدا را جلب کنی، با این «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» هایت نظرش جلب شد. حالا حاجتت را از او بخواه!

در یک روایت دیگر آمده است که پیغمبر اکرم فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَكَاً مُوَكَّلًا بِمَنْ يَقُولُ؛ این روایت خیلی گویاتر است. خداوند فرشته‌ای را موکل، بر کسی کرده است که بگوید: «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»، وقتی که شخصی سه مرتبه این نام را ببرد، «فَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا»، فرشته به او می‌گوید: «قَالَ لَهُ الْمَلَكُ إِنَّ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْكَ؛ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ به تو رو آورد، «فَاسْأَلُ». پس از او بخواه!

علت خوشحالی خدا، مهربانی به بندگان است

حالا اینجا من می‌خواهم وارد جواب این سؤال‌ها شوم که خوشحالی خدا برای کسی که به سراغ او می‌رود و می‌خواهد توبه کند، برای چیست. اینکه چرا خدا اینقدر اصرار می‌کند که بیایید و توبه کنید! چرا این‌طور تأکید شده که در درخواست کردن‌ها، اول «یا أرحم الراحمین» بگویید؟ این‌ها برای چیست؟ من اول مطلبی را عرض می‌کنم که این مطلب، مقداری به ذهن شما نزدیک شود. ما در روایات و آثارمان داریم مهربانی خداوند نسبت به بندگان، از مهربانی مادر به فرزندش، بیشتر است. من در ابتدا، سراغ جریانی در ارتباط با یکی از انبیاء مرسل الهی که صاحب شریعت است می‌روم و بعد مسأله را تطبیق می‌دهم. شما شنیده‌اید که قارون به حضرت موسی خیلی بد کرد. قارون با حضرت موسی، خیلی بد عمل کرد و حتی تهمت بسیار بدی هم به حضرت موسی زد که خدا هم بعداً قارون را پیش مردم، راجع به همان تهمت، رسوا کرد. حرف من از اینجا است که حضرت موسی به سجده افتاد و شروع کرد به گریه کردن. به خدا گفت: خدایا اگر من پیغمبر تو هستم، انتقام من را از قارون بگیر و من را بر او مسلط کن. خدا هم کم نگذاشت. به حضرت موسی وحی کرد که من زمین را در اختیار تو قرار دادم که فرمان تو را ببرد. هر فرمانی به زمین بدهی، فرمانبردار تو است. تو هر کاری می‌خواهی انجام دهی، بکن!

حضرت موسی به آن زمینی که قارون روی آن ایستاده بود فرمان داد که او را ببلعد. یک مرتبه زمین باز شد و قارون تا زانوهایش در زمین فرو رفت. قارون به حضرت موسی رو کرد و گفت: ما را عفو مان کن! ما را ببخش! ما بد کردیم. حضرت موسی او را نبخشید. حضرت برای بار دوم به زمین امر کرد و او تا کمرش در زمین فرو رفت. دوباره قارون به حضرت موسی رو کرد و گفت: ما را ببخش! ما بد کردیم. گفت: نمی‌بخشم. بار سوم؛ حضرت موسی امر کرد به زمین که او را ببلع! قارون تا گردن در زمین فرو رفت. بار سوم به حضرت موسی گفت: ما بد کردیم؛ تو ما را عفو کن! حضرت او را نبخشید و برای بار چهارم به زمین امر کرد و قارون از بین رفت.

تو خالق او نبودی وگرنه...!

حالا حرف من را همه‌تان خوب گوش کنید. به موسی وحی آمد یا موسی! می‌دانی چرا او را نبخشیدی؟ جهتش این بود که تو خالق او نبودی. او اگر به من رو آورده بود، من او را می‌بخشیدم. چند بار از تو طلب عفو کرد و تو او را نبخشیدی! اگر یک دفعه به من گفته بود، من او را می‌بخشیدم.

«مهر مادری» نمی‌از دریای «مهر خداوندی» است

حالا سرش را می‌خواهم بگویم. آن‌هایی که اهلش هستند، حرف من را گوش کنند و آن این است که مهر و محبت مخلوق و معلول، به وجود خالق و علت آمیخته است. این که در مورد مادر می‌بینید او به فرزندش دل بستگی شدید دارد و هیچ‌گاه حاضر نیست به بچه‌اش صدمه‌ای بخورد و حتی حاضر است گاهی جانش را هم فدای او کند، به همین دلیل است. یعنی مقداری، رابطه علیت

بین او و فرزندش وجود دارد، لذا نمی‌تواند سختی او را تحمل کند. البته فرزنددی که به‌طور طبیعی از مادر متولد شده باشد و مادر هم مشکل روانی نداشته باشد.

می‌گویند مادر در سلسله علل «عَلَّتِ مُعِدَّة» است. آن‌هایی که اهل اصطلاح‌اند، حرف‌های مرا می‌فهمند. این «عَلَّتِ مُعِدَّة بودن» است که چنین حالتی را درون مادر، به وجود آورده است. مادر یک مقدار، رنگی از «عَلَّت» دارد و در کنار هزاران عَلَّت دیگر، سبب وجود فرزند است و گرنه او که عَلَّت تامه نیست. خدا «عَلَّت تَامَه» همه بندگان است و محبتش به مراتب از محبت مادر بیشتر است. این را بدانید که اگر خدا، هم خشمی دارد، مسوق به مهر و محبت او است. «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ». مسأله این است.

می‌خواستم این را بگویم به همه آن‌هایی که دارند حرف مرا گوش می‌کنند که من وقتی این مطالب را می‌بینم، یک وقت پیش خودم فکر کردم: من که از قارون بدتر نیستم! شما از قارون بدترید؟ ما هیچ کدام از قارون بدتر نیستیم. خدا به موسی می‌گوید: اگر او به من رو کرده بود، من از او می‌گذشتم. بعد فهمیدم که چرا ائمه به ما گفته‌اند وقتی می‌خواهی سراغ خدا بروی و دعا کنی، اول این صفت بگو! بگو به او «یا أرحم الراحمین»؛ ای مهربانترین مهربانان! که کسی به مهر تو نمی‌رسد! تو که یک چنین مهری به مخلوق داری!

آن رفتار کجا و مهر اهل بیت کجا؟!

ما می‌گوییم ائمه (علیهم‌السلام) مظهر تام صفات تامه الهی هستند. من یکی دو مثال بزنم. نگاه کنید! علی (علیه‌السلام) وقتی وصیت کرد، به امام حسن رو کرد و گفت اگر من از این دنیا رفتم، حق نداری بیش از یک ضربه به قاتلم بزنی؛ چون این حکم شرعی است. اما اگر زنده ماندم، من خودم اولی به عفو و گذشتم.

نگاه کنید! فرق بین علی با حضرت موسی از کجا تا به کجا است! قارون یک تهمت زده بود، ولی این ملجم یک ضربت زده بود؛ آن هم چه ضربتی! پسرش حسین را ببینید که با «حر» چه کار کرد؛ روز عاشورا وقتی حر آمد و گفت: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ»، حسین (علیه‌السلام) گفت: بله، بیا! سرت را پایین نینداز! سرت را بلند کن!

توسل به ظاهر و باطن لیلۃ القدر

شما می‌دانید ما امشب کجا داریم می‌رویم؟! این‌ها یک چنین خانواده‌ای هستند. آیا می‌شود ما هم امشب برویم سراغ امام زمان (صلوات‌الله‌علیه) به او بگوییم آقا ما بد کردیم، شما کارها را درست کن! مگر می‌شود که ما را رد کنند؟ به خدا نمی‌شود! حالا فهمیدی! مدعو خود را بشناس! بعد درخواست‌هایت را می‌توانی تنظیم کنی.

حالا می‌خواهم بروم سراغ توسل. آقا یا امام زمان! شما ظاهر لیلۃ القدری! امشب فرشته‌ها خدمت شما می‌آیند و برای سال آینده‌ام تقدیراتی را می‌آورند که شما توشیح کنید. تقاضای من از شما این است که سال آینده من را، چه دنیوی و چه اخروی، از هر جهت به بهترین وجه ترسیم کنید و پای آن را امضا کنید. این توسل برای ظاهر لیلۃ القدر بود. اما مگر این ظاهر باطن ندارد؟ این ظاهر، باطن دارد. در روایات هم ما داریم و ما حضرت را به باطن شب قدر قسم می‌دهیم. می‌دانید باطن امشب، چه کسی است؟ زهرا (سلام الله علیها) است...

جلسه ۲۳- شب‌های دعا

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ، یعنی قرآن است و ماه سخن گفتن عید با ربّ است که از آن تعبیر به دعا می‌کنند؛ دعا را هم تقسیم‌بندی کردیم به مأثور و غیرمأثور و گفتیم که دارای آداب و شرایطی است. بالأخره بحث ما به اینجا رسید که عوامل تأثیرگذار روی اجابت دعا را بررسی می‌کردیم. یک عامل را عرض کردم «عامل زمانی» است. زمان مؤثر بر اجابت دعا در شبانه‌روز، روز خاص و شب خاص در هفته را بحث کردیم؛ همچنین ماه خاص در بین ماه‌ها را که ماه مبارک رمضان بود و در مرتبه متأخره آن، ماه رجب را مطرح کردم. بعد هم گفتیم که ایام و لیالی خاصی در بین همین ماه‌ها هست که در ماه شعبان، نیمه شعبان بود و در ماه مبارک رمضان، لیالی قدر بود. غیر این زمان‌ها، زمان‌هایی را هم می‌بینیم که در روایات مطرح می‌کنند. البته من نمی‌خواهم به‌طور کامل این‌ها را شمارش کنم. فقط آن‌هایی را که نسبتاً مطرح هستند عرض می‌کنم.

تأثیر عید فطر بر اجابت دعا

از بین اعیاد، یکی روز عید فطر است. ما در روایات داریم که آن هم زمان مؤثر بر روی اجابت دعا است. به ذهنم این است که در گذشته من این را به مناسبت شب عید فطر مطرح کردم که علی(علیه‌السلام) روز عید فطر در خطبه‌ای این جملات را فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَ جَعَلَ لَكُمْ لَهُ أَهْلاً فَأَذْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ وَ كَبَّرُوهُ وَ عَظَّمُوهُ وَ سَبَّحُوهُ وَ مَجَّدُوهُ وَ ادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ». حضرت راجع به روز عید فطر می‌فرماید درخواست کنید از خدا و دعا کنید و بدانید که این دعاها را خداوند به اجابت می‌رساند و می‌پذیرد. معلوم می‌شود این زمان خاص روی اجابت دعا اثر دارد.

تأثیر عید قربان بر اجابت دعا

عید قربان هم که به آن «عید اضحی» می‌گویند، همین‌طور است. آنجا هم از علی(علیه‌السلام) روایتی است که حضرت فرمود: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَخْطُبُ يَوْمَ النَّحْرِ»؛ یعنی شنیدم که پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روز عید قربان داشت خطبه می‌خواند؛ «وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا يَوْمَ النَّحْرِ وَ الْعَجَّ»؛ بعد خود پیغمبر «نَحَّجَّ» و «عَجَّ» را معنا می‌کنند؛ به «عج» که می‌رسند، می‌فرمایند: «وَ الْعَجُّ الدُّعَاءُ فَعَجُّوا إِلَى اللَّهِ»؛ یعنی «عج» همان دعا است؛ از خدا درخواست کنید. بعد پیغمبر این جملات را فرمود: «فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْصَرِفُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ أَحَدٌ إِلَّا مَغْفُوراً لَهُ». قسم به آن موجودی که جان من در دست او است، کسی از اینجا نمی‌رود مگر اینکه مورد مغفرت خداوند قرار می‌گیرد. معلوم می‌شود دعا در آن روز مؤثر بود.

البته در روایت مربوط به عید فطر، علی(علیه‌السلام) در خطبه‌شان به خود زمان تکیه می‌کند و می‌فرمایند: «أَلَا وَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً»؛ و بعد هم می‌فرمایند: «وَ ادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ». پس معلوم می‌شود این زمان بر دعا مؤثر است. ولی در اینجا دارد خطبه را در آن روز پیغمبر خواند و بعد فرمود که این روز چنین‌وچنان است. این روایت با آن روایت در همین جهت عامل «زمان» مشترک است؛ یعنی خود این روزها بر روی دعا مؤثر است. البته در روایت عید قربان، یک موضع و مکان مشخص هم مطرح است. چون حضرت فرمود: «أَلَا يَنْصَرِفُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ أَحَدٌ إِلَّا مَغْفُوراً لَهُ»؛ اما در روایت عید فطر موضع و مکان مطرح نیست؛ فقط زمان روز عید مطرح شده است.

سرّ نزدیکی دعا به اجابت در عید فطر و قربان

من حالا نکته‌ای را می‌خواستم نسبت به هر دو روایت عرض کنم و آن این است که هر دو روایت مربوط به عید فطر و عید اضحی است که در این دو روز «نماز عید و خطبه» تشریح شده است. چه بسا مسأله این است که در آن روز و آن زمان، توجه به خدا بیشتر است و لذا دعا هم به اجابت نزدیک‌تر است. چون هر دو روایت بخشی از خطبه نماز عید بود؛ هم برای علی(علیه‌السلام)، هم برای پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هر دو خطبه است. لذا این نکته که در بحث دعا مطرح است که هسته مرکزی دعا از نظر

پذیرش که عبارت از توجه داعی به خداوند است را تقویت می‌کند. یعنی هرچه توجه بیشتر باشد، تأثیر دعا هم بیشتر می‌شود. هر دو روایت مربوط به روز عید و خطبه و هنگام نماز عید است. یعنی در دو موقعیتی است که انسان‌ها متوجه خدا هستند؛ چون وقت نماز عید است و اصلاً برای عبادت و نماز و توجه به خدا آنجا جمع شده‌اند. لذا آنچه که در دعا مطرح است و نسبت به اجابت، هسته مرکزی دعا است که همان توجه الی‌الله تعالی است، در هر دو موقعیت فراهم بوده است. می‌خواستم این نکته را بگویم که روز، روز عید بوده و روزی است که نماز عید می‌خوانند و بعد هم خطبه می‌خوانند؛ اصلاً برای نماز و خطبه آنجا جمع شده بودند. لذا در روایتی که برای پیغمبر است، حضرت می‌فرماید: «لَا يَنْصَرِفُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ أَحَدٌ إِلَّا مَغْفُوراً لَهُ»؛ کسی از اینجا نمی‌رود و متفرق نمی‌شود مگر آنکه آمرزیده شده است. یعنی این خصوصیت «موضع» را هم در این روایت مطرح کرده‌اند.

تأثیر عید مبعث بر اجابت دعا

یکی دیگر از اعیادی که در اسلام بزرگ است، روز مبعث است. یک روایت از امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) است که حضرت فرمودند: «يَوْمُ سَبْعَةٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ نُبِيٌّ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ صَلَّى فِيهِ أَيَّ وَقْتٍ شَاءَ أَتَتْهُ عَشْرَةٌ رُكْعَةً»؛ در روز بیست و هفتم ماه رجب که روز مبعث پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، هر کس در هر وقت آن روز دوازده رکعت نماز بخواند؛ «ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً أَرْبَعِ مَرَّاتٍ»؛ بعد هم چهار مرتبه این جمله را بگوید؛ «ثُمَّ يَدْعُو فَلَا يَدْعُو بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ حَاجَةٍ». بعد دعا کند، این طور نیست که داعی کند مگر اینکه به اجابت می‌رسد؛ نسبت به هر حاجت مشروعی که داشته باشد.

در اینجا دوباره زمان را مطرح کرده است؛ فرمود: «أَيَّ وَقْتٍ»؛ یعنی هر وقت از این روز که بخواهد؛ چه صبح باشد، چه بعد از ظهر باشد. بعد هم دقت کنید که اینجا هم نماز مطرح است. اول می‌فرماید دوازده رکعت نماز بخواند، بعد دعا کند. در آن دو مورد قبلی چون عید اضحی و عید فطر خودش نماز داشت، دیگر نماز جداگانه‌ای مطرح نبود. آنجا خطبه هم داشت؛ ولی اینجا نه، روز مبعث نماز ندارد. لذا می‌گوید دوازده رکعت نماز بخواند و بعد دعا کند. دوباره این همان نکته‌ای است که من در بحث دعا گفتیم و آن این است که مسأله بر محور همان توجه عبد به رب است. اول بهترین عملی که کُرنش و پرستش نسبت به معبود است را انجام بده، و بعد از او درخواست کن.

تأثیر روز عرفه بر اجابت دعا

ما روایات بسیار زیادی داریم که در آن، زمان‌ها را مطرح کرده‌اند و این زمان‌هایی که ما تا حالا گفتیم را ردیف کرده‌اند که یک مجموعه است. در بین زمان‌هایی که مطرح شده، غیر از این سه عیدی که من عرض کردم - یعنی عید فطر و عید اضحی و عید مبعث - روز خاص دیگری هم هست که «روز عرفه» است و درباره آن خیلی روایت داریم که این زمان هم بر روی دعا مؤثر است. روایات متعددی داریم که من فقط به یکی دو مورد اشاره می‌کنم. روایتی از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که حضرت فرمودند: «أَفْضَلُ الدُّعَاءِ دُعَاءُ يَوْمِ الْعَرَفَةِ». روایت خیلی کوتاه و گویا است. بافضیلت‌ترین دعاها، دعای روز عرفه است.

هم زمان، هم مکان

در اینجا من مسأله‌ای را مطرح کنم؛ یک بحث تأثیر زمان روی اجابت دعا است، یک بحث تأثیر مکان بر روی دعا از نظر اجابت است. البته من حالا نمی‌رسم وارد این بحث شوم؛ اما این یک مورد را اشاره می‌کنم. خود روز «عرفه»، یعنی این زمان در اجابت دعا مؤثر است؛ اما نسبت به اجابت دعا در «عرفات» هم روایاتی داریم که این مکان را مطرح کرده است. پس ما یک زمان داریم که می‌گوییم «عرفه» و یک مکان داریم که عبارت است از «عرفات»، به اعتبار اینکه حجاج به آن زمین می‌روند. هم زمان مؤثر است و هم مکان مؤثر است. مثل این می‌ماند که بگویی لیله قدر مؤثر است؛ مسجد هم مؤثر است. ما در روایات نسبت به مکان‌ها داریم که مسجد، مکان مؤثر در اجابت است. روایاتی داریم که اگر کسی حاجتی داشته باشد، وضو بگیرد و برود در مسجد دو رکعت نماز بخواند. می‌خواستم این را عرض کنم که یک وقت این‌ها با هم خلط نشود. هم زمان مؤثر است، هم مکان مؤثر است که مکان خودش بحث دیگری دارد که بعداً عرض می‌کنم.

هم عرفه، هم عرفات!

در خصوص «عرفه»، چون مسأله مکان در ذهن‌ها بوده، چه بسا بعضی‌ها یکبار به ذهنشان می‌آمده که این عرفه‌ای که در روایت وارد شده، نکند همان مسأله دعا در عرفات باشد؛ لذا من روایتی را می‌خوانم که می‌گوید نه، مسأله این نیست؛ اینجا تکیه روی «زمان» است و «مکان» را نمی‌خواهد مطرح کند. بحث مکان، بحث جداگانه‌ای است. من می‌خواستم این را تفکیک کنم. در یک روایتی است از علی (علیه‌السلام) که حضرت فرمود: «لَا عَرَفَةَ إِلَّا بِمَكَّةَ وَلَا بِأَسَ بَأَنَّ يَجْتَمِعُوا فِي الْأَمْصَارِ يَوْمَ عَرَفَةَ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ». آن‌هایی که طلبه هستند خوب حرف‌های من را گوش کنند تا اینها را بتوانند تفکیک کنند. ببینید حضرت چقدر زیبا جداسازی کردند؛ می‌فرماید اشکالی ندارد که در شهرهای دیگر هم که هستید، روز عرفه جمع شوید و دعا بخوانید. «لَا عَرَفَةَ إِلَّا بِمَكَّةَ»؛ ما در دنیا چند جا عرفات نداریم؛ یک‌جا داریم آن هم پشت مکّه است. آنجا زمین عرفات است. اما «لَا بِأَسَ بَأَنَّ يَجْتَمِعُوا فِي الْأَمْصَارِ يَوْمَ عَرَفَةَ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ». یعنی درست است که «عرفات» فقط یک‌جا است؛ ولی شما «روز عرفه» در جاهای دیگر جمع شوید و دعا کنید. چقدر زیبا این‌ها را از هم جداسازی می‌کنند که زمان خودش مؤثر است و تأثیرش غیر تأثیر مکان است.

هر کس در ماه رمضان مورد مغفرت واقع نشود...

راجع به مکان - یعنی عرفات - ما روایتی داریم که در باب خصوص ماه مبارک رمضان از امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) است که حضرت فرمود: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا يُغْفَرُ لَهُ إِلَّا إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ». این روایت را گفته‌اند ظهورش در این است که -نعوذبالله- خدا نکند، خدا برای ما نیاورد. اگر کسی در ماه مبارک رمضان مورد مغفرت الهی قرار نگرفت، او دیگر در آینده بعید است که مورد مغفرت خدا قرار بگیرد. چون بهترین زمان‌ها این زمان بود. یعنی ماه رمضان برای اینکه انسان مشمول مغفرت الهی قرار بگیرد، بهترین زمان بود. حالا اگر کسی در این زمان مورد مغفرت واقع نشد، او دیگر در آینده مورد مغفرت قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه عرفه را درک کند؛ «إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ».

اینجا از نظر طلبگی دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول این است که «إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» یعنی «روز عرفه»؛ چون قبلاً زمان مطرح است و بحث بر سر ماه مبارک رمضان است که خودش زمان است. احتمال دوم این است که منظور از «إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» این باشد که مگر اینکه این موفق شود به «عرفات» برود؛ یعنی احتمال مکان را مطرح کرده‌اند. البته اگر عرفات هم مراد باشد، این‌طور نیست که هر روزی که خواست به عرفات برود؛ بلکه آن هم مربوط به «روز عرفه» است. غرضم این بود که یکی از زمان‌هایی که اثرگذار است روی اجابت دعا و روایات بسیار هم راجع به آن داریم، روز عرفه است.

پنج شب مخصوص دعا

روایاتی هم که بین این‌ها را جمع کرده زیاد داریم؛ یک روایت از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که فرمودند: «خَمْسُ لَيَالٍ لَا تُرَدُّ فِيهِنَّ الدَّعْوَةُ أَوْلُ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ وَ لَيْلَةُ نَصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَةُ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةُ النَّحْرِ». یعنی همین‌هایی که ما همه را قبلاً گفتیم. ما روایات زیادی داریم که این زمان‌ها را یک‌جا جمع کرده‌اند. البته در یکی چهار مورد دارد، یکی پنج مورد دارد. این روایت پنج مورد در آن مطرح شده بود که ما اینها را یکی یکی بررسی کردیم. این مربوط به زمان‌ها بود. آن وقت مکان‌ها را هم ما داریم و روایاتی که مسأله مکان‌ها را مطرح کرده است. حالا اگر شد من یک جلسه مکان‌ها را هم مختصراً بررسی می‌کنم. چون من به اصل بحثم که می‌خواستم بروم سراغ دعاهای مأثور نرسیدم. آنچه تا اینجا گفته‌ایم به طور کلی نسبت به دعاهای غیرمأثور بود. دعاهای غیرمأثور یعنی آن دعاهایی که خودمان از خدا می‌خواهیم حاجت‌هایمان را طلب کنیم. این بحث ما تا اینجا این بود. تا بعد این‌شاء‌الله برویم سراغ مکان‌ها و من یک مقداری راجع به آن‌ها هم صحبت کنم و بعد هم اگر موفق شوم، می‌روم سراغ مسأله دعاهای مأثور که در آنجا یک بحث لطیفی هست که این‌شاء‌الله وارد آن بحث می‌شوم.

جلسه ۲۴ - مکان‌های مؤثر در اجابت دعا

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ»

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن عبد با ربّ یعنی ماه دعا است. دعا، مأثور و غیرمأثور دارد و دارای آداب و شرایطی است. بحث ما به اینجا رسید که عواملی هستند که در اجابت دعا مؤثرند. ما یکسری از این عوامل را مطرح کردیم، از جمله عامل زمانی که به طور اختصار آن را توضیح دادیم. در این جلسه می‌خواهیم سراغ عوامل مکانی برویم که آخر بحث جلسه گذشته به آن اشاره شد.

به مناسبت روایتی که در باب ماه مبارک رمضان بود، از امام صادق(علیه‌السلام) نقل کردیم که حضرت فرمودند: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَائِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ»، اگر - نعوذ بالله - کسی در ماه مبارک رمضان مورد مغفرت الهی قرار نگرفت، بعید است که در آینده مورد مغفرت قرار گیرد، مگر اینکه عرفه را درک کند.

گفتم به نظر من، این «عرفه» که در روایت آمده است، به حَسَب و قرینه کلام قبلی‌اش که سخن از زمان خاصّ ماه مبارک است، باید روز عرفه باشد و مسأله زمان مطرح است. البته بعضی‌ها هم آن را به معنای مکان خاص گرفته‌اند. حالا من وارد بحث «مکان‌ها» می‌شوم. مکان‌هایی که در این رابطه مطرح است، بسیار زیاد است و من نمی‌توانم همه آنها را به طور مفصل شرح دهم ولی تقریباً سرآمد آنها را عرض می‌کنم.

۱. صحرای عرفات، در روز عرفه

یکی از آن مکان‌های مؤثر بر اجابت دعا، سرزمین «عرفات» است. البته صحرای عرفات، به نحو مطلق تأثیرگذار نیست. یعنی این طور نیست که انسان هر وقت به آن سرزمین برود و دعا کند، دعایش مستجاب شود. اگر کسی در غیر ایّام حج به عرفات برود و آنجا شروع کند به دعا کردن، این طور نیست که چون این زمین در اجابت دعا مؤثر است، حتماً دعای او هم مستجاب شود. از روایات ما این طور ظاهر می‌شود که تأثیر این زمین روی دعا، مطلق نیست و این خصوصیت مربوط به «روز عرفه» است. چه بسا این گویای این نکته باشد که عامل زمانی -روز عرفه- خودش کاربرد دارد و عامل مکانی -صحرای عرفات- هم در آن موقعیت زمانی خاص، کاربرد پیدا کرده و مسأله اجابت را تشدید می‌کند. یعنی در روز عرفه که دعا به اجابت نزدیک می‌شود، اگر کسی در صحرای عرفات باشد و دعا کند، دعایش به اجابت نزدیک‌تر است؛ هم به خاطر «روز عرفه» که عامل زمانی است و هم به خاطر «سرزمین عرفات» که عامل مکانی است.

میهمانان خدا

من این نکته را مقدمتاً عرض کردم تا آنهایی که اهلش هستند، به روایاتی که در این باب وارد شده مراجعه کنند. من هم به عنوان نمونه روایاتی که در باب عرفات و روز عرفه وارد شده است را می‌خوانم. در روایتی از علی(علیه‌السلام) آمده است که فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا حَجَّ حَجَّةَ الْوَدَاعِ وَقَفَ بِعَرَفَةَ»؛ پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حجّه‌الوداع وقتی که شب و روز عرفه شد، در عرفات وقوف کردند؛ «وَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ»، به مردم رو کردند، «وَ قَالَ مَرْحَبًا بِوَفْدِ اللَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»؛ و سه مرتبه گفتند درود

بر میهمانان خداوند! یعنی به کسانی که در عرفات بودند، گفتند شما میهمانان خدا هستید. «الَّذِينَ إِن سَأَلُوا أُعْطُوا». حالا اگر دعا کنید، دعاهایتان مستجاب است.

بهترین مردم

یک روایت دیگر از امام پنجم (علیه السلام) است که می فرماید: «وَمَا أَفْضَلَ مِنْ رَجُلٍ يَجِيءُ يَقُودُ بِأَهْلِهِ وَ النَّاسُ وُقُوفَ بَعْرَقَاتٍ يَمِينًا وَ شِمَالًا؛ هیچ کس برتر از شخصی نیست که خانواده اش را سوار بر مرکب کرده و به عرفات آمده است، در حالی که مردم از راست و چپ، در عرفات وقوف کرده اند. «يَأْتِي بِهِمُ الْفَجَّ فَيَسْأَلُ بِهِمُ اللَّهَ تَعَالَى». خانواده اش را به حج آورده و از خداوند متعال مسألت می نماید. من تذکر دادم که در تمامی روایاتی که ما داریم غالباً مسأله مربوط به روز عرفه و عرفات است. بنابر این نمی توانیم به طور مطلق بگوییم که آن مکان برای استجاب دعا در هر زمان مؤثر است. من می خواستم این را عرض کنم. چه بسا این ویژگی، در همان زمان خاص باشد که عبارت از روز عرفه است و ما در باب زمان های مؤثر، آن را مطرح کردیم.

۲. مزار پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

دومین محلی که ما در روایات داریم، «عِنْدَ مَزَارِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله و سلم)» است. آنجا هم از مکان هایی است که در اجابت دعا مؤثر است. روایات متعددی در این رابطه هست که من بخشی از آنها را که مربوط به بحشم هست، میخوانم. روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که: «إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ»، هنگامی که دعایت در کنار قبر پیغمبر تمام شد، این کارها را انجام بده؛ حضرت در باب زیارت قبر پیغمبر، آدابی را بیان می فرماید که سمت منبر حضرت بیا و آن را مسح کن و به چشمت بکش؛ آداب مفصلی دارد؛ ولی مقصود من این است که حضرت در ادامه فرمودند: «وَقُمْ عِنْدَهُ فَأَحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ؛ نزد قبر پیغمبر حمد و ثنای الهی کن؛ «وَ سَلِّ حَاجَتَكَ»؛ و حاجتت را درخواست کن. «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا بَيْنَ مَنِيرِي وَ بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». پیغمبر فرمود که ما بین منبر و خانه من، باغی از باغ های بهشت است. پس اینجا هم از مکان هایی است که در اجابت دعا، مؤثر است.

دو طریق توسل به مقربین درگاه خدا

البته من نکته ای را در اینجا عرض کنم که بعداً هم به آن می رسم؛ اگر یادتان باشد، من در بحث های گذشته ام نسبت به دعا، مسأله «وسیله» را مطرح کردم و دو تصویر هم بیان کردم برای اینکه چگونه مقربین درگاه خدا را برای اجابت دعا، وسیله قرار دهیم. یکی اینکه از خدا بخواهیم به خاطر آنها حاجت ما را بدهد و دیگر اینکه از آنها بخواهیم تا حاجت ما را از خداوند مسألت نمایند. درباره این موضوع هم به طور مفصل بحث کردم. اینجا مباحث گذشته ما است.

بهترین وسیله و بهترین شفیع

من این مطالبی را که در اینجا عرض می کنم، مثل بحث دعای عند قبر النَّبِيِّ (صلوات الله و سلامه علیه) و دعا در حرم های شریفه ائمه معصومین (علیهم السلام)، چه بسا در آن این نکته هست که وقتی آدم به مدینه مشرف شد و داخل حرم پیغمبر رفت، آنجا که در کنار قبر پیغمبر حاجت می خواهد، به این نکته توجه داشته باشد که در کنار بزرگترین وسیله قرار گرفته است. ما در آیات و روایات داریم که «فَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». یک نکته در اینجا است و آن، این است که من وقتی به زیارت قبر پیغمبر می روم، به حسب ظاهر به بهترین و بالاترین وسیله نزدیک شده ام. پس باید استفاده کنم. بهترین موقعیت به دست آمده است و دیگر دست نخواهد داد. البته قداست آن مکان جای خودش است. قداست مکان، بحث دیگری است. ولی این نکته را هم فراموش نکنید که آدم در آنجا توجه داشته باشد که این وسیله بزرگ را شفیع قرار دهد و آنگاه حاجتش را از خدا تقاضا کند.

۳. حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حالا برویم سراغ دیگر ائمه؛ چون همه در این جهت مشترکند. ما راجع به حرم مطهر علی(علیه السلام) و دعای «عِنْدَ قَبْرِ امیرالمؤمنین(صلوات الله علیه)» روایات بسیاری داریم که من نمی توانم همه روایت ها را بخوانم. در روایتی امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ إِلَى جَانِبِ كُوفَانَ قَبْرًا مَا أَنَا مَكْرُوبٌ قَطُّ فَصَلِّ عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كَرُبَهُ وَ قَضَى حَاجَتَهُ». سمت کوفه مزاری است که هر دردمند و گرفتاری به آنجا بیاید و دو رکعت نماز بخواند، یا چهار رکعت بخواند، خداوند حتماً گرفتاری اش را برطرف می کند. بعد راوی سؤال می کند مرادتان از این مزار چیست؟ حضرت می فرماید قبر امیرالمؤمنین(علیه السلام).

درب های باز آسمان بر دعای زائر امیرالمؤمنین(علیه السلام)

در یک روایت دیگری داریم که امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتَفْتَحُ عِنْدَ دُعَاءِ الزَّائِرِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ همانا هنگامی که زائر امیرالمؤمنین دعا می کند، درب های آسمان باز می شود. این تعبیر خیلی زیبا است. خیلی زیبا است که هنگام دعای زائر امیرالمؤمنین، درهای آسمان ها باز می شود. این مطلب، چه مطلب عجیبی است! من این روایت را که دیدم، تعجب کردم. وقتی که زائر به نجف می رود و قبر مطهر علی(علیه السلام) را زیارت می کند، همین که شروع می کند به دعا کردن، درهای آسمان ها باز می شود. این چه تعبیری است که در روایت آمده است! این تعبیر را من در جایی ندیده ام. دعا در آن مکان خیلی با ارزش است و موجب می شود که همه درها باز شود. «فَلَا تَكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَامًا». حضرت در ادامه می فرماید درها باز شده است، یک وقت غافل نشوی! وقتی دعایت تمام شود و برگردی، درها بسته می شود. الآن فرصت را غنیمت بشمار و خواسته هایت را، تا درب های آسمان باز است، بالا بفرست و حاجاتت را بگیر؛ دعا کن که تا درب ها بسته نشده، پاسخ اجابت به تقاضاهایت به تو داده شود و پایین بیاید. یک وقت درها بسته می شود و بیرون می آیی!

۴. حرم اباعبدالله الحسین(علیه السلام)

از مکان دیگری که بر دعا مؤثر است، حرم امام حسین (علیه السلام) است. روایات در این رابطه خیلی زیاد است و من فقط یکی دو روایت را به عنوان نمونه می خوانم.

نماز مقبول و دعای مستجاب

شعیب عَقْرُوفِيَّ را همه می شناسند؛ از اصحاب بزرگ امام صادق(علیه السلام) است. او می گوید: «قُلْتُ لَهُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ»؛ من به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم قربانت شوم! اگر کسی به مزار حسین(علیه السلام) برود و آنجا را زیارت کند، ثواب و پاداش و اجر او چیست؟ «قَالَ يَا شُعَيْبُ مَا صَلَّى عِنْدَهُ أَحَدٌ الصَّلَاةَ إِلَّا قَبِلَهَا اللَّهُ مِنْهُ» حضرت به او فرمود ای شعیب! احدی نزد قبر حسین نماز به جا نمی آورد، مگر اینکه آن نمازی را که در حرم خوانده است، خدا قبول می کند. «وَأَلَّا دَعَا عِنْدَهُ أَحَدٌ دَعْوَةً إِلَّا اسْتَجِيبَتْ لَهُ عَاجِلَةً وَ آجَلَةً». و اگر هر کس آنجا دعا کند و از خدا چیزی بخواهد، نیست مگر اینکه زود یا دیر به اجابت می رسد. عاجله یعنی زود و آجله یعنی دیر. حضرت فرمود اجابت این دعا دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد!

مغفرت، به ازای هر گام

اما یک روایت دیگر از امام صادق(علیه السلام) است که فرمودند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ لِنُوبِهِ»؛ شخصی که از محل سکونتش خارج می شود و برای زیارت امام حسین(علیه السلام) می رود، اجر اولین گام و اولین قدمی که برمی دارد، آمرزش گناهان او است؛ با اولین قدم آمرزیده می شود. حالا این عبارت خیلی عجیب است! «ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُغْدَسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ»؛ با هر قدمی که برمی دارد، پاک می شود؛ این خیلی زیبا است. هر قدمی که برمی دارد، پاک می شود و

می‌رود. شما در مورد ثواب حج عمره، این را شنیده بودید و بالای منبرها خیلی برای شما گفته‌اند. اما این مهم است که انسان هر قدم که در راه زیارت حسین(علیه‌السلام) برمی‌دارد، خدا او را پاک می‌کند.

نجوای خداوند با زائر حسین(علیه‌السلام)

در روایت دیدید که گفت اولین گام، غفران ذنوب را در پی دارد. بعد می‌گوید: «لَمْ يَزَلْ يُقَدِّسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ»؛ با هر گامی که برمی‌دارد، خداوند او را پاک می‌کند، تا به حائر حسینی(علیه‌السلام) می‌رسد. «فَإِذَا أَتَاهُ»، وقتی به آنجا رسید، «نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى»؛ خدا با او نجوا می‌کند. «نادی» ندارد. «دعا» ندارد. «نجوا» دارد. «نَاجَاهُ» یعنی چه؟ یعنی خدا با او «تو دلی» حرف می‌زند؛ نجوا یعنی درگوشی حرف زدن. نفرمود «دعا الله»، یا «ناداه الله»؛ هیچ کدام از اینها نیست؛ دارد «ناجاه الله». یعنی خدا خیلی ظریف و مخفیانه با او سخن می‌گوید. «وَ قَالَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ»؛ بنده من! حالا که پاک و پاکیزه شدی و به اینجا آمده‌ای، از من بخواه، به تو می‌دهم. «وَ اذْعُنِي أُجِيبَكَ»؛ دعا کن، جوابت را می‌دهم! یعنی صدایم کن. «اطْلُبْ شَيْئًا أُعْطِكَ»؛ طلب کن تا عطا کنم. «سَلْنِي حَاجَةً أَقْضِيهَا لَكَ»؛ حاجتت را از من بخواه، برآورده می‌کنم. بعد در آخر، تعبیر عجیبی فرمودند که: «وَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَّلَ». دیگر سزوار است که خدا به او عطا کند.

مبادله خدا با امام حسین(علیه‌السلام)

حالا چرا؟ یک روایت دیگر می‌خوانم تا علتش معلوم شود. این روایت را که می‌خوانم همه‌اش این‌شاءالله برای ما نورانیت دارد. امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنَ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ»؛ همه اینها مبادله‌ای بود که خداوند، در ربط با کاری که امام حسین(علیه‌السلام) کرد، با او انجام داده است. این اثرها برای یک مبادله است. مبادله چه بود؟ حضرت صادق(علیه‌السلام) فرمود خدا در عوض شهادت امام حسین(علیه‌السلام)، اینها را به او داد.

اول، امامت را در ذریه او قرار داد. دوم، «وَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ»؛ در خاک او شفا قرار داد. خوردن خاک حرام است، اما خوردن تربت حسین(علیه‌السلام) مستحب است؛ چون شفابخش است. «وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ»؛ سوم اگر کسی در کنار قبر او هرچه دعا کند، دعایش قبول می‌شود. چهارم، «وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِيًا وَ رَاجِعًا». آنهایی که می‌روند برای زیارت مزار حسین(علیه‌السلام)، خدا مدت رفت و برگشتشان را جزء عمرشان حساب نمی‌کند. این حرف، حرف خیلی عجیبی است. مثلاً برای کسی که در قضا و قدر الهی مقدر بوده که پنجاه سال عمر کند، اگر یک ماه به زیارت حسین(علیه‌السلام) رفته است، این یک ماه را از آن پنجاه سال کم نمی‌کنند. این زمان، جزء عمر او نیست. این تعبیراتی است که ما در روایات داریم.

یک تذکر!

دقت کنید! آنچه به این صورت راجع به امام حسین(علیه‌السلام) وارد شده، راجع به هیچ پیغمبری نیامده است. حتی راجع به امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) هم این‌طور خصوصیتی را نداریم. بله، من به ثواب حج عمره توجه دارم. خیال نکنید که من اینها را ندیده‌ام. راجع به امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) روایاتی داریم که در هر قدم رفت و برگشتش، چه ثوابها دارد که برای زیارت امام حسین(علیه‌السلام) آن اجر و پاداشها نیست؛ یعنی اجر زیارت امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) از این نظر بیشتر است. من اینها را می‌دانم و همه را بلدم. ولی بحث ما در رابطه با «ثواب» نبود. ما برای ثواب کیسه ندوخته‌ایم! اینجا آمده‌ایم تا این‌شاءالله آدم شویم. بحث ما در ارتباط با «اجابت دعا» بود.

از همه چیز گذشتگی؛ نه فقط از خودگذشتگی

این آثار فقط به خاطر «از خودگذشتگی» حسین(علیه‌السلام) نبود، بلکه به خاطر «از همه چیز گذشتگی» او بود که این ویژگی، مختص او است که در راه خدا از همه چیزش گذشت. لذا شما شنیده‌اید که در روز عرفه، که روز مقدس و روز دعا است، خدا وقتی

که می‌خواهد به بندگان نظر رحمت کند، اول به زوار حسین(علیه‌السلام) نظر می‌کند، بعد به حاجی‌های واقف در عرفات. همان عرفاتی که الآن گفتیم و دیدید که چقدر عظمت دارد. دیدید که پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، در عرفات، و در روز عرفه به حاجی‌ها چه فرمودند؛ میهمانان خدا! ولی وقتی در روز عرفه، خداوند می‌خواهد به دعای بندگان جواب دهد، اول جواب زائرهای حسین(علیه‌السلام) را می‌دهد، بعد می‌رود سراغ آن حاجی‌هایی که در عرفات هستند. چرا؟ خیلی زیبا است. چون حسین(علیه‌السلام)، هر چه داشت را داد. حالا من نمی‌خواهم این تعبیر را کنم، شاید یک مقدار غلیظ باشد و بعضی‌ها هم وحشت کنند؛ اما او هر چه داشت را داد و خدا هم هر چه دارد را برای او می‌گذارد...

جلسه ۲۵ - کجا دعا کنیم تا مستجاب شود؟

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در این رابطه بود که ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن با ربّ یعنی دعا کردن است. گفتیم دعا ماثور و غیر ماثور دارد و دارای آداب و شرایطی است و بالأخره عواملی هستند که روی اجابت دعا تأثیرگذارند. برخی از این عوامل را هم ذکر کردیم، مثل عامل زمان و مکان. بحث به عوامل مکانی مؤثر بر دعا رسید و در این رابطه مکان‌هایی را هم به طور اختصار مطرح کردیم.

در جلسه گذشته به بحث ویژگی‌ها و تأثیر «حائر حسینی»(علیه‌السلام) بر روی دعا رسیدیم و در آخر جلسه روایتی را مطرح کردیم که در آن، برای زائر امام حسین(علیه‌السلام) غیر از مسأله اجابت دعا، آثار دیگری را مطرح فرموده بودند؛ از قبیل شفا که در تربت حضرت است. من روایتی را می‌خوانم و بعد نکته‌ای را درباره مسأله امام حسین(علیه‌السلام) که درباره هیچ جای دیگر ندیده‌ام، عرض می‌کنم که البته راجع به اجابت دعا است و مرتبط با بحث است.

خصوصیات زیارت امام حسین(علیه‌السلام)

راجع به بحث اجابت دعا که جلسه گذشته مطرح کردم، من فکر نمی‌کنم که چنین چیزی را نسبت به بقیه معصومین(صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) داشته باشیم. در آن روایت داشت که خداوند، امامت را در ذریه امام حسین(علیه‌السلام) قرار داد، شفا را در تربت او و بعد هم اجابت دعا را کنار قبر او گذاشته است. در روایتی از امام ششم(علیه‌السلام) این تعبیر آمده است که «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ لِلَّهِ وَ فِي اللَّهِ»، اگر کسی برای خدا و در راه خدا، قبر امام حسین(علیه‌السلام) را زیارت کند، یعنی رفتن و زیارت کردنش در ارتباط با خدا باشد، [۲] «أَغْتَقَهُ مِنَ النَّارِ»؛ خدا او را از آتش جهنم می‌رهاند. در این روایت مسأله آمرزش گناهان مطرح شده است و اگر یادتان باشد در روایتی که جلسه گذشته خواندم، آمده بود که در قدم اول و هر قدمی که زائر برای زیارت حسین(علیه‌السلام) بر می‌دارد، شست‌وشو می‌شود. این هم، همان مطلب است ولی با تفاوت در تعبیر.

در ادامه روایت می‌فرماید: «وَ أَمَنَهُ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ»؛ یعنی خداوند او را از زاری بزرگ، یعنی هول قیامت ایمن می‌سازد. این خیلی مهم است. در آن روز هولناک، که هولناک‌ترین روزها است، او را از بی‌تابی و فزع، ایمن می‌کند. یعنی دومین چیزی که خداوند به زائر حسینی می‌دهد، این است. ما در باب قیامت داریم که آن روز، «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنَ أَخِيهِ» [۳] است؛ یعنی برادر از برادرش

می‌گریزد. آیات قرآن را نگاه کنید. فرزند از پدر و مادر خودش فرار می‌کند. مادر از بچه‌اش فرار می‌کند. در قیامت یک فریاد «وانفسا!» از همه مردم بلند است، که من این مطلب را قبلاً بحث کرده‌ام. حتی انبیاء هم در روز قیامت «وانفساه!» می‌گویند. [۴] آن وقت حضرت می‌فرماید «وَأَمَّنْهُ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ»؛ یعنی خداوند زائر حسین (علیه‌السلام) را در هولناک‌ترین روز که روز قیامت است، در امن و امان قرار می‌دهد. این اثر زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است.

سومین اثری که زیارت اباعبدالله (علیه‌السلام) دارد این است که: «وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ». [۵] زائر حضرت هیچ حاجتی از خواسته‌های مادی و معنوی‌اش را تقاضا نمی‌کند، مگر این که خدا به او می‌دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های حرم امام حسین (علیه‌السلام)

اما آنچه می‌خواستیم بگویم، خصوصیتی است که من در بقیه جاها ندیده‌ام. حالا من چند روایت را می‌خوانم تا مطلب روشن شود. در روایتی آمده است که امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) در مدینه بودند و روزی بیمار شدند: «أَصَابَهُ وَجَعٌ فَأَمَرَ مَنْ عِنْدَهُ أَنْ يَسْتَأْجِرُوا لَهُ أَجِيرًا يَدْعُو لَهُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ»؛ حضرت به اطرافیان‌شان فرمودند بروید کسی را اجیر کنید که از من نیابت کند و به کربلا برود و آنجا برای من دعا کند. «فَخَرَجَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيهِ»؛ یکی از غلامان و خدمتکاران حضرت از خانه بیرون رفت که یک نفر را اجیر کند و به کربلا بفرستد. «فَوَجَدَ آخَرَ عَلَى الْبَابِ»؛ بیرون که رفت، دید کسی کنار درب منزل است. حالا آن شخص می‌خواست خدمت حضرت برسد یا کار دیگری داشت، معلوم نیست؛ خلاصه کنار در بوده است. «فَحَكَى لَهُ مَا أَمَرَ بِهِ»؛ غلام قضیه را برای او نقل کرد که الآن حضرت به من امر کردند که بروم و کسی را اجیر کنم و به کربلا بفرستم که آنجا برای شفای ایشان دعا کند. «فَقَالَ الرَّجُلُ أَنَا أَمْضِي»؛ کسی که کنار در بود، گفت من می‌روم.

این روایت، روایت خیلی زیبایی است. من می‌خواستم از آن عبور کنم، ولی حیفم آمد. گفتم که این را بخوانم تا ببینید قضیه از چه قرار است. بعد آن کسی که مقابل در بود، جمله‌ای گفت که چه بسا در ذهن بعضی از شما هم بیاید. گفت: «لَكِنَّ الْحُسَيْنَ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ»؛ امام حسین، امامی است که اطاعت از او واجب است؛ «وَهُوَ أَيْضًا إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ»؛ و امام صادق هم امامی است که مفترض الطاعة است؛ «فَكَيْفَ ذَلِكَ»؛ گفت این یعنی چه؟ این چه کاری است؟ خوب او یک امام است، خود این آقا هم امام است؛ چرا باید یک نفر را اجیر کند که برود پیش آن امام، برای او دعا کند؟!

جایی که خدا دوست دارد از آنجا خوانده شود

«فَرَجَعَ إِلَى مَوْلَاهُ»؛ خادم برگشت و نزد امام صادق (علیه‌السلام) آمد. «وَعَرَفَهُ قَوْلَهُ»؛ جریان را گفت که آقا! من رفتم کنار در، دیدم کسی ایستاده، به او مطلب را گفتم، او هم گفت که من خودم می‌روم. اما یک چنین حرف‌هایی هم به ما زد که هر دو امام هستند و اطاعتشان واجب است، پس چرا باید این کار را کرد؟ «فَقَالَ (علیه‌السلام) هُوَ كَمَا قَالَ»؛ حضرت فرمودند حرف‌هایش درست بود. حسین (علیه‌السلام) امام مفترض الطاعة است، من هم امام مفترض الطاعة هستم. «هُوَ كَمَا قَالَ وَ لَكِنَّ أَمَا عَرَفَ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ»؛ بله، حرف‌های او درست بود، اما او این را نمی‌داند که خداوند مکان‌هایی دارد که در آن مکان‌ها دعا مستجاب می‌شود.

این روایت از این نظر به درد بحث ما می‌خورد که حضرت در اینجا یک قضیه کلی را بیان می‌فرمایند. کبرای کلی، «اثرگذاری مکان بر روی اجابت دعا» است و این دقیقاً همین بحث ما است. حضرت در اینجا کلی بحث را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «وَلَكِنَّ أَمَا عَرَفَ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ»؛ او نمی‌داند که برای خدا مکان‌هایی است که دعا در آن مکان‌ها مستجاب می‌شود؛ «فَتِلْكَ الْبُقَاعُ مِنْ تِلْكَ الْبُقَاعِ». [۶] حرم حسین (علیه‌السلام) هم از آن مکان‌ها است. این که من گفتم یکی برود و آنجا برای من دعا کند، برای این است که آن مکان بر اجابت دعا اثرگذار است.

نایب گرفتن برای دعا کردن در حرم حسینی

مطلب دیگری که از این روایت به دست می‌آید این است که لازم نیست حاجتمند، خودش در حرم حسینی باشد و برای خواسته‌اش دعا کند. راجع به اماکن دیگر، حاجتمند خودش به آنجا می‌رود و دعا می‌کند و حاجتش را از خدا می‌خواهد. یعنی اثرگذاری مکان بر روی دعا در جایی است که داعی دعا کننده در آن مکان حضور یابد و خودش دعا کند، جز در ارتباط با حرم امام حسین(علیه السلام) که دعای نیابی هم در آنجا مستجاب است و تأثیر دارد. از این روایت این به دست می‌آید که در باب حرم حسینی (علیه السلام) لازم نیست که حاجتمند خودش در آن مکان حضور پیدا کند و دعا کند تا مستجاب شود. اگر نایب هم بفرستد و نایبش در آن مکان برای او دعا کند مستجاب است. این هم خصوصیتی است که ما در مورد اماکن دیگر نداریم.

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: حرف‌های او درست است هم من، هم امام حسین، امام مفترض الطاعه هستیم؛ ولی او این را نمی‌داند که آن مکان، روی اجابت دعا اثر دارد، به قدری هم اثر دارد که لازم نیست خود حاجتمند در آنجا حضور پیدا کند؛ بلکه اگر نایب هم به آنجا برود، باز هم آن مکان اثر دارد.[۷]

حائر حسینی، در رتبه بیت الله الحرام

ما در فقه‌مان در بحث «صلاة مسافر» داریم که نماز مسافر شکسته است و می‌گوییم قصر واجب است مگر در اماکن اربعه. یعنی در فقه اماکنی مطرح است که در این مکان‌های چهارگانه مسافر با اینکه مسافر است، مخیر بین قصر و اتمام است. یعنی هم می‌تواند نمازش را تمام بخواند و هم شکسته. یکی از آن مکان‌ها، مسجدالحرام است که بالاترین مکان از نظر قداست است. بعد مسجدالنبی است و بعد از آن مسجد کوفه است؛ چهارمی هم حائر حسینی است. من مسأله شرعی گفتم. به رساله‌ها که مراجعه کنید، خواهید دید که همه این مسأله را دارند و این حکم، متفق علیه است. در اماکن اربعه با آن که مسافر هستی، می‌توانی نمازت را کامل بخوانی.[۸] در تمامی اماکن مسافر باید نمازش را قصر بخواند، جز در این اماکن خاص. پس وقتی که در حرم حسینی وارد شدی، حتی اگر مسافر باشی هم می‌توانی نمازت را تمام بخوانی. پس می‌بینیم این مسأله حتی به احکام فقهی هم سرایت کرده است. اینکه می‌بینید حرم حضرت یک چنین ارزشی پیدا کرده است و در کنار مساجد بزرگ قرار گرفته است، به این خاطر است.

۵. حرم مطهر امام رضا(علیه السلام)[۹]

یکی دیگر از مکان‌هایی که در دعا مؤثر است، حرم مطهر امام هشتم(علیه السلام) است. من روایتی از امام هادی(علیه السلام) را می‌خوانم که حضرت فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَزِرْ قَبْرَ جَدِّي الرَّضَا بِطُوسٍ وَ هُوَ عَلَى غُسْلٍ وَ يُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَ يُسْأَلُ اللَّهُ تَعَالَى حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ».[۱۰] اگر کسی حاجتی داشته باشد، مزار امام هشتم را در طوس زیارت کند، اول غسل کند، بعد برود بالا سر و دو رکعت نماز بخواند، در قنوت حاجتش را بخواهد که خدا هم از او می‌پذیرد و دعایش مستجاب می‌شود.[۱۱]

۶. حرم‌های ائمه اطهار

یک روایتی از امام هشتم(علیه السلام) است که از نظر طلبگی این مطلب از آن به دست می‌آید که قبور ائمه اطهار(علیهم السلام) دارای این اثر هستند که اگر انسان در آنجا دعا کند، دعایش مستجاب است. حضرت فرمودند: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَى قُبُورِنَا»؛ اینکه آدم بخواهد زحمت بکشد و راه بیفتد که به محل دفن کسی برود، ارزش چندانی ندارد مگر اینکه خودش را برای زیارت قبور ما به زحمت بیاندازد و بخواهد به زیارت ما بیاید. منظور از «قبورنا» قبور ائمه اطهار است. بعد حضرت راجع به خودش می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا وَ مَدْفُونٌ فِي مَوْضِعٍ غَرِيبَةٍ فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي اسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ».[۱۲] من با سم و ظالمانه کشته می‌شوم و در سرزمین غربت نیز دفن خواهم شد؛ پس اگر کسی به زیارت من بیاید، دعایش مستجاب است.

من خواستم از این روایت، این مطلب را عرض کنم که چه بسا از صدر این روایت این طور ظاهر شود که اثر استجاب دعا نسبت به قبور تمام ائمه است. یعنی با توجه به این که در صدر روایت، سخن از قبور تمام ائمه است، این اثر استجاب دعا، هر چند که تصریح به قبر امام هشتم دارد، ولی نسبت به قبور دیگر ائمه هم ثابت است.

۷. مسجد کوفه

در باب مساجد هم ما درباره مسجد کوفه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت داریم که حضرت فرمودند: «مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْخَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ» [۱۳] اگر کسی که گرفتار است، در مسجد کوفه حاجتی از حوائجش را از خداوند بخواهد، خداوند آن را برآورده می کند و گرفتاری اش را برطرف می سازد.

۸. مسجد سهله

راجع به مسجد سهله هم از امام صادق (علیه السلام) روایت داریم که حضرت فرمودند: «مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ فَصَلَّى فِيهِ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ» [۱۴] هیچ دردمندی به این مسجد نمی آید که مابین نماز مغرب و عشا دعا کند، مگر آن که خداوند گره از کارش می گشاید. البته دعا در این مسجد، خصوصیت دارد؛ یعنی فرد باید اول نماز بخواند و ما بین نماز مغرب و عشا دعا کند که من این دو مورد را به عنوان نمونه گفتم.

۹. مساجد

من در گذشته درباره تأثیر «مطلق مساجد» بحث کرده ام و الآن تکرار نمی کنم. راجع به مطلق مساجد هم عرض کردم که از ائمه ما این معنا رسیده است که من در جلسه گذشته هم به آن اشاره کردم که دستور داده اند اول برو وضو بگیر، بعد به مسجد برو و دو رکعت نماز بخوان، بعد هم حاجتت را بخواه!

مقایسه ارزشی مکان ها و زمان ها

من بحث را جمع بندی کنم که به طور کلی عامل زمان و عامل مکان، در اجابت دعا مؤثر هستند؛ البته نه تأثیرگذاری که یکنواخت باشد. من دیگر نخواستم وارد این بحث شوم و بین این عوامل موازنه برقرار کنم. موازنه در زمان ها را انجام دادم، ولی نمی رسم در مکان ها موازنه کنم و البته بحث هم تمام نشد. بحث بالاتر هم، موازنه بین زمان و مکان است که بخواهیم برتری زمان و مکان را بر یکدیگر بررسی کنیم.

من فقط یک اشاره کنم که اثرگذاری این عوامل مطلق نیست. یعنی نمی توانیم بگوییم که مطلق زمان بر مکان مقدم است یا مکان بر زمان مقدم است؛ این ها مطلق نیست. بلکه این به ارزش آنها بستگی دارد. مثلاً فرض کنید الآن راجع به حرم امام حسین (علیه السلام) دیدید که چقدر ارزشش بالا است. انسان خوب می فهمد که از نظر ارزشی حرم امام حسین (علیه السلام) در اوج قرار دارد و خیلی بالا است. لذا باید اینها را موردی بحث کرد. من کلی این بحث را برای آنهایی که اهل بحث هستند گفتم که باید اینها را موردی بررسی کنیم تا بعداً بتوانیم بین این عوامل مقایسه کنیم. [۱۵] من تا اینجا بحثم را بستم و خیلی هم طول کشید، اما چاره ای نبود.

تقسیم بندی ادعیه مأثور

گفتیم **دعا بر دو قسم است، مأثور و غیر مأثور**. تمام این بحث‌هایی که من تا به حال در این چهار سال کردم، در ارتباط با دعای غیر مأثور بود. تازه می‌خواهم وارد بحث دعای مأثور شوم. **دعاء المأثور علی قسَمین**؛ بنا بر یک تقسیم بندی **دعاهای مأثور**، یعنی دعاهایی که از معصومین (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) به دست ما رسیده است، **دو قسم هستند؛ یک قسم «موقت» هستند و یک قسم «غیرموقت»**. این یک تقسیم‌بندی در مورد دعای مأثور است. یک بحث دیگری همین‌جا مطرح است که حضرات دعاهای خود را در چه قالبی ریخته‌اند؟ من قبلاً به حفظ قالب اشاره‌ای کردم، ولی حالا وارد آن می‌شوم. مثلاً صحیفه سجادیه دعاهایش را که می‌بینید، همه را قالب‌ریزی کرده‌اند؛ یعنی در یک شکل خاص ریخته‌اند. بحث دیگر هم، بحث مضامین دعا است که مربوط به محتوای ادعیه است. **إن شاء الله** از جلسه آینده وارد این بحث می‌شوم.

توسل به منتسبین حسین(علیه‌السلام) هم کارساز است

بروم سراغ توسل؛ من عرض کردم و در روایات و مقاتل ما هم آمده است که اهل بیت حسین(علیه‌السلام) در این سفر، یک ورود به کوفه داشتند، یک ورود به شام و یک ورود هم به مدینه دارند. نقل شده است وقتی از زین‌العابدین(صلوات‌الله‌علیه) سؤال کردند در این سفر و در این حوادثی که پیش آمد، کجا به شما خیلی سخت گذشت، حضرت مکرراً فرمود: «**لِشَامِ الشَّامِ**»؛ حادثه‌هایی که آنجا اتفاق افتاد تلخ‌تر از همه این حوادث بود. حالا من می‌روم سراغ یک حادثه از حوادث شام و البته نکته‌ای را هم عرض می‌کنم که در رابطه‌ای با بحث است.

بعضی از خصوصیات که حسین(علیه‌السلام) دارد این است که امامت در ذریه او، شفا در تربتش، اجابت دعا در حائر حسینی است. این مطلب را خوب گوش کنید! یکی از چیزهایی که انسان به صورت وجدانی احساس می‌کند این است که توسل به کسانی که منتسب به حسین(علیه‌السلام) هستند هم مؤثر است. کسانی که در حادثه کربلا بودند مثل ابوالفضل(سلام‌الله‌علیه) که اصلاً اسمش را باب الحوائج می‌گذارند یا دیگران، توسل به آنها هم حاجت می‌دهد و ما درباره آن قبلاً بحث کرده‌ایم. توسل به ابوالفضل و کسانی که در حادثه کربلا بودند در اجابت دعا، اثرگذاری دارد و درک این تأثیرگذاری هم وجدانی است.

ذکر مصیبت طفل سه ساله ابی‌عبدالله(سلام‌الله‌علیها) در خرابه شام

حالا من می‌خواهم بروم سراغ یکی از اتفاقات شام و یکی از افراد منتسب به حسین(علیه‌السلام) که از او هم به باب الحوائج تعبیر می‌کنند، در حالی که کودک است. این‌طور که از امام زین‌العابدین(صلوات‌الله‌علیه) نقل شده است در شام، این بی‌بی‌ها و بچه‌ها را برده بودند و در خرابه‌ای جا داده بودند. من در یک روایت دیدم که حضرت فرمود شب‌ها از سرما ناراحت بودیم و روزها از گرما رنج می‌بردیم.

می‌گوید در دل شب، که همه جا ساکت بود، ناگهان سکوت را یک جمله شکست. یک بچه بلند شد و می‌گفت: «**أَيْنَ أَبِي الْحُسَيْنِ**»؛ بابایم حسین کجا است؟ «**رَأَيْتَهُ السَّاعَةَ فِي الْمَنَامِ**»؛ من الآن در خواب پدرم حسین را دیدم. پدرم کجا است؟ این بی‌بی‌ها بیدار شدند و اطراف این بچه را گرفتند و ضجه می‌زدند. صدا به گریه و ضجه از این خرابه بلند شد. شب است. همه جا ساکت و آرام است. آن خبیث خبردار شد. گفت چه خبر شده است؟ به او قضیه را گفتند که حسین یک دختر کوچکی دارد که از خواب بیدار شده و بهانه پدر را گرفته است. می‌دانید این خبیث چه کار کرد؟ دستور داد سر حسین(علیه‌السلام) را برای این بچه ببرید. واقعاً جا دارد که زین‌العابدین(علیه‌السلام) بگوید بدترین جاها برای ما شام بود...

سر مبارک حضرت را در طبقی گذاشتند، یک روپوش روی آن کشیدند، آوردند و جلوی این بچه گذاشتند. دست بُرد و روپوش را برداشت. چه حالتی به او دست داد! نگاهی به این سر کرد؛ گفت: «**مَا هَذَا الرَّأْسِ**»؛ این سر کیست؟... حاجت دارید؟ همه ما حاجت داریم؛ «**قَالُوا لَهَا رَأْسُ أَبِيكَ الْحُسَيْنِ**»؛ گفتند این سر پدرت حسین است. تا این را گفتند، آن دست‌های کوچکش را بُرد، «**وَرَفَعَتْهُ مِنْ الطُّسْتِ حَادِنَاتًا لَهُ**»؛ سر را بلند کرد، اما مراقب است که از دستش نیفتد... «**وَوَهِىَ تَقُولُ**»؛ بابا را شناخت و شروع کرد این

جملات را گفتن: «مَنْ ذَا الَّذِي خَضَّبَكَ بِدِمَائِكَ يَا أَبَتَاهُ»؛ ای بابا! چه کسی تو را به خون سرت آغشته کرده است؟ «يَا أَبَتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدَكَ»؛ ای بابا! چه کسی رگ گردنت را بریده است؟...

-
- [۱]. بحارالانوار ۹۱ ۹۶
- [۲]. البته بنده من وارد این بحث‌ها نمی‌شوم چون خود این «الله» و «فی الله» یک بحث معرفتی است. و در بعضی از روایات هم اگر برسیم، من تقریباً به بحث اشاره می‌کنم.
- [۳]. سوره عبس، آیه ۳۴
- [۴]. فقط پیغمبر اکرم است که مطابق روایتی که به خاطر دارم، «وانفساه!» نمی‌گوید، بلکه می‌گوید: «وا امتی!»
- [۵]. وسائل الشیعه ۱۴ ۴۹۹
- [۶]. عده‌الداعی ۵۷
- [۷]. ما می‌خواستیم بگذریم، دیدیم ظاهراً نمی‌شود بگذریم. و حالا هم بد نیست به مطلبی فقهی هم اشاره کنم.
- [۸]. من حدودش را هم به ذهنم هست که نوشته‌ام که از پایین پا چقدر، بالای سر چقدر.
- [۹]. این شماره، در ارتباط و در ادامه مطالب جلسه گذشته است.
- [۱۰]. بحارالانوار ۹۹ ۴۹
- [۱۱]. البته از خود امام هشتم هم روایتی به این مضمون هست که این مطالب حد دارد. من اینها را می‌خواهم توضیح دهم، ولی نمی‌رسم که اینجا جمع بندی کنم. از نظر ائمه معصومین (علیهم‌السلام) اعتابه مقدسه با یکدیگر متفاوتند.
- [۱۲]. وسائل الشیعه ۱۴ ۵۶۲
- [۱۳]. الکافی ۳ ۴۹۱
- [۱۴]. الکافی ۳ ۴۹۵
- [۱۵]. این را هم بگویم که این مقایسه، از نظر ارزش این عوامل، در ارتباط با تأثیرگذاری بر روی اجابت دعا است.

جلسه ۲۶- در ادعیه مأثور دست نبرید!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام رب یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن با رب یعنی دعا است. دعا هم بر دو قسم مأثور و غیرمأثور است که دارای آداب و شرایطی است. ما تا به حال راجع به دعاهای غیرمأثور بحث داشتیم و الآن می‌خواهیم وارد بحث دعاهای مأثور شویم.

معنای دعای مأثور و غیر مأثور

من در ابتدای بحث، مأثور و غیرمأثور را معنا کنم و بعد وارد مطالب مربوط به دعاهای مأثور خواهم شد. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است. «أَثَرُ الْحَدِيثِ» یعنی نقل کردن حدیث و روایت است؛ «أَثَرٌ» یعنی نقل کرد. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است و دعای غیرمأثور هم یعنی دعایی که خودمان می‌کنیم که مضمون و قالب اینها، ربطی به دعاهای مأثور یا احادیث معصومین (علیهم السلام) ندارد.

در باب مسأله دعای مأثور من باید به یک نکته مهم در ابتدای بحث اشاره کنم که چاره‌ای هم ندارم و این را برای اهل فن می‌گویم. آن نکته این است که در باب «نقل» مسأله «سند» مطرح است و ممکن است اسناد بعضی از این منقولات تمام نباشد. [۲] دعای مأثور هم مثل بقیه مستحبات، از ائمه نقل شده است. مثلاً اینکه می‌فرمایند که در فلان مکان آن نماز را بخواند و در فلان زمان این دعا را بخواند، همه این‌ها نقل‌هایی است که از حضرات معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده است. من این نکات را می‌گویم تا محل بحثم را کاملاً روشن کنم.

احادیثی که درباره اعمال خاص بوده ولی سند ضعیف دارند

ما در علم اصول بحثی داریم در ارتباط با روایاتی که در باب استحباب یک عمل، همراه با ذکر ثواب برای آن، از معصومین نقل شده است که اگر ما بعضی از آن روایات را از نظر «سند» تمام ندانیم؛ تکلیف چیست و چه کار باید کرد؟ آیا می‌شود این اعمال را به استناد این احادیث که از نظر سند تمام نیستند، مستحب دانست؟ آیا به این احادیث می‌توان عمل کرد؟ آیا اگر به مفاد آنها عمل کردیم، ثواب و اجری که در روایت ذکر شده است را خواهیم بُرد؟

اخبار «مَنْ بَلَغَ»

در یک دسته از روایات ما آمده است که اگر انسان عمل خاصی که از معصومین رسیده است را انجام دهد، خداوند همان ثوابی را که در روایت آمده است به او می‌دهد، اگر چه این نقل صحیح نباشد. حالا من دو، سه روایت را در این رابطه می‌خوانم. [۳] روایتی از امام صادق (صلوات الله علیه) است که حضرت فرمودند: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ» اگر به کسی خبر برسد که عملی را انجام بده که آن عمل ثواب دارد، «فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)» او نیز آن کار را برای اینکه آن ثواب نصیبش شود، انجام دهد، «كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ» آن ثواب را به او می‌دهند، «وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَمْ يَقُلْهُ» [۴] اگر چه سندش هم تمام نباشد.

یک روایت دیگر هم از امام صادق (صلوات الله علیه) داریم که فرمودند: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ اتَّيَسَّرَ ذَلِكَ الثَّوَابُ» اگر به کسی خبر ثوابی از ناحیه خداوند نسبت به فعل و عملی، برسد و او این کار را انجام دهد برای اینکه به آن ثواب برسد، «أَوْ تَيَسَّرَ» ثواب را به او می‌دهند؛ «وَإِنْ لَمْ يَكُنْ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» [۵] اگر چه حدیث از نظر سند تمام نباشد. یا روایت دیگری داریم که «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» [۶] که همان مضمون روایات قبلی را دارد. من این‌ها را به عنوان تذکر عرض کردم که در روایات ما این مسائل مطرح است و جای این بحث‌ها در مدرسه است که در اصطلاحات طلبگی، از آن به «اخبار من بلغ» یا «تسامح در ادله سنن» تعبیر می‌کنند.

عملی که مستحب نیست ولی ثواب دارد

علمای اصول در این رابطه دو نظر دارند؛ یک دسته از این روایات این‌طور استفاده می‌کنند که این «عمل» جزء مستحبات محسوب می‌شود و یک دسته هستند که می‌گویند این عمل، مستحب نمی‌شود ولی ثواب آن را به عامل می‌دهند. البته بنده از آن‌هایی هستم که می‌گویم این عمل به واسطه روایتی که سندش تمام نیست، مستحب نمی‌شود ولی ثوابش را به او می‌دهند. [۷] اینکه روایتی آمده و در آن دعایی یا عملی مطرح شده است که اگر این کار را انجام دهی، ثواب می‌بری، این اثر را دارد که اگر آن کار را بکنی، ثواب را خواهی بُرد. چه بسا هر دو دسته آقایان، این مطلب را بپذیرند که ثواب را به عامل این روایت، می‌دهند. إنما الكلام؛

بحث در این است که آن فرد می‌تواند آن عمل را به عنوان عمل مستحب به جا آورد یا نه؟ حرف در اینجا این است که ما می‌گوییم: رجائاً انجام دهد؛ آن‌هایی که می‌گویند عمل، مستحب می‌شود، می‌گویند: به عنوان استحباب هم می‌شود عمل را انجام داد. [۸] ولی در این شبهه‌ای نیست که ثواب را، در هر دو صورت به او می‌دهند.

ما بحثمان راجع به دعاهایی است که از معصومین برای ما نقل شده که شخص این دعا را بخواند و ثوابی هم بر آن مترتب شده است. تا اینجا اتفاق نظر است که آن ثواب را به او می‌دهند؛ می‌خواهد سندش تمام باشد، یا سندش تمام نباشد. این مورد اتفاق است. این تا اینجا من چون گام به گام هم پیش بروم. بحث ما راجع به دعا بود.

«دعا» حتی اگر سندش ضعیف باشد «دعا» است

حالا اینجا من می‌خواستم نکته‌ای را عرض کنم که مرتبط با بحث دعا است. اینکه ما در باب «دعا» احتیاجی نداریم که سند روایت را درست کنیم. یعنی همین که دعایی به ما رسیده، بدون توجه به سند، می‌توانیم آن را بخوانیم و به وسیله آن خدا را صدا بزنیم. چرا؟ چون آنچه که نقل شده است «دعا» است. من هم همین «مضامین دعایی» را دارم تکرار می‌کنم. از طرفی هم آن همه روایات داشتیم که «دعا» کاربرد دارد و هیچ کدام از آن روایات تأثیر و کاربرد دعا را منوط به مآثور بودن و یا داشتن سند صحیح نکرده بود. پس چه اشکالی دارد که ما دعایی را که از معصومین رسیده است را بدون توجه به سند بخوانیم؟ روایاتی که در باب دعا بود همه این دعاها را نیز در بر می‌گیرد. چه‌طور است که دعای بنده را شامل می‌شود، ولی دعایی که از آن‌ها نقل شده و در سندش شبهه وجود دارد را نمی‌گیرد؟ این نکته‌ای است خصوصاً اهل علم دقت کنند!

بعضی‌ها یک سری احتمالاتی می‌دهند و در مسأله شبهه وارد می‌کنند که آقا اصلاً معلوم نیست سند این دعا تمام باشد! معلوم نیست این متن دعا هست یا نیست؟ می‌گوییم: بله، سندش تمام نیست اما اصلاً به سند کاری نداریم. ما می‌خواهیم «دعا» کنیم. آیا این اشکال دارد؟ ما مضمون این دعا را به معصوم استناد نمی‌دهیم. «دعا» می‌شود «دعای خودم». ما این همه روایت خواندیم که دعای غیرمآثور اثر دارد؛ پس دعا بُرد دارد. حالا می‌خواهد سندش درست باشد یا نباشد. «متن» را نگاه کن! اگر «دعا» است به سندش کاری نداشته باش! [۹] من این را گفتم برای آن‌هایی که اهلش هستند؛ مسأله یک وقت اشتباه نشود! این‌هایی را که بنده عرض می‌کنم، به حسب ظاهر، روی موازین است و همه‌اش حساب شده است.

ثواب و تأثیر قطعی است گر چه سندش قطعی نباشد

لذا ما وقتی وارد دعاهای مآثور می‌شویم مرادمان دعاهایی است که از معصومین برای ما نقل شده است و مضمون آن‌ها هم دعا است. ما راجع به این مطلب داریم بحث می‌کنیم. دعاهایی که از آن‌ها نقل شده است که اگر سند تمام بود چه بهتر، و اگر تمام هم نبود ولی متن و مضمون دعا داشت، مورد بحث ما است. غیر از این نوع دعا، دعاهایی است که من در ارتباط با حوائج خودم انشاء می‌کنم و از خدا درخواست می‌کنم که این غیر مآثور نامیده می‌شود و بحث آن گذشت. من خواستم این‌ها را مقدمتاً بگویم تا مطلب روشن شود. در این دعاهای مآثور، داعی ثوابش را که مسلم خواهد برد. در آن شبهه‌ای نیست و حتی فکر هم نمی‌کنم که کسی در آن تأمل کند، البته به شرط آن که این دعا را در موقع خودش بخوانی. پس این تقسیم‌بندی که من در مورد دعا کردم؛ مآثور و غیرمآثور، مراد این بود که مآثور یعنی آن دعاهایی که در روایات ما وارد شده است و غیرمآثور یعنی آن دعاهایی که من خودم انشاء می‌کنم. مثلاً وقتی بیماری دارم، می‌گویم: خدا شفا بدهد یا در مورد گرفتاری‌ها، هر نوع گرفتاری که دارم، معنوی، مادی، روحی، جسمی، می‌گویم: خدایا رفعتش کن! غیر مآثور را خودم انشاء می‌کنم. مآثور از معصوم، انشاء شده است.

ادعیه مآثور زمان دار

اما دعاهای مآثور؛ این دعاهایی که از معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) نقل شده است، در یک تقسیم‌بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ از یک دسته از این‌ها به «ادعیه موقت» تعبیر می‌شود؛ **دعاهای موقت**. یعنی چه؟ یعنی دعاهایی که انسان باید در زمان

خاص آنها را بخواند. مراجعه کنید به دعاهای روزانه، دعای روز شنبه، یکشنبه و... تا جمعه. یا هر روز ماه رمضان [۱۰] برای خودش یک دعا دارد. اینها همه ادعیه «موقتة» است. ماه رمضان، دعای شبانه دارد، سحرگاه دارد. اینها همه موقتة هستند که زمان در آنها مطرح است. پس **دعایی که ظرف زمان در آن مطرح است را موقتة می‌گوییم.**

گاهی دعاهای موقتة را باید بعد از یک عمل خاص انجام داد. البته من در باب شرایط و آداب دعا از نظر اثرگذاری عمل روی دعا، آنجا این مسأله را مطرح کردم که گاهی عمل روی دعا اثر می‌گذارد، ولی اگر عمل در یک ظرف خاص بود، قهراً این دعا هم در همان ظرف زمانی خاص مطرح می‌شود. گاهی هم دعاهای موقتة صرفاً در ظرف زمانی خاص مطرح هستند. ما در روایات داریم که مثلاً در شب کذا، این دعا را بخوان! یعنی در ظرف خاص، این دعا را بخوان. درباره لیالی، ایام، روزهای خاص سال و... دعای خاص داریم. ما از همه این دعاها به دعای موقتة، یعنی زمان‌دار تعبیر می‌کنیم. دعاهای مأثور موقت، یعنی دعاهایی که از ائمه نقل شده است و در ظرف زمان خاص باید خوانده شود. اینها یک دسته از دعاهای ما هستند. اما یک دسته دیگری از دعاهای ما هستند که در آنها «ظرف زمان» مطرح نیست، که زیاد هم هستند.

در قالب دعای مأثور نباید تصرف کرد

من یک بحث کلی و یک تقسیم‌بندی کلی کردم که دعاهای ما به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند موقت و غیر موقت. اما با یک تقسیم‌بندی دیگر که نسبت به هر دو دسته قبل هم مطرح است، دعا دو قسم است. گاهی اینطوری است که از نظر «قالب» اهمیت دارد و ما باید آن قالب و شکلی که دعا در آن وارد شده است را حفظ کنیم. نباید انسان در آن تصرف کند. یعنی به همان نحوی که نقل شده است باید خوانده شود؛ دقیقاً «همان متن». شما نباید از خودت چیزی را در آن وارد کنی، یا از آن بکاهی؛ نه زیادتی و نه نقص. اگر می‌خواهی به آن ثوابی که وعده شده است برسی، باید این قالب را حفظ کنی!

من اول اخبار من بلغ و اینها چیزها را گفتم برای این که بگویم اخبار من بلغ هم همین را می‌گوید. این که داشتیم «اگر فعلی را انجام دادی، آن وقت آن ثواب را به تو می‌دهند» معنایش چیست؟ یعنی این که این عمل را انجام بده؛ نه کم و نه زیاد. باید عین آن قالب را تو رعایت کنی، تا به آن ثواب برسی؛ چه از نظر ثواب و چه از نظر آثار، بین آن قالب‌ریزی آثار مترتبه بر آن که برای ما نقل شده است، رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی آن قالب‌ریزی را باید حفظ کنی تا به آن آثار دست بیابی.

در ادعیه مأثور دست نبرید!

این مسأله را می‌گوییم، چون خیلی مورد ابتلا است؛ ما می‌بینیم که بعضی در ادعیه مأثوره دست می‌برند. اینجا جای تعبد است. تعبد معنایش همین است، عبودیت معنایش همین است که همان آدابی را که گفته‌اند من باید حفظ کنم. از نفسم باید مراقبت کنم و نگذارم که در دعای معصومین دخالت کند. اینها بحث نفس است و هوای نفس است. اگر تعبد داری و بنده‌ای، همان‌طور که در روایت آمده است بگو؛ اگر بخوای چیزی غیر از آنچه که وارد شده را در دعا بگنجانی، کمی شبهه نفسانیت مطرح است. لذا باید آن قالب‌ریزی‌ها حفظ دقیقاً شود.

نه یک کلمه بیش! نه یک کلمه کم!

حالا من یک روایت بخوانم که گویا دو، سه سال پیش به مناسبتی من این روایت را، البته نه این‌طور مفصل خواندم. آنجا فقط یک تذکر دادم چون فکر نمی‌کردم این بحث چندین سال طول بکشد. عبدالله ابن سنان از اصحاب امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) و از بزرگان است، می‌گوید: «قال ابو عبدالله سَتُصِيبُكُمْ شَبْهَةٌ» حضرت صادق فرمود: به زودی برای شما شبهه‌هایی مطرح می‌شود، «فَتَبْتَفَوْنَ بِلَا عِلْمٍ يَرَى وَا لَا اِمَامٍ هُدًى» که دست‌رسی هم به رهبر و دانایی‌ای که شما را از شبهه بیرون بیاورد ندارید و سرگردان می‌شوید، «لَا يَنْجُو مِنْهَا اِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ»، نجات پیدا نمی‌کند از این شبهه مگر کسی که دعای غریق را بخواند. یعنی به خدا مثل کسی که در یک گردابی دارد غرق می‌شود، پناه ببرد. چنین کسی باید خود را به خدا بسپارد و از او مدد بخواند. «قُلْتُ وَ

كَيْفَ دُعَاءُ الْعَرِيقِ؟» از حضرت سؤال كردم كه دعای غریق چگونه است؟ «قال: فيقول» حضرت به من فرمود: این طور بگو: «قَالَ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» حضرت به او می گوید، این را بگو كه خدا دست را می گیرد و نمی گذارد سرگردان شوی، راه را بر تو باز می کند. [۱۱] «فَقُلْتُ» عبدالله ابن سنان در همان مجلس، می گوید من آنجا دعا را تکرار كردم و گفتم: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» همانجا خواستم دعا را بخوانم. «فَقَالَ (عليه السلام)» امام صادق (عليه السلام) گفت، «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ» در این شبهه ای نیست كه خدا مقلب القلوب و الأبصار است، «وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [۱۲] ولی همان طور كه گفتم تکرار كن!

ائمه به ارتباط میان ادعیه و آثارشان آگاه ترند

عبدالله سنان یک «و الأبصار» از خودش به آن اضافه كرد؛ آقا فرمود «یا مقلب القلوب»، او گفت: «یا مقلب القلوب و الأبصار»؛ حضرت فرمود درست است كه خدا این گونه است كه می گوئی، «مقلب القلوب و الأبصار» است: «ولكن قل كما أقول» ولی تو اینکه من می گویم را بگو! حفظ قالب یعنی این كه همان چیزی كه رسیده است را تکرار كنی. چرا كه از آن ها این طور رسیده است. پس چیزی به آن اضافه نكن. آنها بهتر از من و تو رابطه بین دعا و اثر مترتبه بر دعا را می دانند. آنها رابطه و اثرگذاری دعا و آن حاجت در نظر گرفته من و تو را خوب می دانند.

ربط یک كلمه، با نتیجه دعا

حالا دقت كنید و ببینید كه این دعا در چه قالبی است و چه جملاتی دارد، كه در آنچه كه هدف گیری کرده ای، اثرگذار است. او اینجا از خدا هدایت و رفع شبهه را طلب می كرد. من این را یک مقداری توضیح دهم كه چرا تفاوت دارد. شاید بگویید: یک «و الأبصار» به آن اضافه كرد؛ چیز مهمی كه اضافه نكرد! كه حضرت می گوید نه، این را نگو. همان «یا مقلب القلوب» را بگو!

اینجا مسأله هدایت و رفع شبهه مطرح است آن هم وقتی كه در شبهه قرار می گیری. وقتی در شبهه قرار گرفتی، دلت سرگردان می شود، نه چشمت. دل سرگردان می شود كه به كدام سو برود، نه چشم هایت! چه طور شد كه امام صادق (عليه السلام) فرمود: درست است كه خدا «مقلب القلوب و الأبصار» است، هم دل ها و هم چشم ها را می گرداند، و آنها را این طرف، آن طرف می كند، اما اینجا بحث، بحث چشم نیست. اینجا بحث دل است. اینکه من می گویم را تو بگو تا به آن چه نیاز داری برسی.

دلیل دقت محدثین، رعایت قالب بوده است

بنابراین در دعاهاى مأثور از ائمه (عليهم السلام) باید این قالب رعایت شود. مسأله قالبی را كه از آن ها به ما رسیده است باید مراعات شود؛ حالا هر دعایی می خواهد باشد، موقته یا غیر موقته. این را باید حفظ كرد. یک واو پس و پیش نباید كرد، دقیقاً همانی كه رسیده است را باید خواند. لذا شما اگر نگاه كنید می بینید محدثین ما خیلی دقیق بودند، كتاب های دعا را نگاه كنید، مطلب نسخه بدل را در کنار متن اصلی می نویسند. برای این كه می خواهند كاری نكنند كه از آنچه كه معصومین گفته اند تخلف شود. شما این را دیده اید و در ادعیه هم در خیلی از موارد ما برخورد می كنیم و می بینیم كه حتی یک كلمه، نسخه بدلی دارد. این را می گذارند، برای این كه می خواستند رعایت كنند كه همان قالب ریزی هایی باشد كه ائمه (عليهم السلام) کرده اند. همه اینها حساب شده است. — انشاء الله — جلسه بعد سراغ تقسیم بندی روم خواهیم رفت.

ذكر مصیبت بازگشت کاروان حسینی به مدینه

ما خیلی التماس دعا داریم. در جلسات گذشته من عرض كردم كه اهل بیت حسین (عليه السلام) وقتی كه از كربلا آمدند، یک ورود به كوفه، یک ورود به شام و یک ورود هم به مدینه داشتند. در تاریخ دارد بعد از آن ماجراهای كذایی كه گذشت، یزید خواست

تلافی کند و رسوایی‌اش را بر طرف کند، لذا گفت: کاروان را مجلل برگردانید. فردی، بشیر نام، مأمور شد که این خاندان را از شام به مدینه ببرد.

این‌ها به نزدیک مدینه رسیدند. امام زین‌العابدین (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند: اینجا در بیرون شهر مدینه توقف کنید و محمل‌ها را زمین بگذارید! حضرت بشیر را خواست و به او گفت: خدا پدرت را رحمت کند! پدرت شاعر بود. تو هم از شعر بهره‌ای داری؟ حضرت او را می‌شناخت. گفت: «بلی یابن رسول الله» حضرت فرمود: برو در مدینه و به مردم بگو که ما از سفر برگشتیم. دارد بشیر آمد، وارد شهر شد و سوار مرکب بود. آن موقع هر وقت خبر مهمی را می‌خواستند بگویند، می‌آمدند و در مسجد اعلام می‌کردند. بشیر با یک هیئت عزاداری وارد شد و می‌گفت: «الصلاة الصلاة الصلاة». مردم گفتند: چه شده ای بشیر؟ گفت: همه شما مسجد پیغمبر بیابید، من آنجا برای شما می‌گویم که چه خبر است.

من در تاریخ دیدم مدینه در سه روز جمعیتی به خود دید که دیگر تکرار نشد. یکی روز وفات پیغمبر اکرم، یکی روز وفات امام صادق (علیه‌السلام) و یکی هم روز ورود زین‌العابدین (صلوات‌الله‌علیه) به مدینه بود. همه از خانه‌ها بیرون ریختند و به مسجد آمدند که چه خبر شده است! بشیر شروع کرد این اشعار را خواندن: «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ بِهَا» اهل مدینه دیگر مدینه جای ماندن نیست. چرا؟ «فَتِلَّ الْحُسَيْنُ فَأَذْمَعِي مِذْرَارُ» حسین را کشتند، دیگر مدینه بی حسین، به چه درد می‌خورد. بعد این جملات را گفت: «الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُصْرَجٌ» بدنش روی خاک‌های زمین کربلا است. «وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاطِ يُدَارُ» [۱۳] سرش را به نيزه‌ها زدند و دور شهرها گشتند. محشر کبرایی برپا شد.

مردم که خبر نداشتند چه شده است؟ گفت: بروید بیرون شهر، آنجا خاندان حسین (علیه‌السلام) آمده‌اند از آنها استقبال کنید. در شهر همه‌همه شد. سر و صدا و ضجه بلند شده بود. در تاریخ دارد که محمد حنفیه برادر حسین (علیه‌السلام) در خانه بیمار بود. دید خیلی وضع شهر شلوغ است، از غلامش سؤال کرد که چه خبر است؟ چه شده؟ گفت: هیچی، برادرت از سفر برگشته است. گفت: من را به استقبال او ببرید. گفتند: آخر حال شما مساعد نیست، شما بیمارید. گفت: یک مرکب بیاورید. دارد محمد حنفیه سوار مرکب شد، همین که از شهر خارج شد و صحنه را دید، غش کرد و از مرکب به زمین افتاد.

یک وقت چشم‌هایش را باز کرد، دید سرش در دامن زین‌العابدین (صلوات‌الله‌علیه) است. یک جمله به او گفت. گفت: «یابن أخی این أخی الحسین» برادرزاده! بگو ببینم برادرم حسین کجا است؟ حضرت جواب داد: «یا عماه أیتیک یتیمان» عمو من یتیم نزد تو آمده‌ام.

[۱]. بحارالانوار ۹۱ ۹۶

[۲]. روایات ما این‌طور است که توسط راویان و اصحاب ائمه ثبت و ضبط می‌شده و نسل بعد النسل منتقل می‌گشته است. کسانی که روایت را از امام نقل می‌کنند در اصطلاح سند روایت هستند. لذا هر روایت و حدیثی که ما داریم دارای اسنادی است، که دقیق و کامل ثبت و ضبط شده است. اما ممکن است بعضی از روایات، از نظر سندی تمام نباشد، یعنی تمام کسانی که این روایت را از امام معصوم نقل کرده‌اند، مشخص و مورد اعتماد نباشند.

[۳]. من چون مطالبی دارم می‌خواهم اینجا عرض کنم که آن‌هایی که اهل فن هستند چون من وارد بحث بشوم، به آن‌ها تذکری هم بدهم که این موضوع بحث ما نیست.

[۴]. وسائل الشیعة ۱ ۸۱

[۵]. الکافی ۲ ۸۷

[۶]. همان

[۷]. البته این از بحث‌هایی است که ما در مدرسه کرده‌ایم.

[۸]. این‌ها دعوای علمی ما در مدرسه است که اینجا جای آن نیست.

[۹]. کسی که این بحث‌ها را مطرح می‌کند، صرفاً یک چیزی وسط انداخته و خیال کرده که چیزی می‌داند و سواد دارد؛ البته خیال کرده است که مطلب را فهمیده است.

[۱۰]. البته حالا که ما در ماه رمضان هستیم و هنوز این ماه تمام نشده است، مثال مناسب بزنیم.

[۱۱]. «یا الله یا رحمن یا رحیم» سه مورد از نام‌های خداوند که یکی اشاره به ذات دارد و دو مورد هم از صفات خدا است. «یا الله» ذات مستجمع جمیع صفات است و

[۱۲]. بحار الأنوار ۹۲ ۳۲۶

[۱۳]. بحار الأنوار ۴۵ ۱۴۷

جلسه ۲۷ - تقسیمات سه‌گانه بندگان

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما راجع به این بود که ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام ربّ، یعنی تلاوت قرآن است و ماه سخن گفتن عبد با ربّ، یعنی دعا است که دعا هم مأثور و غیرمأثور دارد. بحث‌های ما تا اینجا راجع به دعاهای غیرمأثور بود که اینها دارای آداب و شرایطی هستند. اما در ارتباط با دعای مأثور جلسه قبل وارد بحث شدیم و «مأثور» را معنا کردم که عبارت است از دعاهایی که از معصومین (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) نقل شده است و عرض کردم دعاهای مأثور، موقته و غیرموقته دارد که این‌ها را در جلسه گذشته توضیح دادم.

در دعاهای مأثور دو بحث مطرح است؛ بحث اول آن را در جلسه گذشته عرض کردم که انسان باید دعا را در همان قالبی که نقل شده است بخواند و نباید آن قالب را عوض کند؛ چه حذف کردن، چه اضافه کردن. روایتی را هم از عبدالله بن سنان که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده بود، مطرح کردم و جهتش را هم عرض کردم که دعاهایی که مأثور هستند و ائمه این دعاها را به ما آموخته‌اند، رابطه‌ای بین آن دعاها با آن حاجتی که انسان در نظر گرفته است وجود دارد و چون رابطه هست، لذا اگر کسی بخواند در دعا تصرف کند، قهراً با تغییر قالب، باعث بر هم خوردن آثار دعا می‌شود.

مطلب اول؛ منع از «سجع» در دعا

در جلسات گذشته من یک بحثی را در ارتباط با قالب دعاهای غیرمأثور مطرح کردم. [۲] گفتیم دعای غیرمأثور، یعنی دعاهایی که عبد مجاز است خودش قالب‌ریزی کند و حاجاتش را از خدا بخواهد و با زبان خودش دعا کند. در آنجا من بحثی را مطرح کردم و روایات متعددی هم وجود داشت که از اینکه در دعاهایتان سراغ «سجع» بروید، بپرهیزید. این تعبیر در آن روایات وجود داشت. یعنی در دعاهایی که خودتان قالب‌ریزی می‌کنید، «عبارت‌پردازی» نکنید. من فقط می‌خواستم تذکر بدهم که من مجازم خودم دعایم را قالب‌ریزی کنم، ولی باید از عبارت‌پردازی بپرهیزم.

در دعا سرگرم «عبارت‌پردازی» نشو!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ السَّجَّعَ فِي الدُّعَاءِ بِحَسَبِ أَحَدِكُمْ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَ مَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَ مَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ». [۳] خدایا، من بهشت را از تو درخواست می‌کنم و آن گفتار و کرداری که من را به آنجا نزدیک می‌گرداند و از آتش و هر گفتار و کرداری که موجب نزدیک شدن به آتش می‌شود، به تو پناه می‌برم. حضرت اول می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ السَّجَّعَ فِي الدُّعَاءِ»؛ یعنی سراغ عبارت‌پردازی کردن در دعا نروید. با اینکه در ادعیه غیر مأثور قالب‌ریزی دعا در اختیار من است و قالب دعا را به خودم واگذار کرده‌اند تا در آن قالبی که دوست دارم، خواسته‌ام را مطرح کنم؛ اما حضرت به ما سفارش می‌کنند حالا که می‌خواهی قالب‌ریزی کنی، به «عبارت‌پردازی» سرگرم نشو؛ هرچه به ذهنت می‌آید را راحت بگو. همین خواستن کافی است.

«روح دعا» این الفاظ نیست

می‌خواهم به این نکته توجه دهم که هر چند قالب دعا در ادعیه غیر مأثور به خودت واگذار شده است که هر چه را که می‌خواهی بگویی بگو، اما گفته‌اند در عبارات و الفاظ گیر نکن که مثلاً دعایت را ساخته و پرداخته کنی. سراغ این حرف‌ها نرو؛ چون روح دعا این الفاظ نیست. چه رسد که دعا، دعای مأثور باشد؛ یعنی به صورت قالب‌ریزی شده تحویل من و تو شده باشد. اینکه من جلسه گذشته روایت عبدالله بن سنان را خواندم، برای این بود که بدانید همه اینها حساب شده است. حتی من بعضی از روابط را عرض کردم که دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. این مطلب اول در باب دعاها می‌آورد بود.

مطلب دوم؛ بررسی کلی مضامین «ادعیه مأثوره»

اما مطلب دوم؛ چون این مطلب از آن سؤال‌هایی است که زیاد به ذهن «اهل دعا» می‌آید، من به آن اشاره می‌کنم و مطلب هم در ارتباط با مضامینی است که در ادعیه وارد شده است. ما در بعضی از ادعیه مضامینی داریم که این سؤال را برای انسان ایجاد می‌کند که آیا این دعاها واقعاً زبان حال خود حضرات معصومین است؟ به عنوان مثال به همین دعایی که در سحرهای ماه مبارک رمضان وارد شده و می‌شود گفت که از نظر مضامین تقریباً از بهترین دعاها است، اشاره می‌کنم. دعای ابوحمزه ثمالی از دعاهایی است که در ماه مبارک رمضان به آن خیلی سفارش شده است. در همان اول دعا زین‌العابدین (علیه السلام) عرضه می‌دارد: «إِلَهِي لَأَتُودِّئِي بِعُقُوبَتِكَ وَ لَأَتَمَكَّرُ بِبِي فِي حَيْلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَ لَأُيُوجِدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَ مِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاةُ وَ لَأَسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ». [۴] خدایا مرا به عقاب خودت ادب مفرما! به مکر و حیل‌ها برای مجازات عمل، به عقوبت ناگهانی غافل‌گیرم نکن. [۵] ای خدا، کجا خیری می‌توانم دریافت کنم در صورتی که خیر جز پیش تو نیست؟ از کجا راه نجاتی خواهم جست و حال آنکه جز به لطف تو نجات میسر نیست؟...

مضامین سؤال برانگیز!

سؤال این است که این جملات از زبان کیست؟ آیا از زبان معصوم است که: «إِلَهِي لَأَتُودِّئِي بِعُقُوبَتِكَ»؟ آیا امام معصوم می‌گوید: «وَ لَأَتَمَكَّرُ بِبِي فِي حَيْلَتِكَ»؟ این سؤالات در ذهن خیلی از آن‌هایی که اهل دعا هستند می‌آید. یا دعای کمیل را که دیگر همه خوانده‌اید، چقدر از این تعبیرات در آن است! حالا من این را به عنوان نمونه که متناسب با ماه مبارک رمضان بود، خواندم.

ما الآن وارد بحث مضمون ادعیه شده‌ایم و دیگر با قالب‌ریزی و الفاظ دعا کاری نداریم. الآن معانی را بررسی می‌کنیم. مطلب چیست که معصومین این دعاها را می‌خوانند؟ به حسب ظاهر این به ذهن می‌آید که حضرات ائمه (علیهم السلام) از اموری مثل مکر و عقوبت الهی، منزه‌اند. ساحت مقدس ایشان از این حرف‌ها منزه است. پس چه طور است که این چیزها را در دعاهایشان مطرح می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال باید دید که وجوه مختلف ادعیه مأثوره چیست؟

وجوه سه‌گانه مضامین ادعیه مأثوره

به طور کلی مضامین دعاهای مأثور، وجوه و انواعی دارد که اگر این وجوه را بشناسیم، بسیاری از این مشکلات حل خواهد شد. من سه وجه را برای مضامین دعا بیان می‌کنم تا مطلب روشن شود. یک وجه آن جنبه تقریباً همگانی دارد و در یک حدی است که همه می‌فهمند.

اهل بیت، مظهر صفات ربّ

ابتدا یک مقدمه می‌گویم و بعد وارد مطلب اصلی می‌شوم. حرف‌های من را جمله‌به‌جمله گوش کنید! مقدمه این است که معصومین (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) «مظهر» صفات ربّند. این مطلب را اهلش می‌دانند. یعنی صفات الهیّه، نسبت به ایشان تجلّی کرده است. لذا همان‌گونه که خداوند، «ربّ» است - «ربّ» به معنای پرورش دهنده - و نسبت به همه بندگان، چه در ابعاد مادی و چه در ابعاد معنوی، ربوبیت دارد و آنها را پرورش می‌دهد، اهل بیت هم که مظهر ربوبیت حقّند، همان کار را می‌کنند. یعنی بندگان خدا را در ابعاد مادی و معنوی پرورش می‌دهند.

ربوبیت اهل بیت در ابعاد مادی و معنوی بندگان

در بُعد مادی دستوراتی وجود دارد که به آن «احکام شرعیّه» می‌گوییم و در ربط با اعمال و مسائل مادی و دنیوی مطرح است و در ارتباط با بُعد معنوی عباد هم، همین کار را می‌کنند و چون مظهر ربوبیت حق هستند، از بندگان دست‌گیری کرده و راه سعادت را به آنان نشان می‌دهند. لذا ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) بندگان خدا را چه در بُعد مادی و چه در بُعد معنوی، پرورش می‌دهند. این یک مقدمه کلی بود که گفتم.

وجه اول؛ ربوبیت در دعا

وجه اول دعاهای مأثور این است که ائمه اطهار برای تربیت بندگان جملاتی را انشا فرموده‌اند که از «ساحت آنها» به دور است. توضیح اینکه یکی از ابعاد معنوی انسان عبارت از «دعا» است. اهل بیت هم در این بُعد، ربوبیت دارند. شاید شما این اصطلاح و تعبیر «ربوبیت در دعا» را نشنیده باشید؛ آنهایی که اهلش هستند خوب حرف‌های من را گوش کنند؛ چه بسا بعضی از مشکلات حل شود! ائمه معصومین (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) چون مظهر صفات ربّند، نسبت به بندگان خدا در ابعاد گوناگون ربوبیت دارند و یک بُعد از ابعاد معنوی انسان هم بُعد «دعا» است. ایشان در آن بُعد هم انسان‌ها را پرورش می‌دهند که از آن به «ربوبیت در دعا» تعبیر می‌کنیم.

ربوبیت در دعاهای مأثور و غیرمأثور

ربوبیت در دعا به دو نحو است؛ اول اینکه در آنجایی که من می‌خواهم با خدا حرف بزنم، به من می‌گویند چگونه حرف بزن؛ که این بحث چند ساله ما بود و گذشت؛ یعنی بحث دعای غیرمأثور و شرایط و آداب آن. اگر خودت می‌خواهی با خدا حرف بزنی، بزن. مجاز هستی و حتی خود خدا هم گفته است که با او حرف بزنی، اما این آداب و شرایط را در دعا کردن رعایت کن. با این دستورات معنوی، بندگان پرورش می‌یابند. این ربوبیت در دعا است. دوم هم در ادعیه مأثور است که بندگان را تربیت می‌کنند. در دعای مأثور به من و تو می‌گویند بیا تا ما به تو یاد بدهیم که چه بگویی تا مشکل حل شود. بیا من به تو یاد می‌دهم. می‌خواهی با خدا حرف بزنی؟ شب‌های ماه مبارک رمضان، بگو: «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ». این هم ربوبیت در دعا است.

عاصی همه را به کیش خود پندارد!

یک وقت اشتباه نکنید! چون تا حالا نمی‌دانستیم که آنها ربوبیت دارند، طبیعتاً این به ذهنمان می‌آمد که این جملات چه نسبتی با مقام بالای آنان دارد؛ خیال می‌کردیم که حضرات مثل ما هستند؛ عاصی همه را به کیش خود پندارد! فکر می‌کند معنای این

جملات، همان چیزی است که در مورد خودش صادق است. حال آن که «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ» به این معنا نیست؛ بلکه اینجا باید گفت «جانا سخن از زبان ما می‌گویی!» این جمله از طرف ما صادق است. مسأله این است؛ نه اینکه ایشان برای خودشان این چیزها را بخواهند. به علت ربوبیت آنها در دعا است که دعایشان را در این مضامین قالب‌ریزی می‌کنند و تحویل من و تو می‌دهند. به ما می‌فرمایند می‌خواهی با خدا حرف بزنی؟ ما به تو یاد می‌دهیم که چه بگویی؛ این‌ها را بگو.

بسیاری در اینجا اشتباه کرده‌اند و دقت نداشته‌ند که آن‌ها چه کسانی هستند و چه وظیفه‌ای دارند. اهل بیت مثل خدا باید عباد را پرورش دهند؛ لذا ربوبیتشان در دعا همین اقتضا را می‌کند؛ چه دعاهای غیرمأثور و چه مأثور. لذا تمام آنچه که وارد شده است هیچ مشکلی ندارد. این یک وجه مسأله بود.

وجه دوم؛ دعا بر بلندای ساحت خویش

وجه دوم دعاهای مأثور این است که ما می‌بینیم در بین این دعاها، مضامینی وجود دارد که از «ساحتِ ما» به دور است. وجه اول، مضامینی بود که از «ساحتِ آنها» به دور است و ایشان منزه‌ند؛ وجه دوم، مضامینی است که از «ساحتِ من و تو» به دور است. چه بسا شاید در تخیل ما هم ننگ‌جد. مثلاً در دعای کمیل این جمله‌ها آمده است: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَبْرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ». [۶] این حرف‌ها از ساحت بنده و شما به دور است که بگوییم ای سید من، ای مولای من، ای پروردگار من، گیرم که بر آتش عذاب تو صبوری کردم، چگونه بر فراق تو صبر کنم؟! ظاهراً این جملات هیچ ربطی به من و شما ندارد! اینها هم یک‌سری از مضامین دعاهای ما است که به خود آن حضرات مربوط می‌شود. یک وقت اشتباه نشود! هیچ مانعی نیست که بعضی از مضامین در ادعیه وجود داشته باشد که فقط مرتبط با خود آنها باشد و به ما مربوط نباشد.

تقسیمات سه‌گانه بندگان

اینجا یک بحث مطرح است که من اشاره‌وار آن را می‌گویم و تقسیم‌بندی می‌کنم. ما اگر بخواهیم انسان‌ها را به‌طور ابتدایی تقسیم‌بندی کنیم، انسان‌ها سه دسته‌اند؛

دسته اول؛ اهل دنیا و مغلوب‌های نفسانی

یک دسته کسانی هستند که مغلوب‌های نفسانی هستند. یعنی هواهای نفسانیّه افسارگسیخته، بر آنها حکم‌فرمایی می‌کند و به تعبیر اهل معرفت، دل اینها تحت تصرف شیطان قرار گرفته است. اسم اینها را می‌گذاریم «ابناء دنیا» یا «دنیاداران». یعنی اینها طوری هستند که هر چه را که نفسشان بخواهد، انجام می‌دهند. یعنی در انجام کارهای نامشروع، هیچ باکی ندارند. ما می‌گوییم اینها مغلوبین هوای نفسانیّه افسارگسیخته‌اند. به یک معنا این‌ها مطلقاً مغلوبند.

دسته دوم؛ اهل آخرت، هم غالب بر نفس و هم مغلوب نفس

گروه دوم کسانی هستند که قلوب آنها نسبت به هواهای نفسانیّه افسارگسیخته، مغلوب نشده است؛ بلکه نفس و خواسته‌هایش را مهار کرده‌اند. اینها مقید هستند که خلاف شرع نکنند. در مواردی که مثلاً شهوت و غضبشان تقاضایی دارد، جواب مثبت به او نمی‌دهند. البته این مهار کردن‌ها با وعده و وعیدهای الهی در درونشان میسر می‌شود. یعنی با توجه به امور اخرویّه، اعم از وعده بهشتی که خداوند به آن‌ها داده است و از آن طرف هم وعید آتش و جهنم، نفس را مهار می‌کنند. اینها با توجه به این وعده و وعیدها، میان خواسته‌های نفسانی و امور اخروی معادله می‌کنند که کامیابی موقت بهتر است یا دائم؟ خالص بهتر است یا ناخالص؟ لذا خواسته‌های نامشروع نفس را که از آن به هواهای نفسانی تعبیر می‌کنیم، این‌ها را مهار می‌کنند.

این گروه از انسان‌ها، هم مغلوب نفسند و هم مغلوب نیستند؛ یعنی از جهتی غالبند و از جهتی مغلوبند. اما اینکه غالبند، برای اینکه توانسته‌اند جلوی خواسته‌های نامشروع نفس را بگیرند. مغلوب بودنشان برای این است که دوباره به همان خواسته‌های نفسانی فکر می‌کنند و در قید آن هستند؛ اما به وعده الهی دل خوش کرده‌اند و می‌خواهند در جای دیگر، یعنی در بهشت به آن برسند. غالبند، چون جلوی نفس را در اینجا گرفته‌اند و مغلوبند، چون در پی خواسته‌های نفسند. به او گفته‌اند که در آنجا به تو می‌دهیم و او هم برای همین از لذت این دنیا دست بر می‌دارد. **اینها هم غالبند و هم مغلوب.**

دسته سوم؛ اهل الله و بدون هوای نفس

دسته سوم کسانی هستند که به‌طور کلی از نظر خواسته‌های نفسانی، اصلاً دل‌بستگی ندارند؛ نه به هواهای نفسانی نامشروع دل‌بسته‌اند و نه به خواسته‌های نفسانی مشروع؛ به هیچ‌کدام از این خواسته‌های نفسانی دل‌نسته‌اند. اصلاً خواسته‌های نفسانی را قطع کرده‌اند. هیچ لذتی از التذادات نفسانیه قلوب آن‌ها را تسخیر نکرده است. اینها اهل‌الله‌ند.

این یک تقسیم ابتدایی بود. حالا یک روایت می‌خوانم و دیگر بحثم را جمع می‌کنم. پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «الدُّنْيَا حَرَامٌ عَلَىٰ أَهْلِ الْآخِرَةِ»؛ دنیا بر اهل آخرت حرام است. این بخش از روایت درباره دسته دومی‌ها است. در ادامه می‌فرمایند: «وَالْآخِرَةُ حَرَامٌ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا»؛ این عبارت هم برای دسته اولی‌ها است که آخرت بر اهل دنیا حرام است. اما بعد می‌فرمایند: «وَهُمَا مَعًا حَرَامَانِ عَلَىٰ أَهْلِ اللَّهِ» [۷]. هر دو، یعنی هم دنیا و هم آخرت، برای اهل‌الله حرام است؛ اهل‌الله تعالی نه التذادات نفسانیه دنیویه را می‌خواهد، نه التذادات نفسانیه اخرویه را، هیچ‌کدام را نمی‌خواهد؛ بلکه خود خدا را می‌خواهد.

صبر بر عذاب و بی‌تابی بر فراق!

این تفسیر و توضیح همان عبارتی است که در دعای کمیل می‌خوانیم. من می‌خواستم این دعا را کمی تبیین کرده باشم که داشت: «فَهَيْبَتِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَبْرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ». حضرت در این دعا این را می‌گوید. علی(علیه‌السلام) می‌گوید:

گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

حضرت این مطلب را می‌گوید و این دعا و این خواسته هم در سطح معرفتی خود ایشان است و ربطی به من و شما ندارد. البته یک وجه سومی هم در مضامین ادعیه ماثور هست که بعداً می‌گویم؛ شاید سال بعد وارد آن شوم. چون بحث دعا‌های ماثور را نتوانستیم بیش از این وارد شویم، این‌شاء‌الله بعداً پیش می‌رویم.

ذکر مصیبت حضرت رضا(علیه‌السلام)

من بروم سراغ ذکر مصیبت؛ ما این جلساتمان را از امام هشتم(علیه‌السلام) داریم. هیچ تعارف هم نداریم. یادم هست که من شب‌ما قبل آخر سال گذشته هم این مطلب را گفتم. می‌خواهم امشب به امام هشتم(علیه‌السلام) توسل پیدا کنم. برویم مشهد؛ التماس دعا دارم. این روایت را هم شیخ مفید نقل می‌کند و هم شیخ صدوق؛ تعبیری که اینها دارند این است که به امام هشتم(علیه‌السلام) تبتی هم عارض شده بود و مختصر کسالتی هم داشتند. مأمون به یکی از غلام‌هایش دستور داد که ناخن‌هایش را بلند کند؛ زیر ناخن‌هایش زهری تعبیه کرد، برای اینکه می‌خواست آن سمی را که مورد نظرش بود، به حضرت بخوراند.

در اینجا روایات مختلف است. روایتی می‌گوید مأمون گفت انار آوردند و آن‌ها را به غلامش داد و گفت که این‌ها را برای حضرت دانه کن. آماده که شد، مأمون به امام هشتم(علیه‌السلام) گفت که میل کنید. حضرت خودداری کردند، اما او اصرار کرد. باز حضرت

خودداری کرد. بالأخره مأمون قسم یاد کرد و گفت باید در حضور من این‌ها را بخورید و حضرت را تهدید کرد. در آن روایت دارد که وقتی حضرت چند قاشق از آن دانه‌های انار را خوردند، مأمون از جایش حرکت کرد و رفت.

در روایت دارد طولی نکشید که زهر در حضرت تأثیر کرد. زهر خیلی عجیبی بود. بسیاری از ائمه ما را مسموم کردند، اما اثرگذاری زهرها طول می‌کشید. بیماری حضرات ائمه (علیهم‌السلام) چند روز طول می‌کشید. فقط این منحصر به امام هشتم (علیه‌السلام) است که ابصالت می‌گوید طولی نکشید که حضرت پنجاه مرتبه بلند شد و نشست. تعبیر این است: «يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ»؛ یعنی حضرت مثل مارگزیده به خودش می‌پیچید...

ابصالت می‌گوید حضرت رو کرد به من و گفت برو همه درهای خانه را ببند و کسی را راه نده؛ ابصالت رفت و حضرت در بستر قرار گرفت. می‌گوید حال من، خوب معلوم است که چه حالی بود؛ مغبون و مغموم بودم. در صحن خانه ایستاده بودم. یک‌وقت دیدم نوجوانی آنجا است. تعجب کردم؛ چون من درها را بسته بودم؛ او از کجا آمد؟ جلو رفتم و گفتم آقا، من همه درها را بسته بودم؛ شما از کجا آمدید؟ گفت ای ابصالت آن خدایی که مرا در یک لحظه از مدینه به طوس آورد، از در بسته هم وارد می‌کند. گفتم شما که هستید؟ گفت من حجت خدا بر تو هستم. محمد بن علی هستم. آمده‌ام پدر مظلوم معصوم و مسموم خود را ببینم و با او وداع کنم.

می‌گوید دیدم حضرت رفت به سمت همان اتاقی که امام هشتم (علیه‌السلام) بود و وارد شد. من هم آمدم؛ تا چشم امام هشتم (علیه‌السلام) به فرزندش افتاد، از جا حرکت کرد و پسر را در بغل گرفت و شروع کرد او را بوسیدن. این طبیعی است که هنگام وفات پدر، پسر بیاید، اما اگر هنگام وفات پسر، پدر بیاید چه؟ اینجا پسر آمد و پدر از جا حرکت کرد، ولی کربلا پدر که آمد، پسر نمی‌توانست حرکت کند. می‌نویسند «فَجَلَسَ عَلَى التُّرَابِ»؛ حسین روی خاک‌ها نشست؛ «وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى جِجْرِهِ»؛ سر پسر را به دامن گرفت. جملاتی گفت، اما دلش که آرام نگرفت، «فَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ»؛ صورت به صورت علی گذاشت...

[۱]. بحارالانوار ۹۱ ۹۶

[۲]. امسال، سال چهارم بحث ما است. سال دوم یا سوم بود که به این نکته اشاره کردم.

[۳]. شرح نهج البلاغه ۶ ۱۹۶

[۴]. بحارالانوار ۹۵ ۸۲

[۵]. شاید مراد «عقوبت پنهانی» باشد به نحوی که حتی خودم هم نفهمم. من نمی‌خواهم وارد این دعا شوم ولی این بحث خودش را دارد.

[۶]. بحارالانوار ۶۷ ۱۹۶

[۷]. عوالی اللالی ۴ ۱۱۹

جلسه ۲۸- خداحافظ ای ماه بزرگ خدا!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ أَسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان، ماه بازگو کردن کلام رب یعنی تلاوت قرآن و ماه سخن گفتن عبد با رب یعنی دعا است. دعا را هم تقسیم‌بندی کردیم به مأثور و غیرمأثور که دارای آداب و شرایطی است. بحث دعای غیرمأثور تمام شد و وارد بحث دعای مأثور

شدیم و فقط مقدمه کوتاهی برای آن مطرح کردیم که دیگر فرصت نداشتیم بیش از این، به مسأله پردازیم و این بحث را ادامه دهیم. لذا من جلسه گذشته عرض کردم که چون فرصتی برای ادامه بحث نیست، بحث دیگری را شروع می‌کنیم.

من پیش از ماه مبارک، این‌طور هدف‌گیری کرده بودم که در ماه مبارک رمضان، راجع به دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه امام زین‌العابدین (صلوات الله علیه) بحث کنم که حضرت این دعا را هنگام دخول ماه مبارک رمضان می‌خواندند. می‌خواستیم آن دعا را مطرح کنیم، که دیگر فرصت نشد. تقدیر الهی غیر از این را برای ما رقم زد. با خود گفتیم: حالا که به آن بحث نرسیدیم، لااقل در این جلسه که به حسب ظاهر، شب آخر ماه مبارک رمضان است، دعای وداع امام زین‌العابدین (صلوات الله علیه) را از صحیفه که دقیقاً بعد از دعای دخول ماه مبارک است، مطرح کنیم. این‌طور نقل شده که وقتی ماه رمضان تمام شد، حضرت در روز آخر ماه مبارک رمضان، این دعا را می‌کردند که دعای چهل و پنجم صحیفه است.

طرح بحث

من قبل از اینکه وارد این بحث شوم، تذکر بدهم که من الان نمی‌خواهم دعا را شرح کنم. یک وقت اشتباه نشود! من نمی‌خواهم در این «یک جلسه» وارد دعای صحیفه شوم. چون آن بحث، به چندین جلسه نیاز دارد. من فقط آن جملاتی را که زین‌العابدین (صلوات الله علیه) به عنوان خداحافظی با ماه مبارک رمضان می‌فرماید، تا حدی که بشود، مطرح می‌کنم. شاید حدود بیست تعبیر در این دعا وجود دارد که حضرت می‌گوید ای ماه رمضان، خداحافظ!

من مقدمه‌ای را در ابتدا عرض می‌کنم و بعد تا آن مقداری که بشود وارد این خداحافظی‌های امام زین‌العابدین با ماه مبارک رمضان می‌شوم.

نکته اول؛ زمان امری انتزاعی است

من نکاتی را برای اهل فن و برای روشن شدن آن‌ها عرض می‌کنم. آقایان علماء، در جای خود، بحثی دارند درباره این که زمان چیست؟ این بحث در مسائل کلامی مطرح است. ما می‌گوییم زمان از حرکت انتزاع می‌شود و تعبیر می‌کنیم که زمان یک امر انتزاعی از حرکت است. من نمی‌خواهم وارد آن بحث‌ها شوم، فقط یک نکته را اشاره می‌کنم. چون حضرت در این دعا به ماه مبارک خطاب می‌کند، **من می‌خواهم بگویم خطاب به ماه، که زمان است یعنی چه.**

گفتیم زمان از حرکت انتزاع می‌شود و «حرکت انتزاعی» می‌شود «زمان» و اهلش تعبیر می‌کنند که حرکت «راسمه زمان» است. یعنی حرکت زمان را ترسیم می‌کند. از یک حرکت، یک زمان خاص، انتزاع می‌شود. پس این که ما بحث کردیم که بعضی زمان‌ها قداست دارد، یعنی یک قطعه از «حرکت» مقدس است که از آن یک زمان خاص انتزاع شده است. مثلاً از نظر روزها، شب‌ها یا ماه‌ها، این قطعه از حرکت که راسم زمان خاصی است، دارای قداست است، در حالی که ما تعبیر می‌کنیم و می‌گوییم زمان خاص قداست دارد. یعنی این حرکت که یک زمان خاص را ترسیم کرده است، دارای قداست است.

تمثّل این ماه برای زین‌العابدین (صلوات الله علیه)

این مطلب را برای اهلش گفتیم که بدانند من به این نکات توجه دارم. یک دفعه نگویند که زمان امر انتزاعی است، پس چه‌طور می‌گویید زمان دارای قداست است؟ پاسخ این است که این قطعه از حرکت، که راسم زمان خاصی است، قداست پیدا می‌کند و آن دارای آثار می‌شود و همه آن مسائلی که در باب زمان‌ها مطرح کردیم، به همین معنا است که این حرکت است که واقعیت دارد و دارای تقدس است و چون قطعه‌ای از زمان را ترسیم می‌کند، ما می‌گوییم آن زمان، دارای قداست است. زین‌العابدین (صلوات الله علیه) هم در این دعا، گویی زمان را به نحوی متمثّل می‌کنند و به این قطعه مقدسه از زمان خطاب می‌کنند که از حرکت گرفته شده است. این اجمال مطلب بود که برای اهلش گفتیم.

نکته دوم؛ معنای دیگر «السلام علیک» یعنی «خداحافظ»

و اما مسأله دیگری را هم عرض کنم، و آن این است که در محاورات عربی، چه بسا در آداب شرعیه ما هم این طور باشد؛ هم در هنگام ورود به شخص سلام می کنند و هم هنگام خروج و وداع؛ یعنی دو نفر وقتی که به هم می رسند، به هم سلام می کنند و وقتی که می خواهند از هم جدا شوند نیز سلام می کنند. ولی ما در محاورات، هنگام برخورد «سلام» می کنیم و هنگامی که می خواهیم جدا شویم، می گوییم: «خداحافظ» عرب زبانان به جای «خداحافظ» مثل هنگام برخورد، می گویند: «السلام علیک».

وداع حضرت سجاد(علیه السلام) با ماه مبارک رمضان

من این را عرض کردم به خاطر این که در جملاتی که از زین العابدین (صلوات الله علیه) تحت عنوان دعای وداع نسبت به ماه مبارک رمضان آمده است، از این تعبیر بسیار استفاده شده است. من فقط آن جملاتی را که حضرت تحت عنوان «خداحافظی با ماه مبارک رمضان» در این دعا دارند، مطرح می کنم. حضرت در ابتدای این دعا مطالب مفصلی دارند تا به این جا می رسند که: «فَنَحْنُ قَائِلُونَ» [۲] از این جا به بعد خطاب حضرت به ماه مبارک رمضان است؛ این قطعه مقدسه از زمان.

خداحافظ ای ماه بزرگ خدا!

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ وَ يَا عِيدَ أَوْلِيَانِهِ الْأَعْظَمَ»، این عبارت «السلام علیک» را دیگر خودتان می توانید ترجمه کنید. الان گفتم: یعنی خداحافظ! خداحافظ ای ماه بزرگ خدا و عید بزرگ اولیای خدا! «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَ السَّاعَاتِ» خداحافظ ای بزرگ ترین همراه از میان زمان ها و اوقات؛ و بهترین ماهها در ایام و ساعات. زین العابدین چه تعبیراتی می کند! «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْأَمَالُ وَ نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ» خداحافظ ای ماهی که آرزوهایمان در تو نزدیک شد؛ یعنی امیدمان این بود که ماه رمضان بیاید و بتوانیم خودمان را اصلاح کنیم و گرفتاری هایمان را برطرف کنیم. خداحافظ ای ماهی که اعمال نیک در تو منتشر شد؛ واقعاً هم همین بود که هر کسی در حد خودش اعمال صالح انجام می داد.

دوری تو برایم سخت است، ای مونس من!

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُوداً وَ أَفْجَعَ فِرَاقُهُ مَقْضُوداً» خداحافظ ای همراه من که ارزش تو بالا بود و اکنون که می روی دلم را به درد می آوری. فراق تو برای من بسیار دردناک است. تعبیر زین العابدین این است که: «وَ أَفْجَعَ فِرَاقُهُ مَقْضُوداً» فراق تو بسیار دردناک است. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلِيفٍ أَنْسَ مُقْبِلاً فَسَرٌّ» خداحافظ ای مونس من، که وقتی آمدی من را خوشحال کردی، «وَ أَوْحَشَ مُنْقِضِياً فَمَضَى» و اکنون که می روی، من را به وحشت می اندازی، که بدون تو چه کنم. آن موقع خوشحال شدم، اما الان چه؟ از دوری تو هراسانم.

خداحافظ ای ماه دوری از زشتی ها

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ قَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ» خداحافظ ای همراه من که تا بودی، دل من رقیق بود و از آن سر سختی هایش، بیرون آمده بود. من در این ماه لطیف شده بودم و به سراغ خدا می رفتم، «قَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ»، وقتی که تو آمدی، گناهانم کم شد. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ وَ صَاحِبٍ سَهَّلَ سَبِيلَ الْإِحْسَانِ» خداحافظ ای یابوری که کمک کردی تا من بر شیطان غلبه کنم و ای همراهی که راههای نیکی را بر من آسان کردی.

خداحافظ ای ماه آزادی از دوزخ

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ وَ مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَهُ بِكَ» خداحافظ ای ماهی که تعداد آزادشده‌گان از آتش جهنم در تو زیاد شد. این اشاره به همان روایتی است که خداوند در هر شب، به هنگام افطار هزار، هزار کس را از آتش جهنم نجات می‌داد؛ در شب‌های جمعه هر یک ساعت، این‌طور می‌کرد و در شب آخر ماه رمضان به مقدار تمام کسانی که در کل این ماه از آتش نجات داده است را نجات می‌دهد. ای خدا! آیا می‌شود که امشب ما هم یکی از این آزاد شده‌ها باشیم؟ سعادت‌مند شد کسی که حریم احترام تو را رعایت کرد. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْسَبَكَ لِلذُّنُوبِ وَ اسْتَرْكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ» خداحافظ ای ماهی که گناهان را پاک کردی و محو نمودی و همه عیب‌ها را، هر چه که بود، پوشاندی. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ وَ أَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ» خداحافظ ای ماه! چه قدر برای گناه‌کاران طولانی بودی و چه قدر برای مؤمنین عظمت داشتی!

خوشا به حال کسانی که قدر دانستند!

تمام این جملاتی که زین‌العابدین (صلوات الله علیه) در این خداحافظی بیان می‌فرماید، گویای این مسأله است که این ماه چه ارزش و عظمتی دارد. بدانید که دارید از چه گوهر گرانبه‌ای زمانی، خارج می‌شوید! شما در چه مقطع زمانی بودید که بهترین فرصت‌ها را برای اصلاح دین و دنیایتان داشتید! خوشا به حال کسانی که استفاده کردند! خوشا به حال کسانی که قدر این زمان را دانستند! خوشا به حال آنانی که قدر این ماه رمضان را دانستند و توانستند گره‌هایشان را باز کنند! چه گره‌های دنیایی، چه اخروی.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ لَا تَنَافِسُهُ الْأَيَّامُ» خداحافظ ای ماهی که هیچ ماه دیگری از تو برتر نیست. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ» خداحافظ ای ماهی که تا تو بودی، امن و سلامت بود.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبَةِ وَ لَا دَمِيمِ الْمَلَابَسَةِ» خداحافظ ای ماهی که نه در همنشینی با تو ناراحتی وجود داشت و نه بدی و ناپسندی در حضور تو بود. «السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَقَدْتِ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ وَ غَسَلْتِ عَنَّا دَسَّ الْخَطِيئَاتِ» ماهم در بعضی موارد برای خداحافظی می‌گوییم به سلامت! خوش آمدی! حضرت می‌فرماید: ای ماه رمضان خداحافظ و به سلامت! همان‌گونه که تو بر ما با برکات فراوان و سلامتی فرود آمدی و ناپاکی‌های گناه را از ما زدودی و ما را از خطاها شست و شو دادی!

ناراحت رفتن تو، و چشم انتظار آمدن دوباره‌ات

«السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودِعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأَمًا» خداحافظ که در این وقت وداع، نه از تو ناراحتیم و نه از روزه‌داری‌ات خسته شده‌ایم. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ وَ مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ قَوْتِهِ» خداحافظ از جانب من که خواستار تو بودم و پیش از آمدنت خوشحال بودم که تو خواهی آمد و اکنون هم که می‌خواهی بروی، اندوهگین شده‌ام که از دوری‌ات چه کنم! «السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صَرَفَ بِكَ عَنَّا، وَ كَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا» خداحافظ که چه بدی‌هایی را از ما دور کردی و چه خیراتی را با آمدنت نصیبمان کردی!

خداحافظ ای ماه مبارک! خداحافظ شب قدر!

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» خداحافظ و درود بر تو و شب قدر که از هزار ماه برتر است. «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ وَ أَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا إِلَيْكَ.» خداحافظ که تا بودی، مشتاق آن بودیم که بیشتر بمانی و اکنون که می‌روی، دل‌هایمان برای دیدار دوباره‌ات پُر می‌کشد. «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حَرَمْنَا، وَ عَلَى مَاضِي مِنْ بَرَكَاتِكَ سَلْبْنَا» خداحافظ و درود بر تو و درود بر فضل و کرمت که از آن محروم گشتیم و برکات گذشته‌ات را از کف دادیم. «اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَفْتَنَا بِهِ» خداوندا ما «اهل» این ماه بودیم و تو ما را به آن شرافت بخشیدی و با آن، بر سر ما منت گذاشتی! ...

خدایا! تو کوتاهی ما را جبران کن!

من فقط یک جمله می‌خواهم به خدا بگویم: خدایا اگر ما کوتاه آمدیم، تو کوتاهی‌های ما را نادیده بگیر! اگر ما کوتاه آمدیم، ما را به این کوتاهی‌ها مؤاخذه نکن! ما را با این کوتاهی‌ها از برکات و غفران خود در این ساعات محروم نسا! بیا به آن‌هایی که محبت داری و لطف و مرحمت کردی، ما را دست خالی از سر این سفره رد نکن! یک طوری نشود که ما از سر این سفره استفاده نکرده، بلند شویم و برویم. بیا و در این مهمانی خود که برای ما برپا کرده بودی، مثل بقیه که از آنها پذیرایی کرده‌ای از ما هم پذیرایی کن!

حاشا به کرمت یا الله!

جملات عجیبی است که از زین‌العابدین (صلوات‌الله‌علیه) نقل شده است و همه بر عظمت این ماه دلالت می‌کند. روایتی از امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) بود که حضرت فرمودند: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» [۳] اگر کسی در ماه رمضان مورد غفران قرار نگیرد، بعید است که بعد از این ماه مشمول لطف و رحمت خدا قرار گیرد. به حسب ظاهر برای ما، چند ساعت بیشتر از این ماه باقی نمانده است. چند ساعت بیشتر نداریم، بیاید از این ساعات استفاده کنیم. خود من امشب فکر می‌کردم و می‌گفتم: خدایا! مگر می‌شود که ما را دست خالی برگردانی؟! مگر می‌شود کسی را دعوت کنی و او را بر سر سفره بنشانی و به او غذا ندهی؟! حاشا به کرمت یا الله!

ذکر مصیبت تجهیز حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)

بروم سراغ توسلم. خیلی التماس دعا دارم. بریم آنجایی که وقتی ائمه گرفتار بودند، به آن‌جا می‌رفتند. چند جمله بیشتر نمی‌توانم بگویم. زهرا به علی (علیه‌السلام) وصیت کرد و گفت: من را شب غسل بده! شب کفنم کن! شب دفنم کن! و به اسماء هم وصیت کرد که علی را در این کارها کمک کن! لذا اسماء آب می‌ریخت و علی بدن زهرا را غسل می‌داد؛ اما از زیر پیراهن. غسل تمام شد. اما علی چگونه بدن زهرا را غسل داد و در بین غسل به چه جراحتهایی در بدن او برخورد کرد، که زهرا به او نگفته بود، من نمی‌گویم.

ادامه روایت را از علی نقل می‌کنم. می‌گوید: «فَلَمَّا هَمَمْتُ أَنْ أَعْقِدَ الرِّدَاءَ» وقتی خواستم بند کفن زهرا را ببندم. «نَادَيْتُ يَا أُمَّ كَلْثُومِ يَا زَيْنَبُ يَا سَكِينَةَ يَا فَضَّةُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ هَلُمُّوا تَرَوْدُوا مِنْ أُمَّكُمْ» بچه‌های زهرا را صدا زدم، گفتم: بیاید از مادر توشه بگیرید! «فَهَذَا الْفِرَاقُ وَاللِّقَاءُ فِي الْجَنَّةِ» دیگر مادر را نمی‌بینید مگر در بهشت. بچه‌ها آمدند. حسنین خودشان را روی بدن مادر انداختند. علی (علیه‌السلام) قسم می‌خورد و می‌گوید: وقتی این‌ها خودشان را روی بدن مادر انداختند، زهرا دست از کفن بیرون آورد، یک دست گردن حسن انداخت، یک دست گردن حسین انداخت. چنان ناله ای زد که منادی ندا کرد: یا علی! این‌ها را بردار! ملائک آسمان به گریه افتاده‌اند. [۴]

[۱]. بحارالانوار ۹۱ ۹۶

[۲]. صحیفه سجادیه دعای ۴۵- بحارالانوار ۹۵ ۱۷۴- اقبال الاعمال ۲۵۰

[۳]. الکافی ۴ ۶۶

[۴]. بحارالانوار ۴۳ ۱۷۹

جلسه ۲۹ - آیا ما هم بخشیده شده‌ایم؟

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ» [۱]

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در گذشته راجع به ماه مبارک رمضان بود که ماه بازگو کردن کلام ربّ یعنی تلاوت قرآن و ماه سخن گفتن با ربّ یعنی دعا است و ما مباحثی راجع به دعا داشتیم. من به مناسبت امشب و این موقعیت، مباحثی را در این رابطه که زمان روی اجابت دعا اثر می‌گذارد، را عرض می‌کنم. [۲]

روز عید فطر

در باب زمان‌های تأثیر گذار بر روی اجابت دعا، یکی از زمان‌هایی را که من مطرح کردم عبارت از عید فطر بود و بخشی از خطبه علی (علیه السلام) که در روز عید فطر ایراد فرموده بودند را نقل کردم. که ما از آن استفاده می‌کنیم که دعا در این زمان به اجابت نزدیک‌تر است. حضرت در جملاتشان فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً»؛ هان آگاه باشید، که امروز، روزی است که خداوند آن را برای شما عید قرار داده است. «وَ جَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا»؛ و شما را اهل آن قرار داده، «فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ»؛ پس خداوند را یاد کنید تا خداوند نیز شما را یاد کند. «وَ ادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ». [۳] او را بخوانید تا شما را اجابت کند؛ که این خواندن، همان دعا کردن است. درخواست کنید که درخواست شما به اجابت می‌رسد. این همان اثرگذاری است که ما گفتیم که این زمان خاص و این مقطع از زمان که از حرکت ترسیم می‌شود، قداست دارد و روی دعا، اثر می‌گذارد که به اجابت برسد. این خصوصیت برای روز عید است.

شب عید فطر کمتر از شب قدر نیست!

در روایات داریم که شب عید فطر کمتر از شب قدر نیست. شما به این نکته دقت کنید! شب عید فطر کمتر از شب قدر نیست. من باید این جمله را معنا کنم که یعنی چه؟ این جمله اشاره به این نکته دارد که آثاری که در شب قدر بر اعمال ما مترتب می‌شود، چه بسا در شب عید فطر هم بر اعمال ما مترتب می‌شود. این که فرموده‌اند، این شب کمتر از شب قدر نیست، یعنی در اثرگذاری روی اعمال کمتر از او نیست. این شب مانند شب قدر بر روی اعمال اثرگذاری دارد؛ که از جمله اعمال ما در این دو شب، دعا است. پس شب عید فطر هم مثل شب قدر، بر روی اجابت دعا اثر دارد. من می‌خواستم تأثیر این شب و روز را کمی توضیح داده باشم.

دعای روز عید فطر

سراغ چند جمله‌ای از زین العابدین (صلوات‌الله‌علیه) می‌روم که ایشان در دعای روز عید فطر داشته‌اند و می‌خواهم از آن‌ها هم این معنا را استفاده کنم. به صحیفه سجادیه دعای چهل و ششم، مراجعه کنید که حضرت از همان ابتدای دعا این‌گونه شروع می‌کند که: «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ»؛ ای موجودی که رحم می‌کنی به کسی یا کسانی که بندگان به او رحم نمی‌کنند. این یعنی چه؟

من نکته‌ای را این‌جا در باب ترحم و مهربانی کردن عرض کنم که هیچ‌گاه ترحم کسی به دیگری و مهربانی میان عباد در روابطی که با یکدیگر دارند، «بدون غرض» نمی‌شود. بالاخره یک غرضی در نظر گرفته می‌شود تا کسی به دیگری رحم کند و با او مهربانی کند. این یک مطلب کلی است. اما در مورد خداوند این‌طور نیست. راجع به خداوند، اصلاً و ابداً بحث غرض مطرح نیست. آیا این‌طور است که مثلاً چون تو یک خوبی به خدا کرده‌ای، خدا هم به تو ترحم می‌کند؟ خدا که کیسه‌ای ندوخته که به واسطه بندگانش، چیزی در آن برود! به خلاف بندگان که این‌ها بدون غرض، به یکدیگر مهربانی نمی‌کنند، حالا من نمی‌خواهم وارد بحث اغراض شوم، این را گفتم تا بدانید که خداوند متعال از سر طمع، ترحم نمی‌کند.

از همه کس رانده شده‌ام!

این یک مطلب، و اما مطلب دیگری که اینجا است، این است که اگر کسی به انسان بد کند، انسان حاضر نیست به او خوبی کند. یعنی غالباً این‌گونه است که ما در روابطی که با یکدیگر داریم، اگر رابطه، رابطه خوبی نباشد، مثلاً کسی به ما بد کرده باشد، به طور غالب، کسی از ما حاضر نیست به او مهربانی کند. شاید کلام زین‌العابدین (صلوات الله علیه) اشاره به همین معنا داشته باشد که خداوند! تو آن موجودی هستی که اگر با تو بدی کردند، تو به آن‌ها خوبی می‌کنی. «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ»؛ آدمی که زشت‌کار است و هیچ کدام از بندگان خدا نیز حاضر نیستند به او مهربانی کنند و او را کاملاً طرد کرده‌اند نیز هیچ‌گاه از درگاه تو با همه زشت‌کاری‌هایش مطرود نمی‌شود. این تعبیر اول دعا است.

از همه جا و مانده‌ام!

«وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ»؛ ای کسی که می‌پذیرد، شخصی را که شهرها او را نمی‌پذیرند. این جمله جنبه کنایی دارد. شهرها و بلاد دنباله همان عبارت قبلی است که اگر یک نفر، در شهری به زشت‌کاری مشهور شده باشد، مردم او را بیرون می‌کنند و ما در اصطلاح می‌گوییم که شهر او را نمی‌پذیرد. اولی جنبه شخصی داشت، دومی جنبه عمومی پیدا می‌کند. حضرت مطلب را توسعه می‌دهد. عبارت اول جنبه روابط شخصی بود: «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ»؛ اشاره به جنبه شخصی است که فرد فرد انسان‌ها او را نمی‌پذیرند. در عبارت دوم که لفظ بلاد آمده است یعنی این که کل جامعه او را قبول نمی‌کند چون او یک شهرت زشت دارد. خدایا اگر کسی این‌طور هم شده باشد، ولو این که به این حد از بدی و بدنامی هم رسیده باشد، در عین حال تو او را می‌پذیری! یعنی اگر به پست‌ترین حد بدی هم رسیده باشد، که دیگر بدتر از این نمی‌شود گفت و بالاتر از این هم نمی‌شود به خدا عرض کرد؛ و این قدر مطرود باشد، باز هم هیچ‌گاه از درگاه تو مطرود نیست.

از بزرگواری تو، حتی «احساس حقارت» نمی‌کنم!

جمله سوم، «وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ»؛ ای موجودی که نیازمند خودش را خوار نمی‌کند. معمولاً این‌طور است که اگر کسی محتاج به دیگری شود و آن شخص هم به او کمک کند، شخص محتاج از نظر درونی، کمی احساس کوچکی می‌کند و شاید به همین اندازه که نزد دیگری حاجتمند و نیازمند بوده است، از نظر درونی روی او اثر بگذارد و مقداری شخصیت او پایین بیاید. این که حضرت فرمود: «لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ»؛ نیازمندش را خوار نمی‌کند؛ حقیر کردن یک وقت از نظر ظاهری است که در مقابل دیگران کسی را تحقیر می‌کنند و نیازش را به روی او می‌آورند و یک وقت است که او را تحقیر که نمی‌کنند، حتی پیش آن کسی که نیازش را دارد برطرف می‌کند هم خوار و ذلیل نمی‌شود. یعنی او به نحوی نیاز او را برآورده می‌سازد که حتی خودش هم از این نیازمندی ناراحت نشده و احساس حقارت نمی‌کند.

رانده شده، درمانده و محتاجم؛ ولی امیدوارم

بینید حضرت چگونه مطالب را کنار هم می‌آورد. فراز اول مسأله این است که شخص رابطه‌اش با دیگران بد باشد؛ عبارت دوم این است که شخص، بدنام شده و هیچ جایی ندارد؛ جمله سوم این است که او نیازمند است و احتیاجات فراوان دارد؛ حالا در جمله

چهارم عرض می‌کند: «وَايَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ» [۴] ای موجودی که اصرار کنندگان خود را ناامید نمی‌سازی. مسأله الحاح و اصرار در دعا را مطرح می‌فرماید.

خدا اصرار در دعا را دوست می‌دارد

بحث الحاح در دعا را من قبلاً بحث کرده‌ام و روایاتش را هم خوانده‌ام. الحاح یعنی این که بارها به خدا اصرار کنی که خداوند هم این اصرار و الحاح در دعا را می‌پسندد. حضرت این‌ها را پشت سر هم آورده است که - نعوذ بالله - رابطه‌ام با خدا خوب نیست، اصلاً هم خوب نیست، از طرفی هم احتیاج به او دارم و اصرار هم به او می‌کنم که او مرا ناامید نمی‌کند.

اگر گناهکاران هم رو به او کنند و اصرار ورزند، او جواب می‌دهد

چهار جمله از دعای روز عید فطر حضرت زین‌العابدین بود که خواندم و از این جملات استفاده کردم که این روز عید فطر، روزی است که حتی بدکاران هم، اگر حاجتمند باشند و به خدا روی آورند و اصرار کنند، از درگاهش محروم نمی‌شوند. می‌خواستم این را بگویم که این روز - که زین‌العابدین این جملات را به عنوان دعای روز عید فطر می‌گفتند و در صحیفه هم هست - بر روی اجابت دعا تأثیر دارد. می‌خواستم این را عرض کنم که هم روز و هم شب عید فطر؛ هر دو زمان مدخلیت دارد و روی اجابت دعا تأثیر دارد.

بباید در ازای محبت‌های او، انسانی- الهی زندگی کنیم.

می‌خواهم بگویم هنوز که هنوز است، فرصت به طور کامل از دست نرفته است. یعنی به حسب ظاهر، امشب و فردا هم دوباره از آن زمان‌هایی است که در دعاها بمان مؤثر است. این را قدر بدانیم!

یک تذکر هم به دوستان بدهم و آن این است که، حالا که ماه رمضان تمام شد؛ ماهی که بهترین ماه‌های سال بود، و حالا که لیالی قدر بر ما گذشت، که بهترین شب‌ها بود، و خدا هم ما را دست خالی رد نکرده است - این‌ها که دیگر شوخی نیست و از نظر اعتقادی ما به این مطالب ایمان داریم - بباید در گفتارها و کردارها مان، تجدید نظر کنیم. بباید در ازای این همه محبتی که خدا به ما کرده است، تجدید نظر کنیم. به این معنا که تصمیم بگیریم از این به بعد، کردارهایمان انسانی- الهی باشد. بباید به این مقید باشیم.

آیا ما هم بخشیده شده‌ایم؟

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که از کجا می‌توان فهمید که خدا ما را در ماه رمضان آمرزیده است یا نه؟ این یک سؤال عمومی است که همه می‌خواهیم بدانیم که آیا در این ماه آمرزیده شده‌ایم یا نه. من یکی از نشانه‌های آمرزش را می‌گویم، هر کس، متناسب با حال خودش، پاسخ این سؤال را می‌یابد که آیا خودش هم جزو آمرزیده شده‌گان است یا نه.

اگر حال «مراقبت» پیدا کرده‌اید، آمرزیده شده‌اید!

اگر دیدید بعد از ماه رمضان، در رفتارها و کردارها و گفتارها، تجدید نظر کرده‌اید، بدانید که لطف خدا شامل حال شما شده است. خوب حرف من را گوش کنید! یعنی اگر داریم از خودمان مراقبت می‌کنیم، چه از نظر اعمال شخصی، چه در روابط اجتماعی - چهار محیط خانوادگی، آموزشی، کاری و رفاقتی - این علامت آن است که ما آمرزیده شده‌ایم. شما ببینید، ما معمولاً در این چهار محیط هستیم؛ محیط خانوادگی، محیط آموزشی، محیط شغلی و محیط رفاقتی. اگر دیدید که در این محیط‌ها توجه دارید که کاری که

انجام می‌دهید، حرفی که می‌زنید مشروع باشد یا انسانی باشد، اگر دیدید این مراقبت برایتان پیدا شده است، بدانید که خداوند شما را آمرزیده است.

من سؤالی را مطرح کردم که همگانی بود. اگر می‌خواهی بفهمی که واقعاً وضع تو بعد از ماه رمضان چگونه است؟ ببین، آیا این ماه رمضان روی تو اثر گذاشته است یا نه؟ یکی از اثرات ماه مبارک، آمرزش گناهان است. آیا بعد از ماه رمضان، در ربط با اعمالم تغییری کرده‌ام که نشانه آمرزش باشد؟ آیا مراقبت پیدا کرده‌ام؟ آیا دیگر حواسم جمع شده است یا نه؟ اگر دیدید حواستان جمع شده و مراقب اعمالتان هستید، بدانید که خداوند به شما هم عنایت کرده است.

از عنایت خدا، پاسداری کنید!

حالا خودت و نفست را رها نکن! این حالت توجه و مراقبه را رها نکن! از این عنایت الهی، پاسداری کنید! این لطفی را که خدا به شما کرده است، نگاه دارید! این تنبّه و تذکر را حفظ کنید! ما که از خواب غفلت و بی‌توجهی به کردار خود به طور صد در صد بیدار نشده‌ایم. کمی چشم ما باز شده است و حالت هشیاری و توجه به ما دست داده است. نگذارید چشم‌هایمان دو مرتبه بسته شود و به خواب غفلت فرو رویم. چه در مسائل فردی، چه اجتماعی، در تمام محیط‌ها اول ببینیم که آیا فرق کرده‌ایم یا - نعوذ بالله - نه؟ ثانیاً تلاش کنیم این حالت و این تغییر را برای خود حفظ کنیم که بهترین چیز این است.

سر نخ انسانیت و الهیت

من می‌خواستم به دوستان بگویم که نگذارید این جلسات بدون اثر عملی باشد. لذا سعی کنید که این دست‌آورد الهی و انسانی را نگاه دارید و اگر این حال توجه و مراقبت را در خود نگاه دارید، بدانید که همین کار، یک سرنخی برای پیشرفت شما در وادی انسانیت و الهیت می‌شود. هم شما را در وادی انسانیت پیش می‌برد و هم در وادی خدایی شدن. از این‌ها مراقبت کنید!

[۱]. بحارالانوار ۹۱ ۹۶

[۲]. جلسه گذشته به نکته‌ای کلامی اشاره کردم، گرچه به من گفتند که آن مطلب برای همگان مفهوم نبود، ولی من آن را برای کسان که می‌فهمند گفتم.

[۳]. من لایحضره الفقیه ۱ ۵۱۷

[۴]. الصحیفة السجادیة ۲۰۴ دعای چهل و ششم